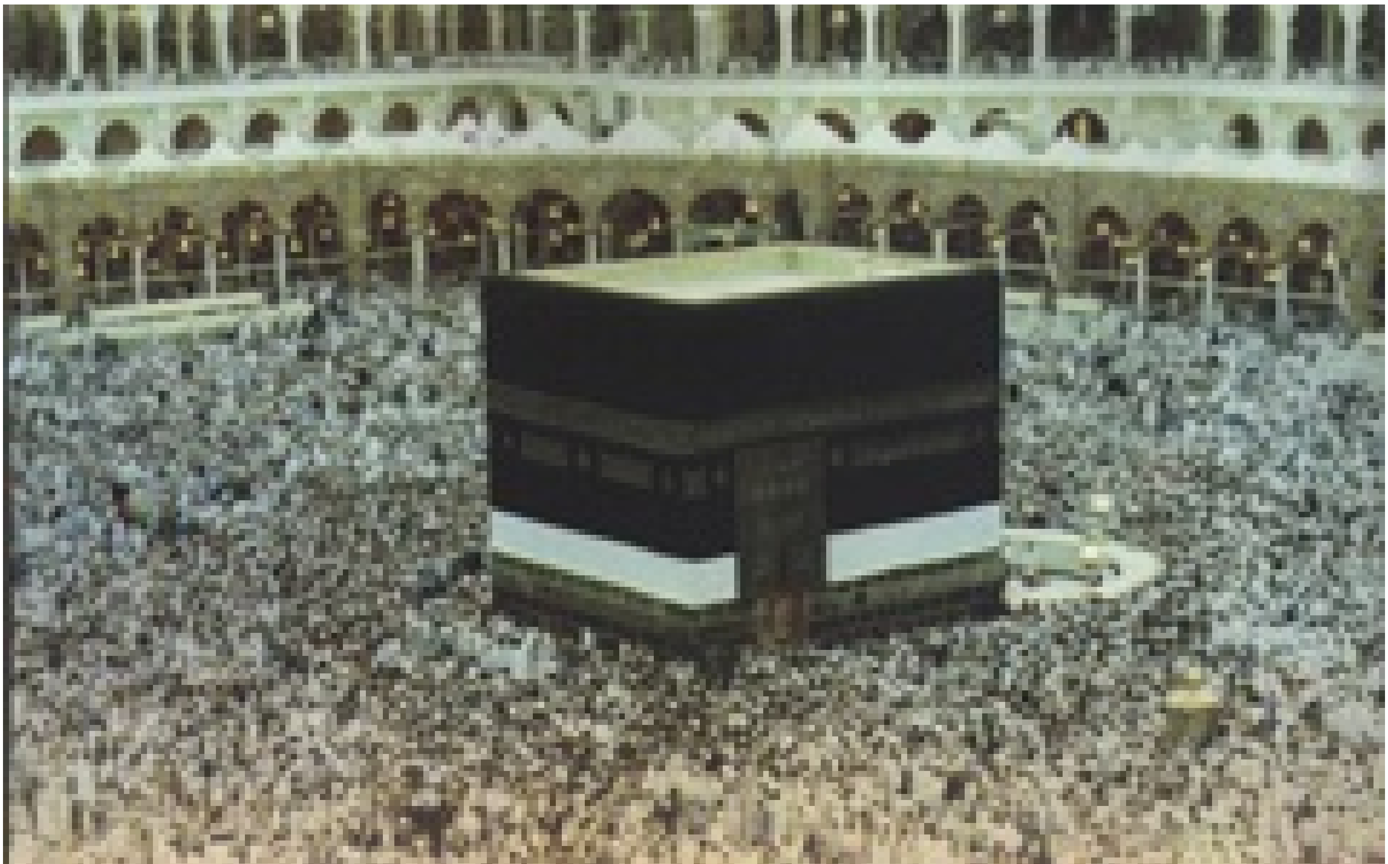


اخلاق وآداب در حج وزیارت

محمد تقی رهبر

بسم الله الرحمن الرحیم

اخلاق و آداب در حج و زیارت

نویسنده:

محمدتقی رهبر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اخلاق و آداب در حج و زیارت

مشخصات کتاب

سرشناسه : رهبر، محمدتقی، ۱۳۱۴ -

عنوان و نام پدیدآور : اخلاق و آداب در حج و زیارت/ محمدتقی رهبر.

مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری : ۱۵۹ ص.

شابک : ۵۰۰۰ ریال: ۹۶۴۶۲۹۳۵۳۰ ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ چهارم) ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ هفتم) ؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ سیزدهم) ؛ ۱۰۰۰۰ریال(چاپ بیست و چهارم)

یادداشت : چاپ سوم: تابستان ۱۳۸۱.

یادداشت : چاپ چهارم :۱۳۸۱.

یادداشت : چاپ پنجم :۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ هفتم :۱۳۸۲.

یادداشت : چاپ سیزدهم: تابستان ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ بیست و چهارم:۱۳۸۹.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : حج

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/۸/ر۹الف۳ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی : م۸۱-۳۶۳۶

ص: ۱

پیشگفتار

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۰

اشاره

ص: ۱۱

بسم اللّه الرحمن الرحیم

«مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج بطور صحیح و شایسته مو به مو عمل شود».

حضرت امام خمینی قدس سره

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحّد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی‌مانندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسؤولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می‌زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیاتبخش حجّ است، امّا هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهمّ، ناشناخته و مهجور مانده است.

ص: ۱۲

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی قدس سره حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشاند، و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. امّا هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حجّ، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حجّ‌گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محلّ هبوط ملائکهٔ اللَّه، و توقّف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظّم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل قدس سره، احیاگر حجّ ابراهیمی و بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیهٔ‌اللَّه خامنه‌ای- مدّ ظلّه العالی- با تأسیس معاونت آموزش و تحقیقات، تلاش می‌کند فصل جدیدی فرا راه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حجّ، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حجّ، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حجّ تلاشهایی را آغاز کرده است.

آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارساییها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظّم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد.

ومن اللَّه التوفیق وعلیه التکلان

معاونت آموزش و تحقیقات

بعثه مقام معظم رهبری

ص: ۱۳

حج فریضه‌ای است جهانشمول و دارای ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مادی و معنوی که هر یک در جای خود شایان توجه و تأمل است و باید به شرح آن پرداخت.

یکی از این ابعاد که روح حج را تشکیل می‌دهد؛ کمال انسانی، تزکیه نفس و تخلّق به اخلاق فاضله و تأدّب به آداب حسنه اسلامی است که از یک سو در پربار شدن معنویات حج و عمره نقش اساسی دارد و منابع روایی، رهنمودهای بسیار ارزنده‌ای را در این باره ارائه می‌دهد؛ و از سوی دیگر آثار درخشانی است که حج و زیارت در پالایش روح و تکامل نفس و رشد اخلاقی، فردی و اجتماعی بر جای می‌نهد و با هدف انسان سازی در ارتباط است.

به عبارت دیگر: همانگونه که اخلاق و آداب، در کمال حج تأثیر دارد، حج نیز در رشد و تکامل بیشتر اخلاق و آداب انسانی مؤثر است و این همان تأثیر متقابل است که در تمامی مسائل اعتقادی، اخلاقی و عبادی اسلام نیز می‌توان یافت و نشان دهنده انسجام معارف شرع مقدس است.

ص: ۱۴

جایگاه تزکیه و اخلاق

اگر بـه فلسـفه بعثـت بنگریم و بـا نقشـی که خداونـد برای رسـالت خـاتم انبیـا صـلی الله علیه و آله در تزکیه نفـوس و تعلیم و تربیت انسان‌ها قائل شده؛ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمْ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (۱) آشنا شویم. اگر توجه ویژه‌ای که قرآن دراین‌باره دارد را به دقت مطالعه کنیم، آنجا که با سوگنـدهای مکرر در سوره «والشـمس» (که نظیر آن را در دیگر موارد نمی‌توان یافت) تأکیـد می‌ورزد که فلاح و رستگاری انسان در تزکیه نفس است و زیانکاری و بدبختی او، در آلودگی نفس؛ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۲) اگر بشناسیم نقشی را که رسول مکرّم صلی الله علیه و آله برای اخلاق در نظام شریعت قائل شد و تکمیل و تتمیم آن را هدف رسالت خواند:

«بُعِثْتُ لأُتَمِّمَ مَكارِمَ الأَخْلاق» (۳)

و نیز اخلاق حسنه را نشانه کمال ایمان دانست و فرمود:

«أكمل المؤمنين ايماناً أحسنهم خُلْقاً» (۴)

و آن را نیمی از دین نامیده و گفته‌اند

«حُسْنَ الخُلْقِ نِصْفُ الدِّين» (۵)

و برای حسن خلق پاداشی چون پاداش صائم شب زنده‌دار قائل شده‌اند:

«انّ صاحب الخُلق الحسن له مثل أجر الصائم القائم» (۶)

و بالأخره اگر به روایات بسیار دیگری که در این زمینه وجود دارد توجه کنیم، اذعان خواهیم کرد که جایگاه اخلاق کریمه و

۱- جمعه: ۲

۲- الشمس: ۸

۳- مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۳۳۳

۴- وسائل، ۸، ۵۰۹

۵- همان، ص ۵۰۷

۶- همان، ۵۰۴

ص: ۱۵

سجایای خجسته در شریعت والای اسلام، در چه پایه از اهمیت است تا آنجا که با عنایت مخصوصی از میان همه غایات و اهداف رسالت روی آن انگشت نهاده شده است!

و به عبارتی: انسان سازی و اتصاف به صفات ربوبی، غایت خلقت و فلسفه بعثت انبیا می‌باشد و شرایع و احکام در این راستا جهت‌گیری دارد که حج نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ چنانکه قرآن کریم تصریح می کند:

«سخنان زشت، لغو، فحش، فسق، فجور، مِراء و جدال در حج جایگاهی ندارد»؛ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِی الْحَجِّ (۱) و پیامبر اکرم می‌فرماید:

«مَنْ حَجّ البَیْتَ فَلَم یرفث ولم یفسق، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْم وَلَدَتْهُ امُّه» (۲)

«کسی که حج کند و مرتکب زشتی و فسق نگردد، از گناهانش پاک شود چنانکه گویی از مادر متولد گردیده است».

و این خود یک اصل است که هر عبادتی باید با روح تقوا و طهارت نفس همراه باشد تا مورد قبول واقع شود؛ إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنْ الْمُتَّقِینَ (۳) از این رو در روایت آمده که تحوّل اخلاقی فرد در این سفر روحانی و احتراز از معاصیِ گذشته، نشانه قبولیِ حجّ اوست؛ قال رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله:

«آیَةُ

۱- بقره: ۱۹۷، «الرفث» اسم جامع لکل لغو و خنی و فحش من الکلام و «الفسوق» اسم جامع لکل خروج عن طاعهٔ اللَّه و «الجدال» هو المبالغهٔ فی الخصومهٔ والمبارات بما یورث الضغاین. محجهٔ البیضاء، ج ۲، ص ۱۹۱

۲- احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۴۶

۳- مائده: ۲۷

ص: ۱۶

قَبُول الحَجّ ترک ما کان علیه مُقیماً من الذنوب» (۱)

خلاصه اینکه: حج نقطه تحول روحی و اخلاقی حاجیان است و بدون شک باید آثار این تحول در اعمال و اخلاق حج گزاران مشهود باشد، چنانکه برای تشرف به حج، این ضیافت بزرگ الهی نیز باید آمادگی لازم را از نظر روحی و اخلاقی فراهم آورند.

امام علی‌بن موسی‌الرضا علیه السلام طی‌روایتی‌جامع، به ابعاد فردی واجتماعی حج می‌پردازد وازبُعد اخلاقی وتهذیب نفوس سخن‌می‌گوید ومی‌فرماید:

«انّما امِرُوا بِالْحَجّ لِعِلّة الوفادة الی اللّه عَزّوجلّ وطلب الزیادة والخروج مِنْ کلّ ما اقترف العبد تائباً ممّا مضی مستأنفاً لما یستقبل مع ما فیه من اخراج الأموال وتعب الأبدان والاشتغال عن الأهل والولد و حظراً الأنفس عن اللّذات، شاخصاً فی الحرّ والبرد، ثابتا علی ذلک، دائما مع الخضوع والإستکانة والتذلّل ...» (۲).

«همانا به حج مأمور شدند تا به محضر خداوند بزرگ باریابند و از او نعمتِ افزون‌تر طلب کنند و از گناهانی که بندگان مرتکب شده‌اند خارج گردند و از گذشته توبه کنند و در آینده جبران نمایند و راه درست پیش گیرند و نیز از این رهگذر اموال خرج شود و بدنها به رنج افتد و از سرگرمی زن و فرزند بیرون آیند و نفس را از لذّتها دور نگهدارند و گرما و سرما را تحمل کنند و به آن حالتی که به دست آورده‌اند پابرجا باشند و خضوع و خاکساری و افتادگی را تمرین کنند».

۱- الحج والعمرة فی الکتاب والسنة، ص ۲۶۹ محمّدی ری شهری

۲- عیون الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۰؛ علل ص ۱۰۱؛ وسائل، ج ۸، ص ۷

ص: ۱۷

از جمله روایات این باب گفتگوی امام سجاد علیه السلام با شبلی است که درباره تأثیرات تربیتی و اخلاقی به تفصیل سخن می گوید و در اغلب کتاب‌های حج آمده‌است. چنانکه ملاحظه می کنیم، تهذیب نفس وانسان سازی به عنوان فلسفه حج در آیات و روایات، به کرّات آمده و این امر حکایت از اهمیت آثار اخلاقی و تربیتی حج دارد که نباید از دید حج گزاران و آموزش دهندگان و راهنمایان آنها پوشیده بماند.

ضعف‌های اخلاقی و عملی

با اینکه به گواهی ناظران و اعتراف دیگران، زائران ما از نظر آراستگی اخلاقی بهترینند و حج گزاری کشورما الگویی آبرومند برای حج است، اما در میان انبوه زائران پاکدل و وارسته و مهذّب، افرادی بوده و هستند که به هر دلیل، از بعد اعتقادی و اخلاقی، علمی و عملی و مقررات شناسی، ضعف و کاستی‌هایی داشته و دارند که حل آن، راه‌کارهای عملی خاصی را می‌طلبد. این مشکلی است که همیشه وجود داشته و در روایات به طور مکرر از آن سخن به میان آمده است.

از جمله روایتی است از حضرت امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که درباره حج گزاران زمانشان (که بسیاری از عمال ظلمه و مخالفان اهلبیت بودند) فرمودند:

«ما أكثر الضجيج واقَلّ الحجيج» (۱)

؛ «هیاهو و سر و صدا زیاد است اما حج گزار کم».

این گونه روایات درس عبرتی است برای حج‌گزار که مغرور نباشد و به صرف اینکه به خانه خدا یا حرم نبوی و بقیع و سایر اماکن مشرفه

۱- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۱۲۴

ص: ۱۸

می‌رود، تصور نکنـد به حریم کبریایی و قرب خداونـدی راه یافته بلکه قبل از هر چیز به شـرایط و آداب، اخلاق و معنویات و تحول روحی و عملی بیندیشد، باشد که در زمره زائران واقعیِ خانه خدا در آید و مصداق این شعر نباشد:

به‌طواف کعبه رفتم به حرم رهم ندادند که تو در برون چه کردی که درون خانه آیی؟!

مسؤولیت سنگین اخلاقی ما

با توجه به آنچه به اختصار از نظر گـذشت، ضـرورت اخلاق و آداب در این هجرت روحانی و سـفر الهی، واضـح‌تر از آن است که آن را به شـرح و بیـان نیـاز باشـد. این سـفر برای بیشتر زائران، در طول عمر تنها یکبار پیش می‌آیـد و از دست دادن فرصت کوتاه و زود گـذر حـج و غفلت از وظایف و مقرّرات و تـذکرات، خسارتی است جبران ناپـذیر که افزون بر زیانهای فردی و تیرگی صـفای عبودیت، آثار نامطلوب اجتماعی و مکتبی فراوانی به بارمی‌آورد. حج مجمع جهانی وجوه مسلمین از همه اقطار عالَم است.

در ایـن کنگره عظیـم جهـانی و بین المللی، ضـعف‌های اخلاـقی، بـویژه از مـا پیروان اهلـبیت علیهم السـلام که زیر ذرّه‌بینِ دوست و دشـمن قرار داریم، به سـرعت نمایان می‌شود و تا کرانه‌های جهان پیش می‌رود و چهره‌ای زشت و نامطلوب از شیعه نشان می‌دهد و سمعه ملّت بزرگ و میهن اسلامی را مخدوش می‌سازد و اگر خدای ناخواسته یک زائری عملی نامناسب و رفتاری نامطلوب از خود نشـان دهـد، علاوه بر گناه فردی و ضایع کردن زحمات خود، به حیثیت نظام و تشـیع و مکتب والای اهلبیت لطمه زده و دیگران آن را به حساب مذهب و ملت و نظام ما خواهند گذاشت. در

ص: ۱۹

حالی که توصیه امام صادق علیه السلام است: «شما شیعیان مایه آبرو و سربلندی ما باشید و نه موجب سرشکستگی و بدنامی ما»؛ (کُونُوا لَنا زَیْناً وَلاتَکُونُوا عَلَیْنا شَیْناً) (۱)

مع الأسف، در میان زائران در گذشته، مواردی از تخلّفات و ضعف‌های اخلاقی و ندانم کاری‌هایی دیده شده که با روح حج و شؤون زائر بیت اللَّه سازگار نبوده است.

و این شگفت نیست؛ چرا که در میان ده‌ها هزار مرد و زن با تیپ‌ها و طبقه‌ها و فرهنگ‌های مختلف، دانسته و ندانسته اشتباهات و تخلفاتی وجود دارد که باید از پیش در صدد پیشگری و چاره اندیشی بر آمد و به حداقل رسانید و این کار مستلزم ریشه‌یابی، تعلیم و تربیت و هدایت و توجیه و حتّی گزینش زائر و نظارت دقیق و حساب شده و برنامه ریزی‌های لازم دیگر از سوی مسئوولان حج، طی ماه‌های قبل از عزیمت زائر و طول سفر حج و زیارت است، که امر آموزش و توجیه مرحله نخستین آن می‌باشد.

بدین ترتیب یکی از ضرورت‌های آموزشی و عملی زائران و راهنمایان و دست اندرکاران این سفر مبارک، آشنایی با اخلاق و آداب اسلامی و حُسن معاشرت با همسفران و برخورد صحیح با دیگر مسلمانان کشورها و مراقبت‌های دقیق اخلاقی و نظارت و هدایت زائران است که بدون آن این سیر و سلوک معنوی ناقص و کم بهره و بی روح خواهد بود و در بعد اجتماعی نیز عواقب و ضایعات غیر قابل جبرانی ببار خواهد آورد و این کار حساس، مشارکت دست اندرکاران حج و عمره، بویژه روحانیان و مدیران گروه‌ها و نیز همکاری جدی زائران گرامی را

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۰۰

ص: ۲۰

طلب می کند.

نگارش کتاب حاضر پاسخی است به این نیاز. این نوشتار، آداب و اخلاق سفر حج و زیارت را، از همان آغاز که زائر عزم سفر می کند و مقدمات را فراهم می‌سازد و همراه با زائران منزل به منزل طی مسیر می کنند، تا هنگامی که به وطن باز می گردند، مورد توجه قرار داده است. و در هر باب آن، از منابع اسلامی؛ کتاب، سنت و سیره، بویژه روایت اهلبیت علیهم السلام یاری جسته است. همچنین نویسنده در پاره‌ای موارد از تجارب چند ساله این سفر بهره گرفته است امید آنکه منشأ تأثیر و نتایج مطلوب باشد.

مطالب این نوشته در چند بخش آمده است:

۱- مقدمات سفر حج و زیارت.

۲- آداب و اخلاق در سفر.

۳- اخلاق و آداب در حرمین.

۴- اغتنام فرصت، توديع و ره آورد سفر.

ص: ۲۱

بخش اول: مقدمات سفر

اشاره

زائر پیش از عزیمت به دیـار وحی، به آمادگی‌هـای لازِم مـادی و معنوی نیاز دارد که بخشـی از آنها در زمینه‌های روحی، اخلاقی، عرفانی و اقتصادی است و بخشی دیگر در فراگیری و اهتمام به انجام تکالیف شرعی و برخی در تدارکات سفر.

به منظور تبیین موارد فوق، عناوین ذیل را برگزیده‌ایم:

* توجه به عظمت حج.

* تجرید قلب و خلوص نیت.

* انقطاع و هجرت الی اللَّه.

* آموزش احکام و مناسک.

* اصلاح نفس و آمادگی روحی.

* انتخاب همسفر شایسته.

* تدارکات و لوازم سفر.

* تودیع و بدرقه مسافر.

توجه به عظمت حج

آگاهی از اسـرار حج و توجه به شـکوه و عظمت آن، می‌تواند در بیدار ساختن احساس و شور و عاطفه زائر نقش مؤثر ایفا کند. آن کس که عزم این سفر را دارد، پیش از آنکه به آن دیار مقدس گام نهد، در ضمیر خویش

ص: ۲۲

شعور خاصی نسبت به مفاهیم ربانی احساس می‌کند که اگر این شعور و احساس هدایت شود و تفسیر گردد، آثار عمیق آن برای همیشه در جانش پایدار می‌ماند و این همان «ره آورد معنوی حج» است.

حقیقت این است که اگر اعمال حج، با شعور و درک صحیح، بدرستی و با توجه کامل انجام گیرد، نه تنها زائر در زمان حج از گناه و خطا، و رفتار نامناسب دوری می‌جوید بلکه از این سفر روحانی باز می‌گردد در حالی که قلب او از هر گناه و پلیدی، بیزاری جسته و به انواع خیر و نیکی مایل و راغب می‌گردد و در تمام عمر از این دست آورد گرانقدر بهره می‌برد.

حقیقت عظمت حج را اولیای خدا چه زیبا، دریافته بودند. آنان با پای پیاده رهسپار دیار محبوب می‌شدند، در حالی که مرکب‌ها و محمل‌ها پیش روی‌شان در حرکت بود، همان‌گونه که از سیره معصومین بارها شنیده‌ایم و یا خوانده‌ایم. (۱) شکوهِ احرام و ورود در حریمِ کبریایی حق را کسانی دریافته بودند که همچون حضرت زین العابدین علیه السلام، از روی تواضع و تذلّل در پیشگاه حق، که برای کمتر کسی میسر است، هنگام گفتن تکبیر به خود می‌لرزید و اضطراب سراسر وجود مبارکش را می‌گرفت و می‌گفت: بیم آن دارم که در پاسخ «لبیک» من گفته شود: «لا لبیک»؛ (۲) یعنی نه، تو پاسخ درست نداده‌ای!

و در آن مواقف کریمه، اشکِ خوف و رجا، از جذبه شوق و سوز عشق، از دیده جاری می‌ساختند که دعا و مناجات عرفانی، با شکوه و بی‌نظیر امام حسین علیه السلام در عرفات نمونه‌ای از آنها است.

۱- «وَ کانَ الحَسَنِ بْن عَلیّ علیهما السلام یَمْشی وَ تساق معه المَحامِل والرِّحال». محجّة البیضاء، ج ۲، ص ۱۵۰

۲- احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۲۷۵؛ محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۰۱

ص: ۲۳

زائر خانه خدا باید بداند که در این سفر قدم جای قدم این بزرگواران می‌نهد و تأسّی به ابراهیم علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سایر انبیای خدا علیهم السلام می جوید که این مکتب انسان ساز را تأسیس و تکمیل کردند؛ مکتبی که میلیاردها انسان را، در طول تاریخ بشری، تربیت کرده است.

زائر گرامی! تشرف به حج، پاسخ به دعایی است که در تمام عمر کرده‌ای واینک به اجابت رسیده است؛ خواسته‌ای که در دعاهای ماه مبارک رمضان ده‌ها بار بر زبانت جاری ساختی و اینک به تحقق پیوسته است.

گویی ضیافت ماه صیام، که اردوگاه تصفیه نفس است، مقدمه‌ای بوده برای ضیافت حج و آماده سازی روح با صیام و قیام و مناجات و ره‌توشه‌ای برای این مهمانی بزرگ خداوندی و حضور در جوار بیت اللّه الحرام. و این خود رمزی است که ارتباط صیام و حج، و ذی حجه و رمضان را می‌رساند و آن پالایش روح و تزکیه نفس در این دو مهمانی و دو اردوگاه معنوی، تا سیراب شدن از چشمه فیض و زمزم عشق ربّانی است.

بنابراین، از شور و عظمت حج غافل مباش و هشیار و آگاه رهسپار کوی یار شو و پیش از آنکه به حرم درآیی، قلب را حریم دوست گردان؛ چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«القَلْبُ حَرَم اللَّهِ فَلا تُسْكِن حَرَمَ اللَّه غَيْرَ اللَّه»

«قلب حرم خدا است در حرم خدا جز خدا را جای نده».

حافظ گوید:

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

تجرید قلب و خلوص نیت

الف – تجرید قلب:

قرآن کریم حج را حقّ مستقیم خداوند بر بندگان خوانده، می‌فرماید:

وَللَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۱) «از برای خداوند است که هر کس استطاعت دارد آهنگ این خانه کند».

حج برای خدا است و بس و هیچ چیزِ دیگر در آن جایگاهی ندارد.

سفر سفر زیارت است و دیدار و قرب و حضور، نه سیاحت و تجارت یا ریا و شهرت. حتی اگر از مقاصد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سخن گفته می‌شود، به عنوان تابعی است از اهداف معنوی حج و جلب رضای خدا و تقرّب او و البته اینها را با مقاصد یاد شده تضادی نیست چه، اگر مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، در راستای عزّت دین خدا و مصلحت مسلمین باشد، مکمّل حج است.

باری، هدف اصلی حج تقرب به خدا و تحصیل رضای اوست و این جز با تجرید قلب و پاکسازی آن از اغیار میسّر نیست.

امام صادق علیه السلام با اشاره به این آمادگی قلبی و انقطاع از غیر، و پیوستن به حق می‌فرماید:

«اذا أَرَدتَ الْحَجَّ فجرّد قلبك للَّهعزّ و جلّ مِنْ قَبل عَزْمك مِن كلّ شاغِلٍ و حجب كلّ حاجب ...»

«هر گاه اراده حج کردی، قبل از عزیمت قلب خود را از تمامی مشغله‌ها

۱- آل عمران: ۹۷

ص: ۲۴

ص: ۲۵

و موانع تهی ساز و برای خداونـد بزرگ خالص گردان. همه امور خود را به آفریـدگارت بسپار و در تمام حرکات و سکنات بر او توکّل کن و تسلیم حکم و قضـای الهی بـاش دنیـا و راحت و خلق را رهـا کن و در ادای حق واجب مردم بکوش. بر زاد و راحله و یاران و همسفران و قدرت و ثروت و جوانی خود تکیه مکن. چه، بیم آن می‌رود که اینها دشمن و وبال تو گردند، تا معلوم شود که برای هیچکس تـوان و چاره‌ای جز در پنـاه خداونـد متعـال و توفیـق او وجـود نـدارد. و بـدانگونه آمـادگی پیـدا کن که گویی امید برگشتن نداری» (۱).

نکته اساسی سخن امـام صـادق علیه السـلام طریق دستیـابی به روح حـج؛ یعنی قصـد خـدا کردن است. که جز با تجریـد قلب قابل دسترسی نیست.

ب: خلوص نیت

«نیت» روح عمل است، عمل بدون نیتِ خالص، کالبدی است بی‌روح.

از سخنان پیامبر اکرم است که فرمود:

«انّما الأعْمال بِالنِّیات»

و

«لا عَمَلَ الّابِالّنیةِ» (۲).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند در قیامت مردم را با نیت‌هایشان محشور می‌کند»؛

(انّ اللَّهَ یَحْشُرُ النّاسَ عَلی نِیّاتِهِم) (۳)

. بنابراین، نخستین گام برای زائر بیت اللَّه الحرام، شناخت هدف و مقصود و خالص کردن

۱- مصباح الشریعهٔ، ص ۴۸- /۴۷

۲- مصباح الشریعه. باب النیهٔ.

۳- کافی ج ۵ ص ۲۰.

ص: ۲۶

نیّت و توجه به آن کانونی است که دل‌های پاکان را به خود متوجه کرده است؛ زیرا آنچه زائر در محشر حج نیت کند، در قیامت نیز حشر و نشرش با همان چیز خواهد بود.

چه، حج به معنای قصد است و قصد خالص و مقصد و نیت نباید جز خدا چیز دیگری باشد که قبله عشق یکی بیش نیست.

آنکه با ما سر سودا سپرد نیست لایق که دگر جانگرد

هست آیین دو بینی ز هوس قبله عشق یکی باشد و بس

انقطاع و هجرت الی اللّه

اشاره

«هجرت و انقطاع» در درونِ حج نهفته و نقطه آغازین آن، با همین فلسفه بوده است و این فلسفه بایـد در روح حج همچنان باقی و ماندگار باشد.

«هر گاه به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و هجرت او بـا زن و فرزنـدش به سـرزمین مکه و اسـکان آنهـا در آن دیار مقـدس بنگریم و به حوادثی که برای آنها پیش آمـد ماننـد ذبـح اسـماعیل و فـدا آمـدن از جانب خداونـد برای وی و بنای خانه کعبه، دقّت کنیم، یک دوره کامل از سـیر بندگی را می‌بینیم که یک بنده از خویشتن به خدا سفر می‌کند و از سرزمین دور، بارِ سفر می‌بندد، تا به ساحت قرب ره می‌گشاید و از زخارف دنیا و لذات و آرزوی جاه و مال و زن و فرزند چشم می‌پوشد تا از وساوس شیطان رهایی می‌یابـد و بـا اخلاـص و توجه تمام به مقام قرب و خانه کبریایی متوجه می‌گردد. اینها منزل‌هایی است متعـدد و پیاپی که به صورت تسلسل پیموده می‌شود و

ص: ۲۷

یک داستان تاریخی را ترسیم می‌کند که از سیر عبودیت بنده به سوی خدا سخن می‌گوید و آداب سیر و سلوک، طلب و حضور و راه و رسم محبّت و شیدایی و اخلاص را می‌آموزد و هر اندازه در راز این اعمال و مناسک تأمل کنیم، جلوه و جمال این حقایق بیشتر متبلور می‌گردد» (۱) و تو ای زائر خانه خدا توجه داشته باش که قدم جای قدم ابراهیم خلیل اللّه و خاندانش نهاده‌ای و به راهی که آنان رفتند ره می‌سپاری و جرعه نوش زلال زمزم آن عشقی هستی که اسماعیل ذبیح اللّه بدان خاطر به قربانگاه رفت و آن پدر و پسر از آن آزمایش بزرگ و «بلای عظم» سر بلند به در آمدند. بنابراین، عظمت صاحبخانه را به یادآور، و ادب حضور نگهدار و دیده از زمزم اشک و شوق لبریز گردان؛ چرا که:

طواف کعبه عشق از کسی درست آید که دیده زمزم او گشت و دل مقام خلیل (۲)

حج هجرت است، هجرت از «خلق الی الحقّ»؛ یعنی خلق و دنیا را پشت سر افکندن. خانه، خانواده، زن و فرزند، مال و منال، عنوان و مقام و دیگر تعلقات را رها کردن. و عجب و کبر و خودبینی و خودنمایی و توان جسمانی و روح و زاد و راحله را زیر پا نهادن و خلیل‌وار از زن و فرزند و دیار و یار و جان و مال بریدن و چون اسماعیل پای در کویر انقطاع ساییدن تا از زمزم عشق سیراب شدن و چون هاجر آسیمه سر و برهنه پای در سنگلاخ حیرت و انقطاع از این سو بدان سوی بی‌قرار و اشگبار دویدن و به خدا پناه بردن تا درخشیدن بارقه امید را دیدن و فیض رحمانی را در

۱- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۰۱ آیات ۱۲۵ تا ۱۲۹ سوره بقره.

۲- وحشی بافقی.

ص: ۲۸

آغوش کشیدن و در دامان مهرش جای گرفتن.

در میعادگاه عشق

حج وفود، ورود به محضر خداست، میعادی است برای عاشقان کویش و شیفتگان وصلش. ورود به این حریم کبریایی، حضور روحانی می‌طلبد. چه، این قرب، مکانی نیست، بلکه قرب معنوی است. شأنی و عرفانی‌است. واین مستلزم رهایی از خلق و فنای در حق است و تا رسیدن به مقام قرب منزلها و مرحله‌هاست که پیمودن آن، مرکب رهوار می‌طلبد وآن چیزی جزنفس وارسته و تمسک به حبل‌اللَّه و ولای اولیاءاللَّه نیست.

بُعد مسافت اگر چه در ره او نیست تا سر کویش هزار مرحله باشد

نی ز ملک جو نشان و نی ز فلک پوی راه به سویش نفوس کامله باشد (۱)

و این سفر تصویری است از سفر آخرت و پوشیدن احرام رمز لباس آخرت و میقات رستاخیر خلق و نمودی از محشر است که جز با قلب سلیم بدانسوی نباید رفت؛ يَوْمَ لَايَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ* إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيم (۲) در این سیر و سفر روحانی، زائر باید با قلب و قالب و جان و تن و اطمینان نفس به بلدِ امنِ ایمان در آید و با این سرمایه بزرگ و ره توشه روحی پر معنا درون خویش را غنا بخشد و از تقوا و خشیت و بیم و امید

۱- حکیم سبزواری اسرار.

۲- شعراء: ۸۹

ص: ۲۹

لبریز گرداند تا روح بالنده شود و به پرواز درآید و عاطفه حبّ خدا و رسول و اولیا را بیدار کند. بدینسان حج نقطه تحوّلی است در حیات معنوی حاجیان و نخستین گام این سفر، برون کردن جامه عصیان و پوشیدن لباس تقوا و بندگی است و تلبیه گفتن، پاسخی خالصانه به آن دعوتِ ربانی است.

چنانکه حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

«ولبّ بمعنی اجابهٔ صافیهٔ» (۱).

زائر گرامی! بنگر به کجا می‌روی؟ تو رو به قبله معشوق داری و خانه بهانه‌ای است که ره گم نشود. پس لوح دل از ماسوی اللّٰه پاک گردان و جان به سودای محبّت یار بسپار و در این بازار معنوی به قرب دوست و دولت پایدار آخرت بیندیش، نه مقصد دیگر؛ چنانکه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود:

«الحَجّهُ ثَوابها الجَنّهُ و العمرهُ کفارهُ کلّ ذَنْبٍ» (۲)

«پاداش حج بهشت است و عمره کفاره هر گناه است».

ای دل اگر عزم دیار یار داری قصد حجاز و کعبه دیدار داری

شوق شهود حضرت دلدار داری اول ز دل نقش سوی اللّٰه پاک گردان

باید نخست از جامه عصیان درآیی با جامه طاعت به کوی دلبر آیی

بشکست اگر پایت در این ره با سرآیی تا گام بتوانی زدن در کوی جانان (۳)

۱- مصباح الشریعه، ص ۴۸

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۶

۳- مهدی الهی قمشه‌ای.

ص: ۳۰

اصناف حج گزاران

و بدیهی است که رسیدن به مقام قرب و پاداش اخروی، شرایط لازم را می‌طلبد و هر زائری تنها با تشرف، چنین شایستگی را پیدا نمی‌کند. چه بسیارند کسانی که این آمادگی را کسب نکرده و از عرفان و معنویت حج بهره‌ای نبرده‌اند و آن را به اغراض و مقاصد مادی و دنیوی آلوده‌اند؛ چنانکه در روایات از سخنان معصومین به این امر هشدار داده شده است.

از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«یأتی عَلی النّاس زمانٌ یَکُونُ حَجّ الملوک نزهة و حجّ الأغنیاء تجارة و حجّ المساکین مسألة» (۱).

«زمانی برای مردم می‌آید که حج شاهان تفرّج، حج توانگران تجارت و حج نیازمندان گدایی است».

مرحوم شیخ حرّعاملی صاحب وسائل، در اینجا توضیحی دارد که ذکر آن بی‌تناسب نیست. وی می‌گوید: «این روایت به طور صریح بر بطلان حج دلالت ندارد و در مقام نکوهش هم نیست بلکه صرفاً جنبه اخباری دارد. و یا اینکه مقصودش نکوهش کسانی است که تنها به قصد تفریح و تجارت به حج می‌روند و یا بیانگر کراهت آمیختن حج به تجارت و امثال آن می‌باشد هر چند حج مجزی است و با انجام آن تکلیف ساقط می‌شود» (۲).

در هر حال اختلاف درجات ایمان و مراتب اخلاص، امری طبیعی و

۱- تهذیب، ج ۵، ص ۴۶۳

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۱

ص: ۳۱

اجتناب ناپذیر است، اما در این میان آنچه مسلّم است اینکه: هر عبادتی که صرفاً با انگیزه منافع مادی باشد، پذیرفته نیست و هر اندازه درجه اخلاص، معرفت و فضل و کمال بالاتر برود، ارزش عمل و پاداش آن افزون‌تر خواهد بود.

امام صادق علیه السلام با اشاره به اختلاف درجه حج گزاران و بهره‌ای که از این سفر می‌برند، می‌فرماید: «حج گزاران سه گروه‌اند:

۱- آنان که برات آزادی از آتش دوزخ گیرند.

۲- آنان که از گناهان پاک شوند؛ همانند روزی که از مادر زاده شده‌اند.

۳- کسانی که مال و خاندانشان حفظ و حراست شود، و این کمترین بهره‌ای است که حج‌گزار با آن بر می‌گردد» (۱)

بنابراین هیچ زائری از فیض حج بی‌بهره نمی‌ماند و دست خالی برنمی‌گردد اما باید همت بلند داشته باشد و به چیزی فراتر از اهداف زودگذر دنیوی بیاندیشند؛ به چیزی که ماندگار و جاودانه است.

به قول حافظ:

تو بندگی چو گدایان بشرط مزد مکن که خواجه خود کرمِ بنده پروری داند

آموزش احکام و مناسک

اشاره

از تکالیف اولیه یک مسلمان، فراگیری فقه و احکام دین است. امام باقر علیه السلام فقه دین را یکی از عناصر کمال برشمرده و فرماید: «کمال به مفهوم

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۵، «الحجاج ثلاثهٔ: صنف یعتق من النار و صنف یخرج من ذنوبه کهیئته یوم ولدته امه و صنف یحفظ فی اهله و ماله فذاک ادنی ما یرجع به الحاج».

ص: ۳۲

کامل آن، به تفقّه در دین، صبر در مصیبت و تدبیر امر معاش است»؛

(الکمال کلّ الکمال التفقّه فی الدّین و الصّبر عَلَی النائبهٔ و تقدیرُ المَعِیشهٔ) (۱)

امام صادق علیه السلام به ابان بن تغلب می‌فرماید: «دوست دارم بر سر یارانم تازیانه بخورد تا در دینشان فقیه و داناگردند»؛

(قال علیه السلام: یا أبان لوددت أنّ أصحابی ضربت رؤوسهم بالسیاط حتّی یَتَفَقَّهُوا) (۲)

در روایت دیگر از آن حضرت آمده است: «آنکه بدون بصیرت عمل کند، به کسی ماند که به بیراهه می‌رود، که سرعتِ سیر، جز دوری از مقصد برای وی نیفزاید»؛

(العامِل عَلی غَیْر بصیرهٔ کالسائر عَلی غیر الطریق، لایزیده سرعهٔ السیر الّا بُعداً) (۳)

فقه دین به مفهوم عام، هر چند شامل کلیه شرایع و تکالیف؛ اعم از مسائل عبادی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی، فردی و اجتماعی است، اما محور سخن ما در اینجا مسائل مورد نیاز حج‌گزاران است که باید برای این سفر فرا گیرند. و این از مهمترین وظایف زائر است؛ زیرا او برای انجام فریضه‌ای مهم و یا عمره مفرده مستحبی، آماده می‌شود که اگر تکالیف مربوط به آن بطور صحیح انجام نشود، نه تنها سعی و تلاش عبث و بیهوده خواهد بود و تکلیفش ساقط نمی‌شود، بلکه عواقب جبران ناپذیری در زندگی فردی و خانوادگی برای وی خواهد داشت. بنابراین، اکنون که پس از انتظار طولانی توفیق تشرف دست داده، بیش از هر چیز به قبولی اعمال خود که هدف اصلی این سفر است باید فکر کرد و نه امور

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۲

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱

۳- همان، ص ۴۳

ص: ۳۳

دیگر و این امر به فقه دین و انجام صحیح عمل و سایر شرایط بستگی دارد و از همین جاست که ضرورت آموزش فقه و معارف حج احساس می گردد.

پیامبر گرامی و ائمه علیهم السلام اهتمام بسیار داشتند تا مسائل حج را به مردم بیاموزند و چهره حج را از آنچه در جاهلیت مرسوم بوده است، بزدایند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله ده سال در مدینه بسر بردند و حج ننمودند (۱) تا اینکه آیه وَأَذِّنْ فِی النَّاسِ بِالْحَجِّ یَأْتُوکَ رِجَالًا وَعَلَی کُلِّ ضَامِرٍ یَأْتِینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیقٍ (۲) نازل شد و موظف گردید در میان مردم آهنگ حج را ندا دهد تا پیاده و سواره از راههای دور بیایند. به دنبال این فرمان، حضرتش منادیان را دستور دارد تا با بانگ بلند اعلام کنند: که پیامبر عازم حج است. در پی این اعلام، مردم مدینه و اطراف آن و سایر اعراب آگاه شدند و برای برگزاری فریضه حج گرد آمدند تا در ملازمت پیغمبر صلی الله علیه و آله حج‌گزارند مسائل ومناسک را از آن حضرت فراگیرند آنگاه امام صادق علیه السلام تمام اعمال و مناسک را، که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده بودند، از آغاز تا پایان، بطور مشروح بیان فرموده است. (۳) بدین ترتیب حج پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آموزش عملی مناسک نیز بود که پیروانش آن را برای همیشه و تا قیامت دستور العمل قرار داده و می‌دهند.

۱- از روایات دیگری استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله بطور مکرر حج گزارده‌اند، اما حج به صورت رسمی‌و اعلام عمومی، همان «حجة الوداع» بوده است.

۲- حج: ۲۷

۳- تهذیب، ج ۵، ص ۴۵۷-/ ۴۵۴

ص: ۳۴

گستردگی مسائل و اسرار حج

نکته شایان ذکر، گستردگی بی‌ماننـد مسائل حج و اسـرار معنوی آن است. زرارهٔ بن اعین می گوید: خدمت امام صادق علیه السـلام عرض کردم: فـدایت شوم، چهل سال است که از حـج و مسائل و اسـرار آن می‌پرسم و شـما فتوی می‌دهیـد! (و آنها تمام نمی‌شود) حضـرت فرمود: زراره! خـانه‌ای که فرشـتگان دو هزار سـال قبل از آدم به سوی آن حـج گزاردنـد، انتظار داری مسائل آن طی چهل سال به پایان رسد»؟

(یا زرارهٔ! بیت حُجَّ الَیه قبل آدم بِألفَی عام، ترید أن تفنی مسائله فی أربعین عاماً) (۱).

با این حال تفاصـیل احکام و مناسک حج و اسـرار معنوی و معارف عرفانی و اخلاقی و آثار اجتماعی، سیاسـی، فرهنگی و اقتصادی این فریضه جهانشـمول، در کلاـم و عمل معصومین علیهم السـلام بویژه سـخنان امام صادق علیه السـلام برای تمامی مسـلمانان تبیین شده که دیگران نیز به نقش تعالیم آن حضرت، در بیان مناسک، اعتراف کرده‌اند.

شیخ صدوق رحمه الله، از قول نعمان بن ثابت، ابوحنیفه؛ یکی از پیشوایان معروف اهل سنت آورده است که گفت:

«لَوْلا جعفربن‌محمّد ماعَلِمَ‌النّاسُ مَناسِکَ‌حَجِّهم» (۲).

«اگر جعفر بن محمد علیهما السلام نبود، مردم به مناسک حج خود دانا و آگاه نمی‌شدند.»

وظایف امروز ما و زائران

یکی از وظایف مهمّ برنامه ریزان حج و عمره، بویژه روحانیان کاروانها،

۱- الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۶

۲- الفقیه، ج ۲، ص ۳۰۷، ح ۱۵۱۷

ص: ۳۵

این است که مسائل حج را برای زائران بیان کنند و فلسفه و اسرار آن را توضیح دهند. وظیفه زائران نیز آن است که مناسک حج را طبق فتوای مرجع و فقیه مورد نظر خود فراگیرند و با شرکت در جلسات آموزشی و توجیهی قبل از عزیمت و احکام، مناسک را یاد گیرند و چگونگی آن را مورد توجه قرار دهند و هر نقطه ابهامی را از روحانیون محترم کاروان‌ها بپرسند و آگاهانه راهیِ این سفر شوند تا از عواقب نامطلوب بی‌خبری از احکام در امان بمانند.

نماز و سایر احکام

علاوه بر مناسک حج و عمره احکام و مسائل دیگری است که اگر به وجه صحیح انجام نشود، به اعمال حج لطمه می‌زند؛ مانند مسائل طهارت و نجاست، غسل، وضو، تیمم و ... که همگی در طواف و نماز آن شرط ضروری است، و همچنین اصلاح قرائت و اذکار و کیفیت انجام نماز و مقدمات و مقارنات از وظایف بسیار مهم زائر است که علاوه بر نیاز مبرم اعمال حج به آنها، در تمام عمر برای مکلّف ضروری است؛ زیرا نماز یک فریضه همگانی است از آغاز تکلیف تا پایان زندگی، در سفر و حضر، به هنگام سلامت و بیماری و بالأخره در همه حال و در همه شرایط باید انجام شود و کوتاهی در یادگیری احکام آن، گناهی است غیرقابل گذشت بویژه برای زائران خانه خدا که باید اعمال و عباداتشان برای دیگران الگوی عمل باشد.

زائر خانه خدا باید چند ماه قبل از عزیمت، از صحّت نمازِ خود مطمئن شود و نزد علمای محل یا کسانی دیگرکه مورد اطمینان هستند برود و قرائت و اذکار و نماز خود را عرضه کند تا اگر اشکالی داشت، به

ص: ۳۶

طور جدّی در صدد رفع و اصلاح آن برآید و قبل از سفر، نزد روحانی گروه تمرین کند و در طول سفر نیز در رفع اشکالات آن بکوشد و به جای صحبت‌های غیر مفید و سخن گفتن از بازار و خرید و فروش اجناس، به فکر اصلاح عبادات و اعمال خود باشد و روی این کار وقت بگذارد و از دیگر زائران و همسفران در اصلاح قرائت و اعمال و آداب نماز کمک بگیرد. و افزون بر اینها، از ویژگی نماز در حرمین و در جماعت اهل سنت و احکام ویژه آنها نیز آگاه گردد که در موارد بعدی بدان اشاره خواهیم داشت.

اصلاح مال و مسائل حقوقی

اشاره

از دیگر وظایف زائر پیش از عزیمت، اصلاح دارایی و رسیدگی به حقوق شرعی در رابطه با خدا و مردم است (هر چند که این وظیفه نیز برای همه عمر می‌باشد و اختصاص به امر حج ندارد).

در روایات معصومین علیهم السلام از پاکیزه کردن مال به عنوان شاخصه شرافت و مروّت یاد شده است. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به فرزندش حسن‌بن علی علیهما السلام می‌فرماید: «پسرم! مروت چیست؟ او در پاسخ می گوید: عفت و پاکدامنی و اصلاح دارایی»؛

(سَأَلَهُ عَلِي: یا بُنَیَّ ما المروّة؟ قال: العِفاف وَ اصْلاحُ المال) (۱).

همچنین در روایت دیگری آمده است که معاویه از امام حسن علیه السلام همین پرسش را کرد و امام در پاسخ فرمود: «مروّت این است که آدمی

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۹

ص: ۳۷

نسبت به دین خود جدّی باشد و در اصلاح مال خود بکوشد و به ادای حقوق قیام کند»

(قال علیه السلام: شح الرجل علی دینه و اصلاح ماله و قیامه بحقوقه) (۱)

حج و عمره و هیچ عبادت دیگری با مال حرام یا مشتبه به حرام، پذیرفته نمی‌شود و اصولًا سزاوار نیست که مال و دارایی مسلمان به حرام آلوده باشد و موظّف است دست‌کم هر سال یکبار مسائل مالی و حقوقی خود را روشن سازد و اگر مدیون است در پرداخت آن مسامحه نکند.

بنابراین، اگر زائر تاکنون به وجوهات شرعی پایبند نبوده، اکنون که عزم حج و زیارت دارد، باید به فقیه و عالمی رجوع کند و وضعیتِ مالی خود را، از آغاز اشتغال به کسب و درآمد، در میان بگذارد و اگر خمس، زکات، نذورات یا صدقات بر ذمه دارد، در ادای آن بکوشد تا حج و عمره‌اش صحیح باشد و اگر تعهدی در پرداخت نمود، خود را در انجام آن ملزم و مدیون بداند.

در توقیع شریف حضرت مهدی- ارواحنا فداه- آمده است:

«لعنة اللّه و الملائکة و الناس أجمعین عَلَی مَنْ أکَلَ مِنْ مالِنا دِرْهماً حَراماً» (۲)

«لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی باد که درهمی از مال ما را به حرام بخورد» (۳).

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۹

۲- احتجاج طبرسی، ص ۴۸۰

۳- با تأسف گاهی دیده می‌شود که زائر به هنگام عزیمت به حج، حساب مال خود را کرده، تعهد می‌سپارد و وجوه شرعی را با روحانی و عالمی دست به دست می‌کند و مدیون می‌شود، امّا پس از بازگشت، آن را به دست فراموشی می‌سپارد و مال امام زمان و سهم سادات فقیر را پرداخت نمی‌کند، با این تصوّر غلط که محاسبه مال تنها برای چند روز ایام حج بوده و با اتمام حجّ مسؤولیت تمام می‌شود!

و این در حالی است که همین افراد، پس از بازگشت از سفر، سوغات فراوان با خود می‌آورند. سفره‌های رنگین می گسترند و ...

این حقایق تلخ هر چند درباره جمعی خاص و افرادی ویژه صادق است، امّا تجارب تلخ آن برای دیگران وسیله تنبّه است.

ص: ۳۸

روایات اهلبیت علیهم السلام بر این مطلب تصریح و تأکید می کند که: حج زمانی پاسخ واقعی به دعوت الهی است که با مال حرام انجام نشود.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه کسی از راه غیرحلال مالی کسب کند و تلبیه حج بگوید، در پاسخ او گفته می‌شود:

«لالبّیک و لاسعدیک»

؛ «نه، تو پاسخ مثبت نداده‌ای، مبارک و میمون مباد تو را». و اگر مالش را از راه حلال به دست آورد، گویند:

«لبّیک و سعدیک»

؛ «بله، بله خوش آمدی».

(إذا اکتسب الرجل مالًا من غیر حله ثم حج فلبیّ نودی لا لبیک و لا سعدیک وان کان من حله فلبّی، نودی لبیک و سعدیک). (۱)

مسائل حقوقی مردم

زائر همچنین بایـد در پرداخت دیون مردم اهتمـام ورزد و اگر مـال او به حرام، ربا، رشوه، غصب، مظالم و حق‌الناس آلوده است، در حل و اصـلاح آن بکوشد و با صاحبان حقوق، به نوعی مصالحه کند و آنان را راضـی نماید و به پیشگاه خداوند نیز توبه و استغفار کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«وَاخْرُجْ مِنْ حُقُوق یَلْزَمُکَ مِنْ الْمَخْلُوقین» (۲)؛

۱- الحج و العمره فی الکتاب والسنهٔ، ص ۲۵۰، به نقل از فقیه: ۱، ص ۱۸۹

۲- مصباح الشریعه، ص ۴۸

ص: ۳۹

«حال که عزم حج داری حقوقی را که از ناحیه خلق بر ذمّه تو است ادا کن و از عهده آن بدر آی.»

مسائل اخلاقی

اگر زائر با کسی کدورتی دارد و کسانی از او ناراضی هستند و به دلایل اخلاقی در برابر دیگران مسؤول است، قبل از عزیمت در اصلاح این مشکل همت گمارد. حقوق اخلاقی والدین، همسر، فرزندان، برادر و خواهر، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و سایر مردمان از اینگونه است. یا اگر از کسی غیبتی کرده یا تهمت و افترایی زده، یا کینه و عداوتی در دل داشته، خود را از آلودگی آن پاکیزه کند و از ذمّه آن بدر آورد؛ زیرا حقوق، منحصر به مسائل مالی نیست و مسائل اخلاقی و معاشرتی، اگر مهم‌تر نباشد، دست کم ندارد. یکی از فلسفه‌های تودیع و خداحافظی همین است که در چنین لحظاتی که زائر عزم سفر دارد، برخورد عاطفی او با افراد می‌تواند کدورتها را برطرف سازد و گاه می‌شود با یک دیدار و تودیع و عذرخواهی، کوهی به کاهی بخشیده شود و صاحب حق درگذرد.

تأمین هزینه زندگی

از شرایط وجوب حج، قدرت زائر بر تأمین هزینه زندگیِ خود، خانواده و افراد واجب‌النفقه و «رجوع به کفایت» پس از بازگشت از سفر حج است. بنابراین زائر نباید تنها به راحتی و رفاه خود در سفر فکر کند بلکه باید رفاه حال زن و فرزند و افراد تحت تکفل خود را در نظر گیرد که آنان در نبودن وی در رنج و مشقّت نباشند

ص: ۴۰

و خود نیز پس از بازگشت بتواند هزینه زندگی‌اش را طبق شأنش تأمین کند.

وصیت

یکی از سنت‌های حسنه که از دیرباز در میان مؤمنان مرسوم بوده وصیت‌کردن است. در فقه نیز بابی است به عنوان «وصایا» که فروع فقهی و احکام مسأله را به بحث نهاده است. درباره وصیت به هنگام عزیمت به سفر نیز سفارش شده و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ رَکِبَ راحِلَهً فلیوص» (۱)

؛ «کسی که بر مرکب سفر می‌نشیند باید وصیت کند». بنابراین بسیار پسندیده است که زائر قبل از عزیمت وصیت‌نامه‌ای تنظیم کند و حقوق واجب شرعی و دیون و محاسبات مردمی را که فعلاـ پرداخت آن مقدور نیست در آن بنویسد و اعمال خیری را که می‌خواهد دیگران پس از وی انجام دهند و تصرفات دیگر را یادآور شود و به امینی بسپارد.

درباره وصیت، کلامی است از علی علیه السلام که نقل آن در اینجا بی‌مناسبت نیست. آن حضرت می‌فرماید:

«یَابْنَ آدَم! کُنْ وَصِیّ نفسک فی مالك وَاعْمَل فِیهِ ماتؤثر أن یُعمل مِنْ بَعْدِك» (۲)

؛ «ای فرزندآدم! تو خود وصی خود در دارایی‌ات باش و عمل‌کن آنچه را دوست داری پس ازتو درآن عمل‌شود».

این سخن تأکید می‌ورزد که ثروت‌اندوزی نکن و برای دیگران نگذار

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۴۲

۲- نهج البلاغه، محمّد عبده، قصار، ص ۲۵۶

ص: ۴۱

بلکه کـار خیری که می‌تـوانی و می‌خـواهی انجـام دهی خـود بـا دست خـود انجـام ده و به دیگران موکـول نکن؛ زیرا نمی‌دانی که دیگران پس از تو چه خواهنـد کرد. بعلاـوه اعمـال صالحی که انسان خود با ایمان و اخلاص و گـذشت انجام دهـد ارزش و پاداش دیگری دارد.

در هر حال، در این دو روایت تضادی نیست بلکه آنها مکمّل یکدیگرند و هر یک در جای خود صحیح است.

تهذیب نفس و آمادگی روحی

ز منجلاب هوس گربرون نهی قدمی نزول در حرم کبریا توانی کرد

زائر گرامی! بـدان که سـفر بسـیار مهمی را در پیش داری، به مهمانی خداونـد رهسپاری، پس برای این مهمانی بزرگ خود را مهیا ساز. روح را مصـفا کن و هفته‌ها پیش از عزیمت با مراقبت‌های اخلاقی و مجاهدت و خودسازی، در تهذیب نفس بکوش تا شایسته چنین سـفر روحانی و حرم کبریایی شوی. چشم و گوش و دست و زبان و قلب و قالب را از معاصی مصون بدار و از گناهان گذشته توبه و اسـتغفار کن و به درگاه خدا تضرع نما که لیاقت درک محضرش را به تو عنایت کند. با تلاوت قرآن، دعا و توسل، عبادت و تهجد، تفکر و تأمل، مراقبه و محاسـبه خود را از آلودگی‌ها پیراسـته گردان و آرایش معنوی ده و در حفظ ظاهر و باطن بکوش و به صورت اسـلامی و سـیرت ایمانی اهتمام ورز، تا شایستگی تشرف به بارگاه دوست و محضر محبوب را به دست آری و لایق زیارت بیت‌اللّه و قبر رسول‌اللّه و ائمه طاهرین علیهم السـلام شوی و از عبادت خود لذت ببری و با عمل مقبول و سـعی مشـکور از سفر حج بازگردی.

ص: ۴۲

علی علیه السلام می‌فرماید:

«کَیْفَ یَجِدُ لَذّهٔ العِبادَهٔ مَنْ لا یَصُومُ عَنْ الْهَوی» (۱)

«کسی که از روی هوای نفس روزه نگیرد و کف نفس نکند، چگونه می‌تواند لذت عبادت را دریابد؟»

رهنمود امامان علیهم السلام

تهذیب وتزکیه نفس‌از رذائل وتحلّی به فضائل دررهگذار حج، به طور گسترده‌ای در سخنان معصومین علیهم السلام منعکس است؛ از جمله در کتاب مصباح الشریعه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«برای حج بگونه‌ای مهیا باش که گویی دیگر امید برگشتن نداری. با همسفرانت نیکو مصاحبت کن. اوقات نمازهای فریضه و سنت‌های نبوی را مراقب باش و بر آنچه از ادب و بردباری و صبر و شکر و مهربانی و بخشندگی و تدارک توشه آخرت بر تو واجب شده است مداومت کن و با آب توبه خالصانه خود را از آلودگی گناه شست‌وشو ده و جامه صدق و صفا و خضوع و خشوع در بر کن و از آنچه تو را از یاد خدا غافل می‌سازد و از اطاعت او باز می‌دارد، احرام‌بند و با هروله از هوای نفس بگریز و با رفتن به منا از غفلت و لغزش‌ها بدر آی و آنچه را که بر تو حلال نیست و استحقاق نداری آرزو مکن و در عرفات به خطا اعتراف کن و با خدا عهد ببند و با وحدانیت او به ساحت قربش تقرب جوی، و در مزدلفه (مشعر) تقوا و پرهیزکاری پیشه ساز و روح خود را بر بلندای قله کوه به ملأ اعلی عروج ده، و با قربانی کردن، گلوی هوا و طمع را ببر و با رمی جمرات،

۱- تصنیف غرر الحکم، ص ۱۹۹

ص: ۴۳

شهوت، رذیلت و پستی و اعمال نکوهیده را رمی و طرد کن و با ستردن موی، عیوب ظاهر و باطن را از خود دور ساز. در صفا روح خود را تصفیه کن و در مروه جوانمردانه با خدا پیمان بند که صفات ناشایست را رها سازی و بر آنچه در حج با خدا شرط کردی استقامت ورزی و بر عهد خود با خدا و عمل برای آخرت استوار باشی» (۱).

دراین‌باره روایات بسیاری است که بخشی از آن در آداب و اخلاق سفر خواهد آمد. در اینجا به یک روایت دیگر از سخن امام باقر علیه السلام بسنده می کنیم. آن حضرت می‌فرماید: «چگونه آهنگ این سفر می کند کسی که دارای سه خصلت نباشد:

الف: ورع و پرهیزکاری که او را از معاصی خداوند باز دارد.

ب: بردباری که به وسیله آن بر خشم و غضب فائق آید.

ج: حسن معاشرت با همسفران خود»؛

(مایعبأ من یسلک هذا الطریق اذا لم یکن فیه ثلاث خصال: وَرَعٌ یَحْجُزُهُ عَن معاصی اللَّه وَ حِلْمٌ یَمْلِکُ بِهِ غَضَبَهُ وَ حُسْنُ الصحبهٔ لِمَنْ صَحِبَهُ) (۲).

شایسته است روحانیون محترم کاروان‌ها، گفتار امام سجاد علیه السلام با شبلی، سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه و بیانات امام صادق و امام رضا علیهما السلام را که در کتاب علل الشرایع و وسائل الشیعه و سایر منابع روایی آمده و گنجینه‌هایی است پربها، برای زائران بیان کنند تا با آمادگی روحی بیشتر عازم حج شوند.

۱- مصباح الشریعه، ص ۴۹-/ ۴۸

۲- الکافی، ج ۴، ص ۲۸۶؛ الحج و العمره، ص ۲۵۳

ص: ۴۴

انتخاب همسفر مناسب

یکی از نیازهای مسافر، همسفر مناسب و شایسته است. در سخنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «نخست رفیق انتخاب کن و آنگاه راهی سفر شو»؛

«الرفیق ثمّ الطریق» (۱)

و

«الرفیق ثم السفر» (۲)

همسفر خوب و شایسته کسی است که مؤدب به آداب حسنه و متخلّق به اخلاق فاضله، امین، عفیف، راستگو، متواضع، مهربان، بی‌تکلّف، دانا، دلسوز، مشوق خیر و یاور دین و دنیای انسان باشد. بنابراین زائر قبل از عزیمت باید همسفری با این اوصاف برگزیند که یار و مددکار او در نشیب و فراز سفر باشد و از مصاحبت افراد سست ایمان و وظیفه‌نشناس بپرهیزد.

در روایات معصومین علیهم السلام از ویژگی‌های مصاحبان و همسفران و همنشینان، و تأثیری که در سرنوشت آدمی دارند، بسیار سخن گفته شده.

از جمله ابن‌عباس می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند بهترین همنشین‌ها کیانند؟ حضرت در پاسخ فرمود:

«کسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیاندازد، گفتارش بر علم و دانشتان بیفزاید و عملش شما را به آخرت راغب گرداند»؛

(مَنْ یذکرکم اللَّه رؤیته، و یزید فی علمکم منطقه، و یرغبکم فی الآخرة عمله) (۳)

و نیز از سخن آن حضرت است که فرمود:

«لا تصاحب الّا مؤمناً

۱- وسائل، ج ۸، ص ۲۲۹

۲- وسائل، ج ۸، ص ۲۲۹

۳- وسائل، ۸، ص ۴۱۲

ص: ۴۵

وَ لایأکل طَعامک الّاتقی» (۱)

؛ «جز با مؤمن مصاحبت نکن و غذای تو را جز پرهیزگار نخورد».

و نیز علی علیه السلام می‌فرماید: «با کسی که برای تو در سفر ارج نمی‌نهد، آنگونه که تو برای وی ارج می‌نهی، مصاحبت نکن»؛

(لا تصحبنّ فی سفر مَنْ لایری لک من الفضل علیه کما تری له علیک) (۲)

همسفر بایـد در هر پـایه و جایگـاهی که هست، حرمت دیگران را نگهـدارد و به چشم برتری به خود ننگرد و تنها از دیگران انتظار تعظیم نداشته باشد بلکه باید بدور از عناوین و مشخصه‌های فردی یا اجتماعی به دیگران احترام بگذارد.

در باب مصاحبت و ویژگی آن، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«باکسی هم صحبت باش که زیور و آبروی تو باشد نه آنکه می‌خواهد به وسیله تو کسب آبرو کند»؛

(أصْحبْ مَنْ تتزیّن به ولاتصحب من یتزین‌بک) (۳)

همچنین آن حضرت گزینش یاران و مصاحبان را به دو چیز مشروط ساخته است:

الف: مراقبت اوقات نماز.

ب: نیکی‌کردن در راحت و رنج.

«اختبروا اخوانکم بخصـلتین فانْ کانَتا فیهم وَالّا فاعزب ثمّ اعزب: المحافظهٔ علی الصلوات فی مواقیتها و البرّ بالإخوان فی العُسْر والیُسْر» .(۴)

۱- نک: احیاء العلوم، ج ۲، ص ۳۲۱

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۰۲

۳- همان، ص ۳۰۱

۴- کافی، ج ۱، ص ۳۲۶؛ وسائل، ج ۸، ص ۵۰۳

ص: ۴۶

«برادرانتان رابا دوخصلت بیازمایید، اگر دارای این دو خصلت بودند مصاحبت کنید و گرنه از آنان جداً فاصله بگیرید: یکی مراقبت در انجام نمازها در اوقات مقرّر آن، دیگر نیکی کردن به برادران در دشواری و رفاه».

باری، همسفر در سرنوشت زائر تأثیر فراوان دارد. اگر شایسته و صالح باشد: ره‌آورد معنوی حج را افزون می‌سازد، در مجاورت او اخلاق زائر متحول می گردد و در انجام تکالیف خود بهتر موفق می‌شود و از اوقات گرانبهای این سفر مبارك بهره كامل می گیرد و آن را بیهوده هدر نمی‌دهد و در نشیب و فراز سفر یاری می‌رساند.

البته زائر همانگونه که در جستجوی چنین همسفری است و از دیگران اینگونه انتظار دارد، خود نیز برای همسفران باید بدینگونه عمل کند تا حق مصاحبت را ادا کرده باشد.

لوازم سفر و توشه حلال

اشاره

تهیه و تدارك زاد و توشه حلال و امکانات و لوازم سفر از دیگر آدابِ مقدماتیِ‌حج و زیارت است. در سفر نمی‌توان همه امکانات لازم را همراه داشت لذا باید به لوازم ضروری بسنده کرد. بخشی از این لوازم و امکانات امروزه به وسیله سازمان حج و زیارت و کاروانها و هیأت پزشکی تهیه و تدارك می‌شود و بخشی دیگر را زائر باید برای خود تأمین کند که موارد آن به وسیله مدیر کاروان و از طریق جزوات آموزشی به اطلاع زائران می‌رسد.

روایات نیز در خصوص لوازم سفر مواردی را خاطرنشان ساخته است. سید بن طاووس در کتاب «امان الاخطار» آورده است: هرگاه

ص: ۴۷

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سفر می‌کردند، پنج چیز با خود همراه می‌بردند: آیینه، سرمه‌دان، قاشق، مسواک و قیچی»؛

(انّ النّبی اذا سافر حمل خمسهٔ اشیاء:

المراهٔ والمکحله والمِذری والسواک،- و فی روایهٔ- والمقراض). (۱)

در روایت دیگر، علاوه بر اینها، از شیشه روغن (دارو) و شانه، و نخ و سوزن نام برده شده است. (۲) همچنین بنا به نقل سید بن طاووس از امام صادق علیه السلام: «همراه داشتنِ انگشترِ عقیق در سفر حرز و امان است».

(الخاتم العقیق امان فی السفر)؛ (الخاتم العقیق حرز فی السفر) (۳)

و در روایت دیگر از همراه داشتن انگشتر فیروزه نیز یاد شده است. (۴) امروزه عمده لوازم ضروریِ زائر عبارت است از: حوله احرام دو دست، لباس مناسب، سرپایی، مسواک، کتاب مناسک و دعا، داروهای خاص که ممکن است در سفر مشکل به دست آید، وسیله تراشیدن سر، ناخن گیر، قیچی کوچک، قمقمه آب، ملافه شخصی و آینه و امثال اینها.

تذکر ضروری

و همین جا تأکید می‌کنیم که زیبنده حج‌گزار نیست که اشیای قاچاق با خود حمل کند که مجازات سختِ قانونی دارد و در پاره‌ای موارد مجازاتش اعدام است. و علاوه بر این، زائر نباید در فکر تجارت باشد و اجناس برای فروش حمل کند و در بازارهای جده و مکه و مدینه به

۱- وسائل ج ۸، ص ۳۱۴؛ احیاء العلوم، ج ۲، ص ۲۴۵

۲- مستدرک، ج ۸، ص ۲۱۷

۳- همان، ص ۲۱۷

۴- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۴

ص: ۴۸

پسته‌فروشی، زعفران فروشی و امثال آن بپردازد که بسیار زننده و دون شأن زائران ما است. کسی که به حج و عمره می‌رود و مبالغی هزینه می‌کند، از این سودهای ناچیز درگذرد تا آبروی خود و آبروی نظام اسلامی را نگهدارد. این کار برای همه ناپسند است، بویژه بانوان. نگارنده مناظر زننده اینگونه اعمال ناپسند را مکرر دیده‌ام و خاطره آن همواره مرا می‌آزارد و هر ناظر دیگری را آزرده می‌سازد.

به امید آنکه زائران گرامی توجه کامل به این نکات داشته باشند و در آموزش به آنان تذکر مکرر داده شود. برخی از زائران توجه ندارند که با چه مشکلاتی و هزینه‌ای داده‌اند به حج می‌روند و دولت جمهوری اسلامی نیز بهای سنگینی برای حج هزینه می‌کند. لذا بی‌انصافی است که زائر به این نعمت و خدمت بی‌توجه باشد و با برخی اعمال نامناسب، زحمات خود و دیگران را بر باد دهد.

ره توشه تقوا

آنچه از نظر گذشت، از لوازم سفر زائرند، اما ره توشه واقعی سفر حج، چیز دیگری است که این سفر الهی را معنی می‌بخشد و پربار می‌کند و آن تقوای قلب است. چنانکه قرآن کریم اشاره فرمود:

وَمَاتَفْعَلُوا مِنْ‌خَيْرٍ يَعْلَمْهُ‌اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَالزَّادِ التَّقْوَى (۱) «و عمل خیری که می‌کنید خدا می‌داند و توشه برگیرید که بهترین توشه تقوا و پرهیزگاری است».

سفر حج نموداری است از سفر آخرت و همچنانکه امام صادق علیه السلام

۱- بقره: ۱۹۹

ص: ۴۹

بیان می کند: (۱) «آنچه در این سفر می گذرد یادآور آخرت و آمادگی برای آن و اشاره به مرگ و قبر و بعث و نشور و حال بهشتیان و دوزخیان است» و همانگونه که توشه آخرت تقواست، توشه سفر حج نیز جز تقوا چیزی نیست. با تقوا باید رفت و با تقوای بیشتر مراجعت کرد و زائر باید به این توشه معنوی فکر کند تا شایسته ضیافهٔاللّٰه شود و به تدارکات ظاهری و راحتی وسیله سفر و پذیرایی و خواب و خوراک چندان وابسته نباشد که از کاروان اهل معنی فرو ماند.

توديع و بدرقه مسافر

ازآداب مقدماتی سفر این است که مسافر تودیع و خدا حافظی کند و بی‌خبر به سفر نرود. امام صادق علیه السلام ازقول پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

«حَقٌّ عَلَى الْمُسْلِمِ اذا أرادَ سفراً أنْ يُعْلِمِ اخْوانَه وَ حَقّ عَلى اخْوانِهِ اذا قدم أن يأتوهُ». (۲)

«حق است بر مسلمان که هرگاه اراده سفر دارد، به برادرانش اعلام کند و بر آنهاست که چون از سفر باز می گردد به دیدارش بشتابند.»

تودیع و اعلام سفر آثار سودمندی دارد؛ از جمله اینکه در چنین لحظاتی که زائر عزم حج دارد و با اقوام و آشنایان خداحافظی می کند، برخورد عاطفی او با افراد، کدورت‌ها را از دلها می‌زداید و بسا با یک دیدار و حلالیت خواستن، مسائل مهمّ حقوقی تصفیه می گردد. علاوه بر آن، روابط عاطفی در سفر و حضر تجدید می گردد و نیز دعای خیر زائر شامل

۱- مصباح الشريعه، ص ۵۰

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۲۹

ص: ۵۰

کسانی که توفیق تشرف ندارند می‌شود. و چنین است بدرقه مسافر که در روایات بر آن تأکید شده است.

هنگامی که ابوذر را از مدینه تبعید می‌کردند، با اینکه حکومتِ وقت از بدرقه اباذر منع کرده بود، امیرالمؤمنان علی علیه السلام وی را مشایعت نمود و به فرزندان خود حسن و حسین علیهما السلام و عقیل بن ابیطالب و عبداللَّه ابن جعفر و عمار بن یاسر فرمود که ابوذر را بدرقه کنند و این سخن را گفت:

«وَدِّعُوا أخاکم فَانَّهُ لابُدّ للشاخص أن یمضی و للمشیّع أن یرجع ...» (۱)

برای توديع مسافر آداب و ادعيه‌ای در کتب حدیث ذکر شده است؛ از جمله اینکه: هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با مؤمنان وداع می‌کرد، می‌فرمود:

«خداوند تقوا را توشه راهتان سازد، خیر و خوبی را فرارویتان قرار دهد، حاجت‌هایتان را برآورد و دین و دنیایتان را حفظ کند و با سلامتی به خانواده‌تان باز گرداند و آنها نیز سالم باشند.» (۲) و نیز هرگاه با مسافری وداع می‌کرد می‌فرمود:

«خداوند بهترین یار و مددکار تو باشد، سختی را بر تو آسان گرداند و دور را نزدیک سازد، مهم تو را کفایت کند، دین و امانت و سرانجام تو را نگهبان باشد و تو را خیر دهد. بر تو باد به تقوای خداوند، خود را به خدا بسپار و با برکت او روانه شو.»

و در روایت است که امام صادق علیه السلام برای گروهی از یاران خود که پیاده عازم حج بودند چنین دعا کردند: «خداوندا! آنان را توان راه پیمودن و آرامش نفس عطا فرما.»؛

«اللّهمّ احملهم علی أقدامهم وسکّن عروقهم»

(۳)

۱- وسائل، ج ۸، ص ۲۹۷

۲- همان، ص ۲۹۸

۳- همان، ص ۲۹۹

ص: ۵۱

بخش دوم: آداب و اخلاق در سفر

آغاز سفر:

غسل:

کسی که رهسپار دیار پاکان است و عزم کوی یار دارد، باید جسم و جان خود را پاک و پاکیزه کند تا لیاقت حضور داشته باشد. از اینرو در آداب تشرّف به حج و عمره، برای هر مقطعی غسلی وارد شده است:

- غسل قبل از حرکت.
- غسل برای احرام و ورود به حرم.
- غسل برای طواف و ...

آری، غسل علاوه بر پاکیزگی ظاهری، در طهارت روح نیز تأثیر دارد؛ چنانکه در روایت آمده است که مسافر قبل از سفر غسل کند و این دعا را بخواند:

«بِسْمِاللَّه و بِاللَّه و لاحَولَ و لا قوّة الّا بِاللَّه وَعَلی مِلَّةِ رَسُولِاللَّه والصادقین عَن اللَّه صَلَوات اللَّه عَلَیهِم اجْمَعین. أللّهمّ طَهِّر بِهِ

ص: ۵۲

قَلْبی وَاشْرَحْ بِهِ صَدْری وَ نَوِّر بِهِ قَبْری اللّهمّ اجْعَلْهُ نُوراً وَ طَهُوراً و حرزاً وَ شِفاءً مِنْ کُلِّ داء وَ آفَةٍ وَ عاهةٍ و سوء مِمّا أخاف واحذر و طَهِّر قَلْبی و جَوارِحی وَ عِظامی وَدَمی و شعری و بشری و مُخی و عَصَبی و ما اقلت الأرض مِنّی ...» «۱»

«بنام خدا و به یاری او، حرکت و توانی جز به مدد او نیست. بر آیین رسول خدا و آنانکه با صدق از خدا سخن گفته‌اند. خدایا! به این غسل قلبم را پاک گردان، سینه‌ام را بگشای و قبرم را روشن ساز. خدایا! آن را نور، طهور، حرز و شفا از هر درد و آفت و نکبت و بدی که از آن بیم دارم قرار ده و بدین وسیله قلب و جوارحم، استخوانهایم، خون و موی و پوست و مخ و اعصاب و تمام وجودم را پاکیزه گردان ...»

چنانکه ملاحظه می‌کنیم مفاهیم این دعا رمز طهارت روح و جسم و نخستین گام در شست و شوی آلودگی‌هاست؛ یعنی همان چیزی که در فلسفه حج لحاظ گردیده است.

ابن‌طاووس در امان الاخطار گوید: برای این غسل می‌تواند چند نیت را تداخل کند: غسل توبه، غسل حاجت، غسل زیارت، غسل استخاره (طلب خیر) غسل نماز، غسل دعا و اگر جمعه بود غسل جمعه و اگر احتمال غسل واجب داشت، نیت همه را تداخل نماید که بر حسب روایت، یک غسل برای همه اینها است. «۲» و همزمان با غسل، روح را نیز از آلودگی تطهیر نماید. حکیمی گوید:

اگر زآب ریاضت برآوری غسلی همه کدورت دل را صفا توانی کرد

نماز و دعا:

پس‌از غسل دو رکعت یا چهار رکعت نماز بجا آورد و ادعیه مخصوص را بخواند؛ از آن جمله است این دعا که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده‌است:

«أللّهمّ انّی اسْتَودِعُکَ نَفْسی وَ أهْلِی وَ مالی وَ ذُرّیتی وَ دُنیای و آخِرَتی وَ أمانَتِی وَخاتمهْ عَمَلِی».

«بار خدایا! خود و خاندانم، مال و فرزندانم، دنیا و آخرتم، امانت و پایان کارم را نزد تو به امانت می‌سپارم.»

پس هرگاه کسی چنین کند و نماز و دعا را بخواند، خداوند خواسته وی را اجابت فرماید. و این بهترین چیزی است که مسافر برای خانواده خود برجای می‌نهد. (۱) هنگام حرکت و خروج از خانه:

بر در خانه بایستد و سوره‌های: «حمد و معوذتین و توحید و آیهٔ الکرسی» را بخواند و بگوید:

«أللّهمّ احْفَظْنِی وَاحْفَظْ ما مَعِی وَسَلِّمنی وَسَلِّم ما مَعِی وَبَلِّغْنی وَ بَلِّغْ مَا مَعِی بِبَلاغِکَ الْحَسَن الْجَمِیل» (۲)

«خدایا! مرا و همراهان مرا حفظ کن و به سلامت بدار و به نیکوترین وجه، به مقصد برسان.»

۱- وسائل، ج ۸، ص ۲۷۵

۲- همان، ص ۲۷۷

ص: ۵۳

ص: ۵۴

دعا هنگام سوار شدن:

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده که فرمود: هنگام سوارشدن بر وسیله نقلیه، این دعا را بخوان:

«بِسمِاللَّهِ الحَمْدُللَّهِ الَّذی اکْرَمَنَا وَحملنا فی البَرّ والبَحْر وَرَزَقَنا مِنَ الطَّیِّبات وَ فَضَّلَنا عَلی کَثیر مِمّن خُلِق تفضیلًا. سُبْحان الَّذی سَخَّرلَنا هذا و ماکنّا لَهُ مقرنین، رَبِّ اغْفِرْلی ذنوبِی انّه لایَغْفِر الذّنوب الّا انْت» (۱)

«بنام خدا، سپاس خدای را که ما را گرامی داشت و در خشکی و دریا حمل نمود و از غذاهای پاکیزه روزی داد و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشید. منزه است آن کسی که این مرکب را مسخّر ما فرمود و ما هماورد آن نبودیم و تسخیر آن در توان ما نبود. خدایا! گناهانم را بیامرز که جز تو آمرزنده گناه نیست»

امام سجاد علیه السلام فرمود اگر: «کسی پیاده حج کند و سوره قدر را بخواند خستگی راه را احساس نخواهد کرد و اگر هنگام سوار شدن بخواند آمرزیده شود و سالم به مقصد برسد و به سلامت به وطن بازگردد.» (۲) دعاهای دیگری نیز برای زمان ترک خانه و شهر، و هنگام سوار شدن به مرکب و در حال پیمودن راه تا وصول به مقصد، در کتب حدیث آمده که به جهت اختصار، از نقل آن خودداری شد. و نیز ادعیه بسیاری است ویژه حج و عمره؛ چون دعای احرام، دعای ورود به حرم و مسجدالحرام، ادعیه طواف و سعی تا ادعیه روز عرفه و وقوف به عرفات و مشعر و منا و در حال رمی و ذبح و حلق، که در کتب ادعیه و مناسک حج آمده و زائران از

۱- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۳۹

۲- وسائل، ج ۸، ص ۲۸۹

ص: ۵۵

آن غفلت نخواهند ورزید، همچنانکه به تلاوت قرآن، بویژه در حرمین شریفین، تأکید فراوان شده که از مهمترین عبادتها است.

فلسفه این دعاها

خواندن دعا و قرآن در مکتب انسان‌ساز اسلام، به منظور رسیدن به مقام قرب و حضور و تلطیف روح و طمأنینه نفس و زدودن تیرگی‌های قلب و تنظیم افعال و اعمال است که در تأدب به آداب و اخلاق حسنه و حسن معاشرت با مردم تأثیر عمیق دارد و این هنگامی است که قرآن و دعا با حضور قلب و خضوع و خشوع و توجه به مفاهیم آن خوانده شود و تنها به ظواهر و عبارات بسنده نگردد. از این‌رو به زائران گرامی توصیه می‌شود که: لحظه‌های نورانی را مغتنم شمارند و در هیچ حال از ذکر و دعا و قرآن و صلوات بر آل محمد علیهم السلام غافل نباشند و از عواملی که موجب غفلت می‌شود دوری گزینند.

صدقه

کمک به مستمندان و صدقات مستحبی، در همه حال مطلوب است و آثار و برکات دنیوی و اخروی دارد. بویژه در مورد صدقه به هنگام سفر توصیه اکید شده و آن را عامل دفع بلاها و خطرات دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اذا أردْتَ سفراً فَلاتَضَع رِجْلك فی الرکاب حتی تقدم بین یدیک صدقهً قَلَّ أم کَثُرَ ...» (۱)

۱- سفینهٔ البحار، ماده سفر، ص ۶۲۶

ص: ۵۶

«هنگامی که عزم سفر کردی، پیش از آنکه پای خود را در رکاب بگذاری، صدقه‌ای بده، کم باشد یا زیاد ...»

و در روایات دیگر آمده است: «کسی که دلش چرکین است، پیش از آن که خارج شود، به اولین فقیر مستمندی که می‌بیند صدقه‌ای بدهد و راهی سفر شود»؛

(و روی لمن وقع فی نفسه شیء أن یتصدق عَلی اوّل مسکین ثُمَّ یخرج) (۱)

در روایت است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا در روزهایی مانند چهارشنبه مسافرت کراهت دارد؟ حضرت در پاسخ فرمود: «سفرت را با صدقه آغاز کن و برای رفع نگرانی خود «آیهٔ الکرسی» را بخوان»؛

(افْتَح سَفَرک بالصَّدَقهٔ وَاقْرأ آیهٔالکُرْسی اذا بَدالَکَ» (۲)

در روایت دیگر از آن حضرت است که:

«تَصَدَّقْ وَاخْرُج أیّ یَوْم شِئْت» (۳)

؛ «صدقه بده و هر روز که خواهی سفر کن».

بنابراین شایسته است زائر و یا هر مسافری، هنگام سفر چیزی را به عنوان صدقه اختصاص دهد و اگر هنگام خروج از منزل یا در طی سفر نیازمندی دید، از دادن صدقه کوتاهی نکند و خود و همراهان را بدینوسیله بیمه نماید.

۱- سفینهٔ البحار، ماده سفر، ص ۶۲۶

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۷۳

در روایات به روزهایی از هفته و ماه، به عنوان بهترین روزهای سفر اشاره شده؛ مانند شنبه، پنجشنبه و جمعه پس از نماز جمعه. و برخی روزها مکروه اعلام شده است. نک: وسائل ج ۸، ص ۲۵۳ به بعد.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۱۲۵

ص: ۵۷

مراقبت اخلاقی در جمع میهمانان خدا

اشاره

کعبه بیت مکرم و مطهر، قبله مؤمنان و مطاف پاکدلان است. خداوند برای تکریم این بیت و تشریف زائران خانه‌اش، ابراهیم خلیل و اسماعیل ذبیح را مأمور ساخت تا خانه کعبه را تطهیر نمایند و لوث شرک و کفر و فسق و فساد و ستم و بیداد را از دامن آن بزدایند: وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۱) «با ابراهیم و اسماعیل پیمان بستیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان و ملازمان و رکوع و سجودکنندگان پاک و پاکیزه کنید».

تطهیر بیت از هرگونه ارجاس و آلودگی‌ها، از یک سو به جهتِ حرمتِ خانه و انتساب آن به ربّ البیت و صاحبخانه است و از سوی دیگر به احترام میهمانی که به این خانه فرا خوانده شده و امانت الهی را بر دوش دارد. از این‌رو مهمانی که به این خانه وارد می‌شود، باید احترام خانه و صاحبخانه را نگهدارد و تشریف و تکریمی را که آن میزبان کریم، برای وی قائل شده است درک کند. قدر و جایگاه خود را بشناسد و بداند که خانه پاک، زائر پاک می‌طلبد، پاک از همه آلودگی‌های درون و برون، تا شایسته ضیافت الهی گردد و گرنه میهمانی است ناخوانده که شایستگی پذیرایی ندارد.

فضای روحانی حج نموداری است از بهشت برین و زائران باید در

۱- بقره: ۲۵

ص: ۵۸

سایه یک تحوّل عمیق روحی، همانند بهشتیان باشند، با خُلق و خوی پسندیده و خصال ستوده که خداوند برای اهل بهشت بیان فرموده است:

وَهُدُوا إِلَی الطَّیِّبِ مِنْ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَی صِرَاطِ الْحَمِیدِ (۱) «آنان به سخنان پاکیزه هدایت شده و به راه و رسم ستوده رهنمون گشته‌اند».

صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هرگاه کسی آهنگ این خانه کند، اما دارای سه خصلت نباشد، به او توجه نخواهد شد:

الف: حلم و بردباری که خشم و غضب را بدان مهار کند.

ب: خُلق و خویی که به وسیله آن با همسفران خود مصاحبت نماید.

ج: پارسایی و ورع که وی را از معاصی باز دارد.

(ما یُعبَأُ بمن یَؤُمُّ هذا البیت اذا لم یکن فیه ثلاث خصال: حلم یملک به غضبه و خُلق یصاحب به مَنْ صحبه و ورع یحجزه عن معاصی اللّه). (۲)

قداست حرم ایجاب کرده که تخطی از دستورات شرع و آلودگی به رذائل اخلاقی در آن حریم کبریایی به مثابه الحاد تلقّی شود که این تعبیر در مورد هیچیک از رذائل و در سایر شرایط دیده نمی‌شود.

چنانکه صریح آیه کریمه است:

وَمَنْ یُرِدْ فِیهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِیمٍ (۳) «کسی که به الحاد و ستم به مسجدالحرام درآید، او را عذابی دردناک خواهیم چشانید».

۱- حج: ۲۴

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۴۴۵

۳- حج: ۲۵

ص: ۵۹

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه می‌فرماید:

«وَکُلّ ظُلْمٍ یَظْلمُ الرَّجُل نَفْسَهُ بِمَکّهُ مِنْ سِرقَةٍ أو ظُلْم احَد أو شیء مِنَ الظُّلم فَانِّی أراه الْحاداً ...» (۱)

«هر نوع ستمی که شخص در مکه نسبت به خود مرتکب شود؛ از قبیل سرقت یا ظلم به کسی، یا هر نوع ستم دیگری، من آن را الحاد می‌دانم ...»

همچنین به پرهیزکاری و ترک محرمات تأکید و توصیه شده، که از جمله آنهاست سخن زشت گفتن. معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«اتّقِ الْمُفاخرة وَعَلَیْکَ بِوَرَعٍ یَحُجُزُک عَنْ مَحارم اللَّه عزّوجلّ، فَانّ اللَّه عزّوجلّ یَقُول:

ثم لْیَقْضُوا تَفَثَهُمْ

و من التفث أن تَتَکلّم فی احْرامک بکلام قبیح ...» (۲)

«از تفاخر و خودبینی بپرهیزو بر تو باد به پرهزکاری که تو را از معصیت خدای بزرگ باز دارد، چه خداوند می‌فرماید: «سپس آلودگی‌های خود را دور کنند» و از جمله آلودگی‌ها این است که در احرام خود سخن زشت و ناروا بگویی».

امنیت اخلاقی در حرم

حرم، حریم کبریایی است که علاوه بر انسانها، همه جانداران و درختان و گیاهان و حتّی جمادات و خاک و سنگهای مسجد الحرام و صفا و مروه، از امنیت برخوردارند و بدین جهت نباید مورد تعرض قرار گیرند

۱- المیزان، ج ۱۴، ص ۴۱۳

۲- الفقیه، ج ۲، ص ۲۲۳

ص: ۶۰

بدیهی است که در چنین فضای روحانی و حریم امنی، باید همه حج‌گزاران در امان باشند. آیه وَمَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً (۱) هر گونه امنیتی را شامل است. امنیت جانی، مالی، دینی و ناموسی، ... از شؤون امنیت، امنیت اخلاقی است. از این‌رو دست و زبان و همه اعضا و جوارح را در این حریم پاک باید به بند بندگی کشید تا کاری بر خلاف شؤون حج و آن محضر باشکوه انجام ندهند و این تمرینی باشد برای یک مسلمان که در همه حال و تمام عمر و هر جا که باشند، از سلامت و امنیت اخلاقی برخوردار گردند، بدانگونه که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ یَدِهِ وَ لِسانِهِ»

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در بیان آثار و فلسفه حج، گفتار جامعی دارد؛ و از جمله به این نکته اخلاقی اشاره فرموده‌اند که: یکی از آثار حج باز داشتن نفس از فساد است:

«وَحظر الأَنْفُس عَنِ الفساد» (۲)

و در همین حال باید بدانیم که نفس سرکش همه جا با ما است و شیطان افسونگر آدمیان را رها نمی‌سازد. بر سر راه بشر کمین می‌کند و با چهره‌های گوناگون و اشکال مختلف ظاهر می‌شود و از هر روزنه‌ای که بتواند نفوذ می‌کند تا روح عبودیت و بندگی را بگیرد و فضای صافی و روحانی حج را آلوده کند تا افراد را از آن سرزمین پاک، ناکام و با دست خالی برگرداند؛ چنانکه بر سر راه انبیا نیز در این سرزمین ظاهر شد و وسوسه‌ها کرد و داستان رجم شیطان به دست ابراهیم و اسماعیل و شکست دادن ابلیس، در این نبرد، با همین فلسفه بود و حاجیان که در رمی جمرات، این مصاف نمادین تاریخی میان حق و باطل و خدا و شیطان را

۱- آل عمران: ۹۷

۲- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۰

ص: ۶۱

تجدید و تکرار می کنند، باید هنگام رمی جمره، به این معنی توجه داشته باشند که در واقع شیطان و شیطان صفتان و خوی شیطانی را سرکوب کنند؛ همانگونه که امام صادق علیه السلام در حدیث مصباح الشریعه بر آن تأکید فرموده است:

«و با رمی جمرات، شـهوات و رذالت‌ها و پستی‌ها و اعمال ناشایست را از خود دور کن ...» (۱) و در روایت دیگر، ضمن بیان اعمال عرفات بر این مطلب تصریح فرموده:

«و تعوذ بـاللّه مِنَ الشیـطان الرجیم فـإنَّ الشیـطان لن یُـذهلک فی موطن قـطّ أحبُّ إلیه مِن أن یـذهلک فی ذلـک الموطن و ایّاک أن تشـتغل بالنظر الی الناس و اقبل قبل نفسک، ولیکن فیما تقوله: أللّهمّ انّی عبـدک فلا تجعلنی مِن أخیب وفدک وَارْحَم مَسِیری الَیک مِنَ الفجّ العَمِیق». (۲)

«از شـیطان رانده شده به خدا پناه ببر؛ زیرا شـیطان هرگز تو را از یاد نمی‌برد و بهترین جایی که دوست دارد تو را غافل سازد، همین مکان مقـدس است. بنابراین از سـرگرم شـدن به تماشای خلق برحـذر باش و به خویشـتن بپرداز و در ضـمنِ دعاهایی که می‌خوانی، بگو: خدایا! من بنده توام، مرا از میهمانان محروم خود قرار نده و بر من رحم آور که از راه دور به درگاه تو آمده‌ام»

حاصـل آنکه فضـای حـج فضای امنیت اخلاقی است. اولیای خـدا تا بـدانجا در حفظ حریم این امنیت احترام داشـتند که در یکی از نمونه‌های

۱- مصباح الشریعه.

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۱۸۲

ص: ۶۲

آن، در زندگی امام سجاد، علی بن الحسین علیهما السلام می‌خوانیم: آن حضرت چهل بار با ناقه‌ای حج‌گزارد اما حتی یک تازیانه بر آن حیوان نزد!

«وَحَجّ علی بن الحسین علیهما السلام علی ناقهٔ لَهُ أربعین حِجّهٔ فما ضربها بِسوطٍ» (۱)

امنیت ناموسی

در راستای همین امنیت اخلاقی است که زائران خانه خدا در طول سفر و مواقف و مشاهد باید تمرین کنند. دیده از محرّمات و نامحرمان بپوشند و شاید با این فلسفه باشد که استتار وجه در حال احرام بر بانوان جایز نیست تا آزمایشی باشد برای مردان که چقدر بر نفس امّاره تسلّط دارند و لذا مردان و زنان باید سعی کنند از این امتحان درست بیرون آیند.

در آن ازدحام جمعیت که صدها هزار مرد و زن از ملیّت‌ها و رنگ‌های مختلف در تردد هستند و حتّی در مسجد الحرام و در طواف و هنگام نماز لغزشگاههای نفسانی وجود دارد، به اصول عفاف و پاکی چشم و طهارت روح و جسم دقت کنند. این نکته در برخی روایات مورد توجه قرار گرفته و از ویژگی‌های مکه و حرم بشمار آمده است.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «مکه را از آن جهت «بکه» گویند که مردان و زنان در آنجا اصطکاک و برخورد دارند، زن پیش روی تو و در چپ و راست تو است با تو نماز می‌خواند و مانعی در میان شما نیست. در حالی که این امر در سایر شهرها ناپسند است»؛

«وَانّما سُمِّیَتْ مَکَهٔ بکهٔ لأَنَّهُ یَبُکُّ بها الرجال و النساء و المرأهٔ تُصَلّی بَیْن یَدَیْکَ وَ عَن یَمِینک وَ عَنْ شِمالک و معک، و لا بأس بذلک انّما یکره فی سایر البلدان» (۲)

۱- الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۱

۲- علل الشرایع، ص ۳۹۸

ص: ۶۳

توصیه به بانوان:

مناسب است به بانوان حج گزار نیز توصیه شود که آنان نیز به اصول عفاف و حجاب، کاملًا توجه داشته باشند تا اعمال و مناسکشان مورد قبول واقع شود. آنان بایـد خود را در معرض دیـد بیگانه قرار ندهنـد. و در همه جا رعایت حجاب و عفاف را بنماینـد. زیور و زینت خود را پوشیده دارند. سنگین حرف بزنند. در پوشش موی سر و اعضای بدن دقت نمایند. از وضو گرفتن و شست‌وشو کردن با آستین‌های بالا زده پیش روی مردان بویژه در منا و در عرفات که فضایش باز است، جداً بپرهیزند.

حـدود و مرزها را به هنگام نماز در مسـجد الحرام، تا حـدّ ممکن رعایت کنند. در تردّد بازار و سـخن گفتن با بیگانه و هنگام خرید اجنـاس، وقـار یـک زن مسـلمان را داشـته باشـند. تـا مبادا خـدای ناکرده، با رعایت ننمودن حجاب اسـلامی به اعمال دینی و ارزش معنوی آنان لطمه وارد شده، به جای ثواب مرتکب معصیت گردند، متأسـفانه موارد بی توجهی به مسأله حجاب در عرفات و منا که فضای باز است، بیشتر دیده می‌شود.

در سفر عمره نیز پاره‌ای موارد بد حجابی و بی‌توجهی به شعائر اسلامی مشاهده می‌شود.

در هر حـال، علاوه بر مسؤولیت فردیِ اینگونه زنـان و مردان، روحـانیون و مـدیران محترم کاروانها و نیز گروههای امر به معروف و نهی از منکر بایـد بیشتر توجه نموده، تـذکرات لازم را به موقع به زائران ارائه دهنـد. آنـان را راهنمـایی نماینـد تـا در نتیجه تخلفات رفتاری کمتر اتفاق افتد.

ص: ۶۴

بردباری در مشقت‌های سفر

سفر دارای مشـکلات خاصّ خود است، حتّی با امکانات رفاهی و تدارکات گسترده که امروزه وجود دارد. و در این میان سـفرِ حج نیز گرچه آکنـده از معرفت و محبّت و شوق و عشق است که سـختی‌ها را هموار می‌سازد، اما با این حال، پاره‌ای مشـکلات غیرقابل اجتنـاب در این سـفر وجود دارد. حکمتِ الهی ایجـاب کرده و قلم صـنع چنین رقم زده است که خـانه کعبه در سـرزمینی خشـک و سوزان، در میان کوههای داغ و صـخره‌های عبوس باشـد و مشاعر عظام در وادی لم یزرع و کویر بی‌آب و علف، تا مؤمنان با تبعات و رنج سفر در معرض آزمایش قرار گیرند و جسم و روح آنها پالایش شود و در وادی انقطاع از لذّات مادی، صحرای محشر را بیاد آورند و لذّات معنوی برای آنها قابل لمس گردد. و بارقه ایمان و عشق درخشـیدن گیرد. چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام به این نکته اشاره فرموده است:

«اگر خداوند سـبحان می‌خواست، خانه محترم و مشاعر عظام خود را در میان باغ‌ها و نهرها و سـرزمین‌های هموار، با انبوه درختان و میوه‌هـای فراوان و آثـار و ابنیه بسـیار قرار می‌داد امـا در این صـورت بر حسب کمی سـختی‌ها اجروپـاداش ناچیزمی‌شـد. تاآنجـا که می‌فرمایـد: بدینسان خداوند بندگان خود را به انواع سـختی‌ها آزمایش می‌کند و با مجاهدات گوناگون به بندگی فرا می‌خواند و به ناملایمات مبتلا می‌سازد تا کبر و منیت را از دلهایشان بزداید و خاکساری را در نفوسشان جایگزین کند و بدینوسیله

ص: ۶۵

درهـای فضـل خـویش بگشایـد و اسـباب عفوش را فراهم سـازد.» (۱) بنـابراین حـج گزار نبایـد همّت خـویش را به رفـاه و آسـایش مصـروف سازد تا اگر رنج و سـختی دید، آن را خلاف انتظار ببیند و عکس العمل نشان دهد و نسـبت به سـرویس دهیِ غذا و غیره اعتراض بی‌جا کند.

ازدحام جمعیت، مشـکل تردّد وسائل نقلیه، پیاده روی‌های اضطراری، گرمی هوا، خستگی، بی‌خوابی، بخصوص ایام عرفات و مشعر و منی و کمبود جـای استراحت و مشـکل رسانـدن تـدارکات و کاستی‌هایی که طبیعی این سـفر است و سایر عوامل برای افرادی که سابقه تشـرف ندارند، اموری غیر عادی است و آن را بر خلاف توقع و انتظار می‌بینند. و گاه می‌شود افراد کم ظرفیت و راحت طلب و نـاز پرورده و پرتوقع را از حال عادی خارج می‌سازد و عنان صبر و بردباری را از کف آنها می‌ربایـد. با خرده گیری‌های بی‌مورد، بـا این و آن مشـاجره می‌کننـد. گـاه با مـدیر گروه، گاه با خـدمه، گاه با همسـفران و بالأخره باخودی و بیگانه به مکابره و منازعه و درشت گویی می‌پردازنـد که باروح حـج وفلسـفه خودسازی وخویشـتن‌داری تناسب ندارد. شاید به همین لحاظ است که قرآن تأکید نموده که:

فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِی الْحَجِّ (۲) «کسی که حج و عمره بجا می‌آورد، در حج درشت گویی و فجور و جدال جایگاهی ندارد.»

بنـابراین اگر زائر در گذشـته ضـعف‌های اخلاقی داشـته، بایـد در سـفر حـج به اصـلاح و رفع آن همت گمارد تا وقتی از خانه خـدا برمی‌گردد چهره‌اش

۱- نهج‌البلاغه، خطابه ۱۹۲

۲- بقره: ۱۹۷

ص: ۶۶

کاملًا انسانی شـده باشد و اخلاق محمدی صـلی الله علیه و آله به ارمغان آورد. نه اینکه، اگر چیزی بر خلاف میل خود دید و بر سـر مسائل جزئی؛ مانند تقدّم و تأخّر در صف ورود و خروج و سوار شدن هواپیما یا اتومبیل و تحویل اثاثیه و امثال آن، دستخوش عجله و شـتابزدگی شود، خشم گیرد، مهـار بردبـاری را بگسـلد. از کوره بـدر رود و عکس العمل نامناسب نشان دهـد و در چشم آشـنا و بیگـانه، درشت گویی و بـدزبانی و بـداخلاقی کنـد که نمونه‌های مکرر آن دیـده شـده، و یا خود در حفظ حقوق و حـدود دیگران قصور و تقصیر کند و موجب تیرگی صفای جمع شود.

اخلاق و آداب مصاحبت

اشاره

نظام تربیتی اسـلام، با هر مناسبت و در هر ارتباطی، آداب و اخلاق و حقوقی را مقرر داشته است؛ از آن جمله، آداب مسافرت و حق همسـفر است، که فصـلی از حقوق و اخلاـق را تشـکیل می‌دهـد. بـدین ترتیب یکی از مهمترین مسؤولیت‌هـای اخلاـقی زائر، وظیفه شناسـی او در رابطه با همسـفرانی است که وی را در این سفر روحانی همراهی می‌کنند که مواردی از آن را بر اساس روایات خاطر نشان می‌سازیم:

معارفه و شـناسایی: از آداب معاشرت این است که هر گاه گروهی مصاحبت می‌کنند، در مرحله نخست از نام و نشان یکدیگر جویا شونـد، معارفه کنند و انس بگیرند. اهمیت این امر تا بدانجاست که پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله ترک آن را یکی از موارد جفا بر شمرده‌اند.

«جعفر بن محمد علیهما السلام عَنْ أبیه قال: قَالَ رَسُول اللَّه صلی الله علیه و آله: «ثَلاثَهٌ مِنَ

ص: ۶۷

الجَفاءِ أنْ يصحب الرجل الرجل فلا يسأله عن اسمه و كنيته ...» (۱)

و نیز رسول گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر گاه یکی از شما برادر مسلمان خود را دوست می‌دارد، باید نام او و نام پدرش و نام قبیله و خانواده‌اش را از وی سؤال کند که این حق واجب است و صدق اخوت به این است و گرنه دوستی جاهلانه‌ای خواهد بود» (۲) مفضل گوید: در سفری شرفیاب محضر امام صادق علیه السلام شدم. آن حضرت خطاب به من چنین فرمود: در این سفر چه کسی تو را همراهی می کرد؟ عرض کردم یکی از برادران مسلمانم. فرمود: او چه شد و کجاست؟ گفتم از لحظه‌ای که وارد شده‌ام از حال و مکان او خبر ندارم.

حضرت فرمود: مگر نمی‌دانی که هر گاه کسی با مؤمن چهل قدم هم صحبت شود، خداوند در روز قیامت از وی به جهت رفتاری که با او داشته است، سوال و بازخواست خواهد کرد؟

«أما عَملت أن من صحب مؤمنا أربعين خطوة سأله اللّٰه عنه يوم القيامة» (۳)

طرح دوستی افکندن

همچنین شایسته است که زائر با همسفران خود طرح دوستی بیفکند و از چنین فرصتی برای یافتن دوستان صالح و مؤمن بهره گیرد و با آنان رابطه داشته باشد نه اینکه آشنایی تنها از فرودگاه تا فرودگاه باشد و حاجیان تنها در مکه و مدینه یکدیگر را بشناسند و بعد هیچ!

۱- وسائل، ج ۸، ص ۵۰۱

۲- وسائل، ج ۸، ص ۵۰۱

۳- همان، ج ۸، ص ۴۰۸، سفینة البحار، ماده «سفر».

ص: ۶۸

علی علیه السلام فرماید:

«أعْجَزُ النّاس مَنْ عجز عَنْ اکتساب الإخوان فی اللّه و َاعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَیَّع مَنْ ظَفَر بِهِ مِنْهُم» (۱)

«عـاجزترین مردم کسـی است که نتوانـد برادرانی را در جهت خـدا بیابـد و ناتوان‌تر از او کسـی است که آنکه را به دست آورده از دست بدهد».

حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَفادَ أَخاً فِی اللَّهِ اسْتَفادَ بَیْتاً فی الْجَنّةِ» (۲)

«کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، خانه‌ای در بهشت برای خود فراهم ساخته است».

و نیز امام صادق علیه السلام از پدران خود، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آورده‌اند که:

«مرد مسلمان پس از اسلام فایده بدست نمی‌آورد همچون برادری که از او در راه خدا یاری جوید»؛

(ما استفاد امرء مسلم فائدة بعد الاسلام مثل اخ یستفیده فی اللَّه) (۳)

از سوی دیگر در روایات تأکید شده که کناره‌گیری و دوری گزیدن از مردم سبب عداوت و دشمنی است؛

«عن أحدهما علیهما السلام: الانقباض مِنَ النّاس مکسبةٌ لِلعَداوَةِ» (۴)

حسن معاشرت

در این سفر معنوی، لحظه‌های شیرین که برای زائر دست داده، باید

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۲

۲- وسائل، ج ۸، ۵۶۵

۳- همان

۴- همان، ص ۴۰۶

ص: ۶۹

بکوشد تا بهترین خط مشـی را در معاشرت پیش گیرد. درون و برون خویش به زیور اخلاق بیاراید. همسفری شایسته، مؤدب همراه و همکار، مهربان و وظیفه شـناس برای دوستان باشد، بویژه اگر خانواده او را همراهی می‌کنند، بیشترین توجه را به حسن سلوک در گفتار و کردار با آنان پیشه سازد و حلاوت سفر را با کج رفتاری، بر آنان تلخ نکند.

امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید:

«عزم کن که با مصاحبان با خلق نیک معاشرت کنی و زبانت را نگهداری و خشم خود فرو نشانی و از بیهوده گویی بر حذر باشی و عفو گذشت بگسترانی و سخاوت و کرم را پیشه سازی»؛

(وطن نَفْسَِـک علی حسن الصَّحابـهٔ لمن صـحبت فی حسن خلقـک و کفّ لسانـک و اکظم غیظـک و اقل لغوک و تفرش عفوک و تسخو نفسک). (۱)

در احوالات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آورده‌اند: که در یکی از سفرهایی که به حج می‌رفتند فرمودند:

«مَنْ کانَ یسیءِ الجوار فلا یصاحبنا» (۲)

«آن‌کس‌که در مصاحبت وهمجواری بد عمل می‌کند باماهمسفرنشود».

بنابراین، زائران گرامی باید مراقب باشند توصیه‌های پیشوایان دین را در این سفر روحانی به کار بندند و از آنچه دون شأن یک زائر با معرفت است، احتراز کنند و از عصـبانیت، خشم، لغو، غیبت و سخت‌گیری‌های بی‌مورد، عجله و شتابزدگی و ناسازگاری بپرهیزند تا حج و عمره، لذّت و مفهوم دیگری یابد.

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۸۶

۲- وسائل، ج ۸، ص ۵۰۵؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸

ص: ۷۰

حسن خلق

شیرینی سفر به حسن خُلق، سعه صدر، گشاده رویی، گذشت و صبر و بردباری است و سفر حج به لحاظ معنویّتی که دارد، از ویژگی مخصوص برخوردار است. از این‌رو بر زائر خانه خدا است که با اخلاق و خُلق ستوده، مشی و سلوک کند تا علاوه بر آنکه از شیرینی این سفر بهره می‌گیرد، به حج، معنویت و روحانیت بیشتری بدهد. از سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است:

«مایوضع فی میزان امرأ یوم‌القیامهٔ أفضل مِن حُسْن‌الْخُلْق»؛ (۱)

«در میزان و ترازوی عمل‌انسان در قیامت، چیزی بهتر از حسن خلق نهاده نمی‌شود»

همچنین با اشاره به آثار منفی و زیانبار سوء خلق بر اعمال می‌فرماید:

«الخلق السّیء یُفْسد العمل کما یفسد الخلّ العسل». (۲)

«اخلاق بد عمل را تباه می‌کند چنانکه سرکه عسل رافاسد می‌سازد».

بر زائران گرامی است، با الهام از سیره مبارکه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام که درسهای ارزنده اخلاقی را در معاشرت به مردم آموخته‌اند، در برخورد با همه زائران، بویژه همسفران خود اخلاق خوب، تحمل، رفق و مدارا و سازش و همیاری را پیش گیرند و در امور معنوی به یکدیگر یاری رسانند.

ابن اعثم کوفی یکی از شعرای شیعه در شعر زیبایی با بیان اخلاق سفر گوید:

۱- وسائل، ۸، ص ۵۰۶

۲- مستدرک سفینهٔ البحار، ماده سفر، ص ۵۸

ص: ۷۱

و لیحسن الإنسان فی حال السفر اخلاقه زیادهٔ علی الحضر

و لیکثر المزح مع الصحب اذا لم یسخط اللّه و لم یجلب اذی (۱)

انسان باید در سفر اخلاق خود را بیش از وطن نیکو گرداند. و با همسفران بسیار مزاح کند، بگونه‌ای که خدا را خشمگین نسازد و کسی را نیازارد.

اخلاق سفر در کلام لقمان

بنا به فرموده امام صادق علیه السلام در وصایای لقمان حکیم به فرزندش آمده است:

«هر گاه با گروهی سفر کردی، در کار خود و کار آنان، با آنها به مشورت بپرداز و در چهره ایشان بسیار تبسم کن و بر توشه خود کریم و بخشنده باش و چون تو را دعوت کنند اجابت نمای و اگر از تو کمک خواستند یاری ده، سکوت طولانی و نماز بسیار کن و سخاوت نفس را در مرکب سواری و توشه خود بکار بند و چون از تو گواهی حقّی طلبند گواهی ده و چون مشورت کنند تمام توان اندیشه‌ات را برای ارائه رأی صحیح بکار گیر و چون راه پیمایند با آنان همگام شو و چون به کاری پردازند، با آنان مشارکت کن، و چون به صدقه یا قرض دادن اقدام نمایند تو نیز بذل کن و با آنان که از تو سالخورده‌ترند گوش فرا ده و هر گاه به کاری فرا خوانند و یا چیزی خواهند پاسخ مثبت ده و از مخالفت بپرهیز» (۲) روایات در این باب بسیار است. تنها به یک سخن دیگر از امام

۱- سفینهٔ البحار، ماده سفر، ص ۶۲۹

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۲؛ بحار ج ۱۳، ص ۴۲۴

ص: ۷۲

صادق علیه السلام بسنده می کنیم:

ابی الربیع شامی گوید: در محضر امام صادق بودیم مجلس آکنده از جمعیت بود، امام خطاب به حاضران فرمود:

«لَیْسَ مِنّا مَنْ لَمْ یحسن صحبهٔ من صحبه و مرافقهٔ من رافقه و ممالحهٔ من مالحه و مخالقهٔ من خالقه» (۱)

«از ما نیست کسی که با مصاحبان خود به نیکی مصاحبت نکند و با رفیقان رفق و مدارا پیشه نسازد و در غذا خوردن تمایل دیگران را در نظر نگیرد و در خُلق و خوی اخلاق دیگران را نادیده انگارد».

تحمل ناسازگاری‌ها

از آداب مصاحبت، تحمّل ناسازگاریهاست. در سخن امام معصوم آمده است: «حُسن همجواری تنها به آزار ندادن بر دیگران نیست بلکه بردباری در برابر اذیت‌ها نیز از حسن همجواری است.»؛

(لیس حسن الجوار کَفّ الأذی ولکنّ حُسن الجوار صبرک عَلَی الأذی) (۲)

و نیز از کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که: «هرگاه دو تن همسفر شدند، آن کس که بیش از دیگر رفق و مدارا نسبت به رفیق خود پیش گیرد، نزد خدا محبوبتر و پاداشش عظیم‌تر است»؛

«ما اصطحب اثنان الّا کان أعظمهما أجراً و أَحبّهما الَی اللَّه أَرْفَقُهُما بِصاحِبِهِ» (۳)

بنابر این اگر زائر از همسفر خود، به هر دلیل، رفتاری نامطلوب دید،

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۸۶

۲- وسائل، ج ۸، ص ۴۸۴

۳- همان، ص ۳۰۲

ص: ۷۳

نخست بایـد از بـاب مـوعظه و ارشـاد، بـا زبـان ملایـم و عطـوفت و رأفت و حسن عمـل، در صـدد اصـلاح او برآیـد و بالأـخره اگر ناسازگـاری ادامه یافت با تحمل و بردباری سـفر را به پایان برد و درصـدد نزاع و مجادله و پاسـخگویی برنیایـد تا اجری مضاعف از حج خود ببرد.

علی علیه السلام در شعر زیبا و آموزنده‌ای به فرزندان خود می‌فرماید:

سلیم العرض من حذر الجوا با و من داری الرجال فقد اصابا

وَ مَنْ هاب الرجال تهیبوه و من حقر الرجال فلن یهابا (۱)

«آبروی کسی محفوظ می‌ماند که از پاسخ دادن (ناروا) برحذر باشد. و آنکس که با مردم مدارا کند راه صواب پیموده است.»

«و هرکس به مردم احترام کند او را احترام نمایند و کسی که مردم را حقیر شمارد مورد احترام واقع نگردد.»

ادب و احـترام نسبت به برادران ایمـانی، از دیگر وظـایف اخلاـقی مـؤمن است. اگر کسـی حرمت دیگری را پـاس نـدارد، نبایـد از دیگران چنین انتظاری داشـته باشد؛ چنانکه در شـعر فوق منسوب به امیرمؤمنان علیه السـلام ملاحظه کردیم. احترام به دیگران بویژه، بزرگسالان، در تربیت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مَنْ عرف فضل کبیر لِسنّه فوقّره، آمنه اللَّه من فزع یوم القیامهٔ» (۲)

«کسی که برتری بزرگتر را به خاطر سن و سالش بشناسد و بدو احترام

۱- وسائل، ج ۸، ص ۵۴۱

۲- همان، ص ۴۶۶

ص: ۷۴

کند، خداوند وی را از دهشت و اضطراب روز قیامت در امان دارد».

آری، همسفران در هر پایه و جایگاهی که باشند، بدور از امتیازات و عناوین ویژه خود، باید احترام یکدیگر را نگهدارند و در نشستن و برخاستن و سوار و پیاده شدن بر هواپیما و اتومبیل و غذا خوردن و انتخاب مکان استراحت و ... دیگران را بر خود مقدم دارند، بویژه سالخوردگان و بیماران و بانوان را یاری دهند که در فشار جمعیت در رنج نباشند.

در سفارشات امام صادق علیه السلام به زائران خانه خدا آمده است:

«ولا توطؤوا ضعیفا» (۱)

؛ «مراقب باشید افراد ناتوان را پایمال نکنید. به آنان تنه نزنید».

آزار نرساندن به دیگران

زائران باید در حال طواف یا هنگام نماز طواف یا در بوسیدن حجرالأسود و رمی جمره و موارد دیگری که ازدحام وجود دارد، مراقب باشند به افراد سالخورده، بیمار، ضعیف و کسانی که در طواف هستند یا به نماز ایستاده‌اند؛ اعم از آشنا یا بیگانه، آزار نرسانند، بلکه با آرامش و وقار اعمال را انجام دهند. از هول و هراس و شتابزدگی و بی‌توجهی دیگران، جداً بپرهیزند که این از آداب حسن سلوک در این سفر معنوی است. در این باره توصیه‌های جدّی در کلام معصومین علیهم السلام وجود دارد. از جمله امام صادق علیه السلام ضمن بیان اعمال عرفات می‌فرماید:

۱- الحج والعمرة فی الکتاب والسنة، ص ۲۲۲

ص: ۷۵

«چون خورشید غروب کرد با مردم کوچ کن و بر تو باد به آرامش و متانت و وقار. با مردم همراهی کن و از خدا آمرزش طلب. و از تند رفتن مانند بسیاری از عامه مردم بپرهیز؛ چرا که حج تند راندن و کند راندن نیست، از خدا بهراسید و به نحو شایسته حرکت کنید. ضعیفی را پایمال نکنید و مسلمانی را تنه نزنید که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود با آرامش عمل کردند و و می‌فرمودند: «بر شما باد به آرامش و وقار» (۱) بسیار دیده شده که زائران ناوارد، بویژه در سفر اوّل با حالت وحشت‌زدگی و هول و هراسی که جهت انجام اعمال دارند، دیگر مسلمانان را مورد هجوم و ایذا قرار می‌دهند یا نزاع و مشاجره می‌کنند و در حال عبادت؛ مانند نماز و طواف به حق دیگران اعتنایی ندارند که با این حال عبادت خود و دیگران را خراب می‌کنند و چهره نامطلوبی از خود و کشور و مذهب ارائه می‌دهند.

وظیفه روحانیان و دیگر راهنمایان است که در جلسات آموزشی به این امور توجه دهند، گاهی برای سوار شدن به اتوبوس برابر مسجدالحرام در آن گرمی هوا و ازدحام جمعیت، بر ضعیفان و زنان حمله می‌کنند و این را به حساب زرنگی و توانمندی خود می‌گذارند که واقعاً دون شأن زائر است. اینها نیاز به کار ار شادی و توجیهی و بسا اجرایی دارد تا زائر وظیفه خود را بشناسد و بداند هر اندازه صبر و تحمل پیشه کند و ایثار نماید و در یاری رساندن به دیگران پذیرای رنج باشد، نزد خدا مقرب‌تر است؛ زیرا یکی از فلسفه‌های این سفر چنانکه در روایات آمده، تحمل شداید و سختی‌هاست که تکامل نفس و تقویت روح بندگی را به ارمغان می‌آورد.

۱- تهذیب، ج ۵، ص ۱۸۷ و ۱۸۸

ص: ۷۶

علی علیه السلام در خطبه قاصعه، آنجا که از حج و آثار و حکمت‌های آن سخن می گوید، بدین نکته پرداخته و می‌فرماید:

«ولکنّ اللَّه یختبر عباده بأنواع الشدائد و یتعبدهم بأنواع المجاهد و یبتلیهم بضروب المکاره اخراجا للتکبّر مِنْ قلوبهم واسکانا للتذلّل فی نفوسهم» (۱)

«خداونـد بندگان خود را با سختی‌های گوناگون می‌آزماید و با انواع مجاهدات، به بندگی فرا می‌خواند و با ناملایمات مختلف در معرض ابتلا قرار می‌دهد تا تکبر و خودبینی را از دلهایشان بزداید و ذلت بندگی را در نفوسشان جایگزین کند.»

عفو و گذشت

بر زائر خانه خدا است که موجب آزار و نارضایتی کسی نگردد. اما انسان مصون از خطا نیست و افراد وظیفه ناشناس همه‌جا هستند. هرگاه زائر با چنین مواردی مواجه شد، سزاوار است با بردباری و گذشت از کنار آن بگذرد و مجادله و مخاصمه نکند و درصدد انتقام برنیاید. پیامبر صلی الله علیه و آله طی خطبه‌ای دراین‌باره می‌فرماید:

«مَنْ کظم غیظه وعفی عن اخیه المسلم اعطاه اللَّه اجر شهید» (۲)

«کسی که خشم خود را فرو نشاند و از برادر مسلمانش درگذرد، خداوند پاداش شهید بدو عنایت فرماید.»

امام صادق علیه السلام فرمود:

«انّا أهل بیت مروتنا العفو عمن ظلمنا» (۳)

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳

۲- وسائل، ج ۸، ص ۵۲۵

۳- همان، ص ۵۲۲

ص: ۷۷

«ما خاندانی هستیم که راه و روشمان عفو و گذشت از کسی است که به ما ستم کند.»

آیـات و روایـات در بـاب عفو و گـذشت فراوان است و بـدون شـک در سـفر حـج نیز بـدان نیـاز است. و این فرصتی است که زائر بردباری و خویشـتن‌داری را تمرین کند و اگر ناملایمی دید، با حلم و عفو از کنار آن بگذرد و این خصلت اخلاقی را برای همیشه عمر، ذخیره نماید.

مروت و جوانمردی

در روایات ما از «حسن معاشـرت»، «رفق و مدارا» و «حفظ الغیب همسـفران» به عنوان نشانه مروت در سفر یاد شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«المروءَة مروءَتان؛ مروءَة فی السّفر و مروءَة فی الحضر ...

فأمّـا المروءَة فی الحضـر فتلاوة القرآن و حضـور المساجـد و صـحبة أهـل الخیر والنظر فی الفقه. وامّـا المروءَة فی السـفر، فبـذل الزاد والمزاح فی غیر ما تسخط اللَّه و قلة الخلاف علی من صحبک و ترک الروایة علیهم اذا فارقتهم» (۱)

«مروت دو گونه است: مروت در حضـر و مروت در سـفر. مروت در حضر عبارت است ازتلاوت قرآن، حضور در مساجد، همنشینی بـا اهـل خیر و نظر در فقه و مسائـل فقهی. اما مروت در سـفر عبارت است از بـذل و بخشـش، مزاح کردن در صورتی که خـدا را به خشم نیاورد، مخالفت نکردن با همسفران و سخن نگفتن پشت سر آنان، پس از جدا شدن از آنها».

۱- وسائل، ج ۱۱، ص ۴۳۶

ص: ۷۸

سفر و وقایع آن امانت است و در حفظ امانت بایـد کوشـید. بنابراین، اگر زائر به هنگام معاشـرت با همراهان، از آنها ضـعفی دیـد و نامطلوبی مشاهده کرد، باید در سفر بگذارد و برود و آن را بازگو نکند که این خلاف مروت است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لیس مِنَ المروة أن یحدث الرجل بما یلقی مِنْ خیرٍ أو شرٍّ» (۱)؛

«دور از جوانمردی است که شخص آنچه از نیک و بد می‌بیند بازگو کند.»

کمک به همسفران

همسـفران همانند اعضای یک خانواده‌اند، باید در همه حال و در رنج و راحت با هم باشند. به یکدیگر یاری رسانند. خدمت کردن به دیگران را که در روایاتِ سفر حج بسیار تأکید شده، دون شأن خود ندانند، که سیره اولیای خدا چنین بوده است و علاوه بر آنکه یک فضیلت اخلاقی است، ارزش و پاداش عمل را افزون می‌سازد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«من أعان مؤمناً مسافراً فرج‌اللَّه کربه و اجاره فی الدنیا والأخرة من الغمّ والهمّ و نفس کربه العظیم یوم یعض الناس بأنفاسهم» (۲)

«کسـی که مسافر با ایمانی را یاری رسانـد، خداوند گرفتاریش را برطرف سازد و در دنیا و آخرت او را در پناه خود گیرد و از غم و اندوه گرانبار

۱- وسائل، ج ۱۱، ص ۴۳۷

۲- همان، ج ۸، ص ۳۱۵

ص: ۷۹

قیامت، که مردمان را به هراس می‌افکند، رهایی بخشد.»

زائر بایـد از فردگرایی و گرایش گروهی محـدود بپرهیزد؛ زیرا همه زائران میهمانـان خـدا هسـتند و کمـک به آنهـا از عبادت است. متاسفانه گاه دیده شده که تنگ‌نظری بر فرد یا گروه حاکم می‌شود و امکانات و وسیله نقلیه را از آن خود می‌دانند و با وجودی که می‌تواننـد به زائران دیگر، بـویژه هموطنـان خـود یـاری رساننـد، بی‌تفـاوت می‌گذرنـد و یـا بخـل می‌ورزنـد و تنهـا به راحـتی خـود می‌اندیشند که این با فلسفه حج در تضاد است.

خـدمت کردن به دیگران در سـفر، بویژه در سـفر حـج، مـایه مباهـات و نشانه سـیادت و بزرگواری است. پیامبر صـلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«سیّد القوم خادمهم فی السفر». (۱)

بنابراین، زائر باید از راهنمایی، کمک و خدمت به دیگران، حتی افراد ناشـناس، دریغ نورزد و در این خدمت، رضای خداوند را در نظر بگیرد.

در احوالات امام زین‌العابدین علیه السـلام آورده‌اند که آن حضـرت سـفر نمی‌کرد، مگر با گروهی که او را نشناسند و با آنان شرط می‌کرد که از خـدمتگزاران آنها باشـد و در حوائجشان بکوشـد. نقل شـده که آن حضـرت با گروهی همسـفر شـد که یکی از افرادِ گروه در خلال سـفر او را شـناخت و آسـیمه سر به همراهان گفت: می‌دانیـد این آقا کیست؟ گفتنـد: نه، گفت: او علی‌بن الحسـین علیهما السلام است. آنها با شنیدن این سخن از جای جستند و بر دست و پای آن حضرت بوسه زدند و گفتند: ای فرزند رسول خدا، آیا می‌خواستید ما را به دوزخ افکنید!، اگر از دست و زبان ما خطایی سر

۱- سفینهٔ البحار، ماده «سفر».

ص: ۸۰

می‌زد، برای همیشه هلاک می‌شدیم؛ چرا خود را معرفی نکردید؟

امام در پاسخ فرمود: من یکبار با کاروانی همسفر شدم آنها مرا می‌شناختند و بدلیل بستگی من با پیامبر، آنقدر به من نیکی کردند که مستحق آن نبودم، حال بیم داشتم که شما نیز چنین کنید، لذا بهتر آن دیدم که خود را معرفی نکنم» (۱) ما که شیعه و پیرو این بزرگوار هستیم، باید از مشی و سلوک حضرتش درس بیاموزیم و خدمت به میهانان خدا را برای خود مایه افتخار بدانیم.

کار کردن در سفر

سیره پیامبر و امامان، این بود که هرگاه با گروهی همسفر می‌شدند؛

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۶۹

نام بلندآوازه و شخصیت والای ائمه طاهرین و ذریه رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله مشهورتر از آن بود که برای کسی ناشناخته باشد، همانگونه که فرزدق، شاعر آزاده شیعه در قصیده معروف خود که در مسجدالحرام در حضور هشام ولیعهد وقت و جمعی از مردم شام سرود، بدین نکته اشاره داشت:

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته والبیت یعرفه والحلّ والحرم

هذا ابن خیر عباداللَّه کلّهم هذا التقیّ النقیّ الطاهر العلم

ولیس قولک من هذا بضائره والعرب یعرف من انکرت والعجم!

«این آقا کسی است که سرزمین بطحا و مکه و خانه کعبه و حِلّ و حرم و عرب و عجم وی را می‌شناسند و چهره پاک و تقوا و فضائلش شهره آفاق است ....»

بنابر این، آنچه در داستان فوق از ناشناس بودن آن حضرت در میان گروه آمده است، مقصود عدم شناسایی چهره و مشخصه‌های ظاهری است، به جهت محدودیت و تضییقاتی که دولت غاصب اموی در تماس با این خاندان اعمال کرده بود، نه نام و نشان و شخصیت آنها. دلیل مطلب این است که: آن گروه به مجرد شنیدن نام مبارک امام، آسیمه سر بر قدم حضرتش بوسه زدند و عذرخواهی کردند و این خود نشانه معرفت و ارادت مردم نسبت به آن بزرگوار است.

ص: ۸۱

مانند دیگران کار می‌کردند و این را به عنوان یک دستور به دیگران می‌آموختند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با گروهی همسفر شد؛ و در آن سفر دستور داد: گوسفندی ذبح کنند، یکی از اصحاب گفت من ذبح آن را انجام می‌دهم، دیگری گفت من پوست آن را جدا می‌کنم، سوّمی گفت من آن را قطعه قطعه می‌کنم، چهارمی عهده‌دار طبخ آن شد و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من هم هیزم جمع می‌کنم. یاران گفتند: ای رسول خدا، لازم نیست شما به زحمت بیفتید ما این کار را می‌کنیم. فرمود: می‌دانم، اما خداوند دوست ندارد بنده با جمعی باشد و مانند آنها نباشد. آنگاه برخاست و به جمع‌آوری هیزم پرداخت.» (۱) در عصر پیامبر، گروهی همسفر شدند، پس از بازگشت از سفر، خدمت آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا، در این سفر مردی بهتر از فلانی ندیدیم. او روزها روزه می‌گرفت و چون به منزلی فرود می‌آمدیم به نماز می‌ایستاد و همچنان سرگرم عبادت بود تا کوچ کنیم!

پیامبر فرمود: پس چه کسی کارهای او را انجام می‌داد و اسباب آسایشش را فراهم می‌ساخت؟ پاسخ دادند: ما حوائج او را تأمین می‌کردیم. در این حال پیغمبر فرمود: «در این صورت همه شما بر او برتری دارید»؛

(کلّکم أفضل مِنْهُ) (۲)

هرچند در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله شیوه خدمات به صورت کنونی نبود و همه باید کار می‌کردند تا امور سفر سامان گیرد و آب و غذا و دیگر لوازم فراهم

۱- مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸

۲- مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۶۰؛ سفینة البحار، ماده «سفر».

ص: ۸۲

شود و وضعیت امروز با گذشته تفاوت بسیار دارد، اما در عین حال این روایات بیانگر فضیلت کار در سفر و همکاری با همسفران است و شایسته است زائران بدان توجه نمایند و در صورت لزوم، در کارها تشریک مساعی کنند تا پاداش افزونتری ببرند.

تدارکات سفر حج کاری سنگین است و گرچه در هر گروه و کاروانی خدمه ویژه‌ای عهده‌دار این وظیفه هستند اما در عین حال، اگر زائر بتواند در این خدمت ارزشمند سهمی داشته باشد، بسیار ستوده است. خدمه گرامی، از تراکم کار خسته می‌شوند و همکاری به آنان در کارها؛ نظیر جمع و حمل اثاث، تمیز کردن اتاق محلّ سکونت، توزیع غذا، و جمع ظروف، و همکاری در عرفات و منا و ... می‌تواند کمک روحی و جسمی به این برادران باشد که در عین انجام وظیفه، اعمال حج را نیز انجام می‌دهند.

بعلاوه، سزاوار است زائران نسبت به عوامل خدماتی، که افرادی با شخصت هستند و خدمت میهمانان خدا را پذیرفته‌اند، به عنوان اجیر ننگرند و حرمت آنان را داشته باشند؛ چرا که اینان نه به عنوان مزد بلکه به عشق زیارت و خدمت، این مسؤولیت را پذیرفته‌اند.

پاداش خدمه و پرستاران

پاداش کسانی که در سفر حج برای رفاه حال زائران خالصانه خدمت می‌کنند و بار مشقت این سفر را بر دوش دارند، از سایر زائران کمتر نیست، بلکه بنا به مضمون روایات، اجر مضاعفی دارند. اسماعیل حثعمی گوید: «خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که وارد مکه شدیم رفیقان و همسفران ما به طواف رفتند و مرا گذاشتند تا مراقب بار و اثاثیه

ص: ۸۳

آنها باشم. امام فرمود: پاداش تو بیش از آنهاست»؛

(قال: قلتُ لأبيعبداللَّه اذا قدمنا مكّة ذهب أصحابنا يطوفون و يتركوني أحفظ متاعهم؛ قال عليه السلام أنت أعظَمُهُمْ أجراً). (۱)

ملازم بن حکیم گفت: «من و محمدبن مصادف همسفر شدیم، چون به مدینه رسیدیم، بیمار شدم و او مرا تنها رها می‌کرد و به مسجد می‌رفت.

از این موضوع به مصادف گله و شکوه کردم، او این مطلب را به عرض امام صادق علیه السلام رسانید. امام برای وی پیام فرستاد که: اگر نزد او (بیمار) بنشینی، فضیلت آن بیش از نماز خواندن در مسجد است.» (۲) چنانکه می‌دانیم ثواب نماز در مسجدالنّبی معادل یکهزار نماز نسبت به سایر اماکن، جز مسجدالحرام است، با اینحال از روایت فوق می‌توان دریافت که پرستاری برادران ایمانی و انس با آنها، بویژه بیماران، چقدر فضیلت دارد که امام علیه السلام فضیلت آن را از نماز در مسجد برتر خوانده است.

از این روایات و امثال آن می‌توان به پاداش معنوی خدمت به زائران و پرستاری بیماران پی برد و دریغ است که زائر خانه خدا از این ثواب و پاداش محروم بماند و اگر بتواند در خدمت آنها باشد مسامحه کند.

توصیه و تذکر به خدمه

بی‌مناسبت نیست که در رابطه با مسؤولیت خدمه، تذکراتی داده شود:

* ارزش معنوی عمل خود را بدانند و خالصانه خدمت کنند.

* در معاشرت با میهمانان خدا و معاشرت با یکدیگر، صمیمیت و

۱- فروع کافی، ج ۴، ص ۵۴۵

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۴۵

ص: ۸۴

اخلاق اسلامی را رعایت کنند.

* احترام زائران را داشته باشند و با آنان، با چهره گشاده برخورد نمایند.

* تقوا و پاکیِ چشم و دست و زبان را سرلوحه عمل خود بدانند. چه، آنان امین جان و مال و ناموس زائران کاروانند.

* از دخالت در امور شرعی بپرهیزند و مسائل را به روحانی گروه واگذارند.

* با بازرسان بعثه همکاری کنند.

* در حسن انجام اعمال حج، تا آنجا که ممکن است، تشریک مساعی نمایند.

* به مسؤولین تدارکاتِ غذا و خدمات تأکید می‌شود که از اسراف و تبذیر و تضییع نعمت‌های الهی برحذر باشند. همچنین در تهیه غذا و خوراک در آبدارخانه و آشپزخانه، مسائل مربوط به طهارت و پاکی و آب و آب‌کشی را بدرستی توجه کنند که مسؤولیت شرعی این امور بر عهده آنان است.

* در حفظ اشیای هتل‌ها که متعلق به کشور میزبان است، امانت را رعایت کنند که این وظیفه همه است.

همراهی با همسفران

همراهی با همسفر نیز از آداب و اخلاق مسافرت است. همسفر را نباید تنها گذاشت، بویژه در سفر حج که به انس و همکاری و همگامی بیشتر نیاز است. بنابر این افراد آگاه، که این سفر را پیشتر پیموده‌اند و به راه و چاه آگاهند و افراد جوان که توانایی دارند، در رفت و آمدها و مسیرهای

ص: ۸۵

پیاده، بویژه در عرفات و مشعر و منا و رمی جمرات، که احتمال گم شدن یا بیماری و سرگردانی زائر بسیار است، به دیگران یاری رسانند؛ زیرا برای افراد ناآگاه و تازه وارد و ناتوان، از نظر جسمی و روحی، انجام اعمال با مشکلاتی همراه است که مراقبت حال آنها اهمیت بسیار دارد و از اجر و پاداش معنوی بالایی برخوردار است و کوتاهی کردن در این امر، بسا با خطرات جانی همراه باشد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با برادر ایمانی خود در راهی مصاحبت کند و او را رها سازد و بر او سبقت گیرد تا از نظرش ناپدید شود، به ریختن خون او اقدام کرده و به نابودیش کمک نموده است»؛

(مِنْ صَحب أخاه المُؤمن فی طریق فتقدمه بقدر ما یغیب عنه، فقد اشاط بدمه و أعانَ عَلَیهِ) (۱).

اهمیت حقّ همسفر تا بدانجاست که آن را یکی از حقوق ویژه انسانی برشمرده‌اند، که حتی اگر همسفر غیر مسلمان باشد، این حق پابرجاست! روایت اصول کافی، کتاب العشره، این ادعا را تأیید می‌کند. در این روایت آمده است:

علی علیه السلام با مردی ذمّی همسفر شدند، ذمی پرسید: قصد کجا داری؟

فرمود: قصد کوفه دارم. همینکه بر سر دو راهی رسیدند، امیرالمومنین به جای اینکه راه کوفه را بپیماید، آن مرد را همراهی کرد. ذمی گفت: مگر قصد کوفه نداشتی؟ فرمود: چرا. عرض کرد پس چرا به مقصد خود رهسپار نشدی؟ فرمود: می‌دانم، ولی تکمیل حق مصاحبت به این است که همسفر، همسفر خود را با میل و رغبت مشایعت کند. پیامبر ما، ما را به این

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۵

ص: ۸۶

امر فرمان داده است. ذمی گفت: پیامبر شما چنین فرموده؟ امام فرمود:

آری. ذمی گفت: پیروان این پیامبر به خاطر همین صفات خجسته‌اش او را پیروی کرده‌اند! حال گواه باش که من آیین او را پذیرفتم (۱).»

بدین ترتیب یک فرد غیرمسلمان به برکت حسن مصاحبت و معاشرت امیرمومنان علیه السلام به اسلام رو آورد و آن را پذیرفت. و این برای همه ما، بویژه زائران بیت‌اللّه الحرام، که با ملیّت‌ها و مذاهب گوناگون برخورد دارند، باید الگوی عمل باشد.

این توصیه در مورد ضعفا و بیماران و زنان معذور، از اهمیت بیشتری برخوردار است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در این خصوص می‌فرماید:

«هرگاه در سفر بودید و یکی از شما بیمار شد، به خاطر او دو سه روز توقف کنید (تا بهبودی یابد)»

«اذا کنتم فی سفرٍ فَمَرِضَ أحدکم فاقیموا عَلَیهِ ثَلاثَةَ ایّام» (۲)

همچنین در مورد زنان معذور که نمی‌توانند به مسجدالحرام داخل شوند و طواف و نماز انجام دهند، توصیه شده که همسفران به خاطر آنها توقف کنند تا آنان نیز بتوانند اعمال خود را بجا آورند.

علی‌بن ابی‌حمزه گوید: از حضرت موسی‌بن جعفر علیه السلام مسائل مربوط به‌حائض رامی‌پرسیدم؛ ازجمله‌اینکه امیرکاروان واعضای گروه از همراهی و توقف بخاطر وی خودداری کردند. امام فرمود: «آنها چنین حقی را ندارند، آنها باید صبرکنند تا او پاک شود واعمال خود راانجام دهد.» (۳)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۷۰

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۵

۳- همان، ص ۳۰۶

ص: ۸۷

البته در وضعیت کنونی، که تاریخ حرکت کاروان‌ها با برنامه‌ریزی و هماهنگی هواپیمایی مشخص می‌گردد و تغییر آن غیرممکن است، نباید انتظار داشت که کاروان حرکت خود را به تأخیر اندازد. بنابراین زنان معذور طبق وظیفه‌ای که دارند با نظر روحانی گروه باید وظایف خود را که بعضاً به نیابت نیاز دارد، انجام دهند و این کفایت می‌کند.

خضوع و تواضع

یکی از حکمت‌های عمیق حج، پرورش روح عبودیت و بندگی و تواضع و تذلّل در پیشگاه خدا و مبارزه با خودبینی، عجب، غرور و روحیه استکباری است. چنانکه ملاحظه می‌کنیم لباس ساده احرام و ترک زینت و زیور و زیّ تعین، ژولیدگی و خاکساری، و در مشاعر و مواقف و مطاف و سعی، همپای خلق حرکت کردن، همه برای پرورش روح تواضع و تذلّل و خضوع و خشوع و نفی کبر و غرور، و تشخص و تعین و خودبینی و فرو ریختن مرزهای طبقاتی است.

از امیرالمومنین علیه السلام پرسیدند: چرا مکه را «بکه» گویند؟ فرمود: بدان جهت که گردنکشان و تبهکاران را درهم کوبیده است؛ «لأنّها بکّت رقاب الجبّارین والمذنبین» (۱)

آری، در این میعادگاه بزرگ توحید و وحدت، قدرتمداران روزگار باید به ذلّت افتند تا عزّت بندگیِ خدا را بچشند و تفاخر و تکاثر و غرور و ترف را زیر پا گذارند.

فاکهی در اخبار مکه آورده که: اسکندر ذوالقرنین پیاده به حج آمد و

۱- بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۸۵

ص: ۸۸

چون ابراهیم خلیل این را شنید به استقبال او شتافت؛

(وَرُوِی أنّ ذاالقرنَیْن حَجَّ ماشیاً فَسَمِعَ بِهِ ابراهیمُ فَتَلَقّاهُ) (۱)

یکی از دلائل فضیلت پیاده‌روی در سفر حج، همین است که تواضع بنده را به نمایش می‌گذارد که البته دلائل و رموز دیگری هم دارد؛ از جمله اینکه بنده با پای پیاده و رنج تن عزم کوی دوست کند و از رفاه و راحت فاصله بگیرد تا با انقطاع از مظاهر دنیا به خدا و آخرت بیشتر بیندیشد.

حافظ گوید:

در بیابان گر به طوف کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

از این‌رو پیامبر و ائمه علیهم السلام، بدینگونه عمل کرده و نسبت به آن توصیه فرموده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«فَضْلُ المشاهٔ عَلَی‌الرُّکبان کَفَضْلِ القَمَر لیلهٔالْبَدْرِ عَلَی‌النُجُومِ» (۲)

«فضیلت پیادگان بر سواره‌ها همچون برتری ماه شب چهاردهم است بر سایر ستارگان.»

ابن عباس می‌گوید: بر چیزی تأسف نخوردم جز اینکه نتوانستم پیاده حج گزارم. شنیدم از پیامبر صلی الله علیه و آله که می‌فرمود: خداوند در آیه کریمه یَأتُوکَ رِجالًا وَعَلَی کُلِّ ضامِرٍ ... به پیادگان ابتدا فرموده است» (۳) امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ما عُبِدَاللَّهُ بِشَیءٍ اشَدّ مِنَ الْمَشْی وَلا

۱- اخبار مکه، ج ۱، ص ۳۹۴

۲- همان، ص ۳۹۶

۳- همان.

ص: ۸۹

افْضَل» (۱)

؛ «خداوند به چیزی بهتر و برتر از پیاده‌روی، بندگی نشده است.»

ابان بن تغلب می‌گوید: در سفر حج، امام صادق علیه السلام را همراهی می‌کردم، همینکه آن حضرت به حرم رسید، از مرکب فرود آمده و غسل کرد و نعلین خود را به دست گرفت و برهنه پا وارد حرم شد. من نیز مانند آن حضرت عمل کردم. امام فرمود:

«ای ابان! هرکس ازروی تواضع برای خداوند بزرگ، همانند من عمل کند، خداوند صدهزارگناه از او محوکند وصدهزار حسنه برای وی بنویسد و صدهزار درجه در بهشت قرار دهد و صدهزار حاجت برآورد»؛

(یا ابانْ مَنْ صَنَعَ مثل ما رأیتنی صنعت تواضعاً للّٰه‌عزّوجلّ، محی عَنْه مأة ألف سیئة و کتب له مأة ألف حسنة و بُنِیَ له مأة ألف درجة و قضی عنه مأة ألف حاجة) (۲)

در این باب روایات دیگری نیز هست که به موجب، آن در پاره‌ای موارد سواره بودن افضل است و این بستگی به وضعیت زمان و محیط و حال فرد و فقر و غنا و قدرت یا ضعف زائر دارد. (۳) و نیز امام صادق علیه السلام با اشاره به فلسفه سعی صفا و مروه، سعی را محبوبترین مکان نامید؛ چرا که جباران در آنجا به ذلّت می‌افتند، بویژه هنگام هروله که همه ساز و برگ‌ها از بدن فرو می‌ریزد (۴) بنابر این حج‌گزار باید در این سفر معنوی، به اولیای خدا تأسّی جوید.

۱- محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۹۲، از تهذیب.

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۹۷

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۷

۴- نک: محجة البیضاء، ج ۲، ص ۱۹۲

ص: ۹۰

تواضع و خاکساری را تمرین کنـد و جامه خودبینی و غرور را بـدرد و رفاه و راحت را پشت سـر افکنـد و در توحیـد ذوب شود و با خلق، همسان گردد و این حالت روحانی را برای همیشه نگهدارد.

پرهیز از عُجب و غرور

یکی از آفـات عبـادت عُجب است، شـیطان بدینوسـیله می‌کوشـد تا خودبینی را تلقین کنـد و حـج‌گزار امکان دارد که گرفتار چنین آفتی شود و بـا پایـان گرفتن اعمال و مناسک، حالت اسـتکباری و خودبزرگ بینی در قالب عبادت! در نفس او پدیـد آیـد و تبعات ناشایست اخلاقی ببار آورد.

در پـاره‌ای مـوارد دیــده شـده کـه پس از بـازگشت از عرفـات و منـا و رمی جمرات، چنیـن حـالتی رخ نمـوده، تکـبر و خشـونت و ناسازگـاری جـای تواضع، عطوفت و مهر را گرفته است و در حین بـازگشت به وطن و در فرودگاه جـده، در مسائل جزئی جـدال و مکـابره درگرفته و داد و هوار فضـا را پر کرده است گویی در این سـفر انسان‌ساز، زائر هیـچ چیز کسب نکرده و تنها با کوله‌باری از سوغاتِ حجیم از مکه و مدینه بازگشته است.

چنین حالتی را بایـد در همان عجب و خودبینی ریشه‌یابی کرد که بی‌طاقتی و عصبی شـدن نیز به آن کمک می‌کنـد. مواردی را که بدان اشاره شد، نگارنده طی سفرهای مکرر از برخی زائران دیده‌ام که خاطره تلخ آن هرگز از یادم نمی‌رود.

زائر باید سـعی کند که اخلاق محمدی صـلی الله علیه و آله از سـفر حج به ارمغان آورد و ابلیس را به پای جمرات به خاک سـپارد. جلسـات آموزشـی و ارشادی می‌توانـد در این خصوص نقش مؤثر ایفا کنـد. همکاران روحانی بایـد در مسائل اخلاقی زائران تأکید بیشتری داشته باشند و به زائران توجه دهند که

ص: ۹۱

اگر حج آنها پذیرفته شود، در برابر امامان و اولیای خدا که با آنهمه عبادت و ریاضت و سفرهای مکرر حج، سراپا خضوع و خشوع بوده‌اند، عمل آنها بسیار ناچیز است.

یاد آورند حالت زین‌العابدین علیه السلام را که هنگام تلبیه بر خود می‌لرزید و یارای سخن نداشت و می‌فرمود می‌ترسم خداوند بگوید:

«لا لبیک»

! و سخنان آن حضرت را با شبلی که فرمود: اگر از اسارت نفس و هواهای نفسانی بیرون نشده‌ای، حج انجام نداده‌ای و حج تو قالبی بی‌روح بوده است!

این تذکرات می‌تواند در روحیه زائر مؤثّر باشد و او را به حقیقت حج واقف سازد و با اخلاق حج‌گزاران واقعی آشنا کند. متأسفانه شِکوه‌های اخلاقی در سفر حج و زیارت کم نیست. همه اینها حکایت از آن دارد که زائر قبل از عزیمت و طیّ سفر، آماده نشده و اعمال حج چنانکه باید بر او تأثیر ننهاده است. خالی رفته و خالی برگشته و از معنویت و اخلاق حج، که فلسفه اصلی است، بی‌بهره مانده و تنها وسواس و توجه وی به قالب اعمال بوده نه قلب و حقیقت و روح حج. در حالی که اگر روح عمل ضعیف و کم‌مایه باشد، از قالب کاری ساخته نیست.

حج برنامه تکامل و تربیت است، نه تنها یک مانور و حرکت دوری. و اگر ره‌آورد تربیتی این حرکت ضعیف و ناچیز باشد، از آن حرکات دوری چیزی به دست نیامده است.

به همین دلیل است که می‌بینیم برخی زائران، با پایان گرفتن اعمال و پس از بازگشت از منا، چهره‌ای را که به گرد و غبار عرفات و مشعر و منا تبرک شده، مسخ می‌کنند و چون به وطن باز می‌گردند، استقبال کنندگان با چهره‌ای خالی از خضوع و خشوع و توام با نوعی کبر و تجمّل روبرو

ص: ۹۲

می‌گردند و از آنچه زائر در مدینه و روضه پیامبر صلی الله علیه و آله و قبرستان بقیع و حرم امامان، دیده، اثری نمی‌بینند. همه توجه به دوربین فیلم‌برداری و حلقه گل و جمع استقبال کننده و آداب و سنن صوری است. آنان که از دیار حق به وطن مألوف خود بازمی‌گردند باید مراقب باشند تا در سیما و چهره آنان آثار تحوّل روحی و اخلاقی مشهود بوده، دیگران را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به همین دلیل است که بعد از ایام در عمل زائر اثری از رنگ و بوی خدایی و انقطاع ابراهیمی و اخلاق محمدی صلی الله علیه و آله دیده نمی‌شود بلکه قساوت و جسارت بیشتری بر قلب‌ها سایه می‌افکند. خودبینی غلبه می‌کند. رحم از دلها رخت برمی‌بندد؛ چنانکه گویی حج‌گزار مجوّز ارتکاب گناه گرفته و برگشته است!

باید به خدا پناه برد. اگر زائر از این فرصت معنوی و کلاس انسان‌ساز نتواند بهره گیرد و تنها به سرابی بسنده کند و قطره‌ای از زمزم اخلاص و معنویت و ایثار را نچشیده باشد، بر چنین حج و عمره‌ای باید تأسف خورد.

آداب سخن و سکوت

اشاره

از نشانه‌های حکمت و درایت آدمی، رعایت آداب سخن گفتن و شناختن مواضع سخن و سکوت است. در آیات و روایات و کتب اخلاقی، در باب زبان و شیوه سخن، رهنمودهای ارزشمندی وجود دارد که چگونه از این نعمت گرانقدر الهی باید بهره گرفت. سخن ترجمان عقل و معرفت و ایمان و ادب انسانی است. علی علیه السلام می‌فرماید:

ص: ۹۳

«المَرْأ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسانِهِ» (۱)

«مرد زیر زبان خویش پنهان است»؛

و هم آن حضرت در خصوص شناخت موارد سخن و سکوت، می‌فرماید:

«لاخیر فی الصمت عن الحکم کَما انّه لاخَیْر فی الْقَوْلِ بِالْجَهْل» (۲)

«در خودداری کردن از سخن حق خیری نیست، چنانکه در سخن گفتن از روی نادانی»

و نیز از سخن آن حضرت است درباره پرگویی:

«مَنْ کَثُرَ کَلامه کَثُرَ خَطائُه» (۳)

«هرکس زیاد حرف بزند خطایش بسیار گردد»

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند به چیزی مانند سکوت کردن و رهسپار خانه خدا شدن، بندگی نشده است»؛

«ما عُبِدَاللّه بِشَیءٍ مِثْل الصمت وَالْمَشْی الَی بَیْتاللّه» (۴)

این توصیه‌ها که برای همه‌جا و همه احوال مؤمن است، در حج ویژگی خاصی دارد.

این سفر روحانی که پس از انتظار بسیار برای زائر دست داده، فرصتی است که به تهذیب نفس بپردازد و با خلوت کردن با خدا و ذکر و دعا و قرآن، روح خود را غنی سازد و دریغ است که با سخنان بی‌حاصل، اوقات

۱- نهج‌البلاغه، عبده، قصار ۱۴۸

۲- وسائل، ج ۸، ص ۵۳۸

۳- نهج‌البلاغه، عبده، قصار ۳۴۷

۴- وسائل، ج ۸، ص ۹۲۹

ص: ۹۴

عزیز را هدر دهد. در این خصوص امام ششم، صادق آل محمد علیهم السلام رساله‌ای دارد برای شیعیان خود که توجه به محتوای آن برای زائران لازم است. آن حضرت به یارانش خاطر نشان می‌سازد:

«از خدا پروا گیرید و زبانهایتان را جز از خیر و نیکی باز دارید.

بر شما باد به سکوت، مگر از آنچه خداوند به وسیله آن در امر آخرت به شما سودی رساند و پاداشی قرار دهد.

بسیار بگویید

لااله الااللَّه

و تقدیس و تنزیه حق کنید و ثنای او گویید و به او تضرّع نمایید و به آنچه نزد اوست از خیر و نیکی، که کسی نتواند قدر آن را تعیین کند و به کنه آن برسد، راغب باشید و بدینوسیله زبانهایتان را از آنچه خداوند نهی فرموده از سخنان باطل که اگر کسی از آن توبه نکند و دست برندارد موجب خلود در آتش شود، برحذر باشید» (۱) معاویهٔ بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «چون محرم شدی بر تو باد به تقوای خدا و ذکر بسیار و سخن کم، مگر سخن خیر؛ زیرا کمال حج و عمره به این است که مرد زبان خود را جز از نیکی حفظ کند، همانگونه که خداوند بزرگ فرموده است: «کسیکه حج گزارد، زشتی، فسق و جدال در حج نیست»؛

(اذا احرمت فعلیک بتقوی اللَّه و ذکراللَّه کثیراً وَقِلّهٔ الکلام الّا بِخَیْر فَانّ مِنْ تَمامِ الحجّ والعمرهٔ أنْ یحفظ المرأ لِسَانَهُ الّا مِنْ خَیْر کَما قالَ اللَّه عَزّوجلّ:

فَمَنْ فَرَضَ فِیهِنَّ الحَجّ ... (۲) زائر گرامی! در حرمین شریفین، بویژه مسجدالحرام و مسجدالنبی، که مقدس‌ترین اماکن روی زمین‌اند، با کلام پاک و دعا و ذکر و تلاوت قرآن

۱- وسائل، ج ۸، ص ۵۳۸

۲- کافی، ج ۴، ص ۳۳۸

ص: ۹۵

اوقات خود را مشغول‌دار. از سخنان بی‌حاصل و از بازار و کالا-و خرید و فروش در موسم عبادت بپرهیز و چون در این اماکن مقدسه سخن می گویی، ادب آن محضر را نگهدار و حرمت حرم را پاس بدار، و آهسته و آرام و متین سخن بگوی تا مزاحم دیگران نباشی. حتی با دعا خواندنت در طواف و غیره، آرامش را حفظ کن؛ چرا که هرکسی برای خود حالی دارد که آن حالت را نباید از او گرفت.

مراقبت زبان در معاشرت

افزون بر آنچه گفته شد، باید بکوشی در معاشرت با همسفران و مسلمانان دیگر، به نیکوترین وجه سخن بگویی. از خشونت، جسارت، جدال، دروغ، غیبت نیش زبان و سخنان رنجش‌آور و بیهوده و تفرقه‌انگیز برحذر باشی، خاصه در حال احرام و انجام اعمال و مناسک و زیارت که بیشترین توجه و ادب را می‌طلبد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اتَّقِ الْمَفاخَرةَ وَ عَلَيْكَ بورعٍ يَحْجُزُكَ عَنْ مَعاصِى اللَّه عَزّوجَلّ، فَانّ اللَّهَ عَزّوجَلّ يَقُول: ثمّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ مِنَ التفث أن تَتَكَلّم فِى احْرامِكَ بِكَلامٍ قبيح، فاذا دَخَلْتَ فَطفت بِالبَيْتِ تكلّمت بكلام طيب و كان ذلك كفارة لذلك» (۱)؛

«از فخرفروشی بپرهیز و برتو باد به پرهیزکاری که از معصیت خداوند بزرگ تو را باز دارد. چه، خداوند می‌فرماید: آنگاه آلودگی را از خود بزدایید و از جمله آلودگی‌ها این است که در احرام خود سخن زشت بگویی، پس چون داخل مکّه شدی و طواف خانه نمودی و به کلام پاک زبان گشودی، این کفاره آن گناه است».

۱- فقیه، ج ۲، ص ۳۳۳؛ کافی، ج ۴، ص ۵۴۳

ص: ۹۶

کلام‌پـاک وهم‌صـحبتی باپاکـان، دلهـا وجانهـا راپاکیزه می‌سازدو آلودگی‌ها را می‌زدایـد و این پاکی و پاکیزگی گفتار و عمل، به عنوان ارمغان حج باید با زائر همراه باشد، نه اینکه چون از احرام بیرون شود گرمی هوا و خسـتگی راه و عصـبانیت‌های بیجا او را از کوره بـدر کنـد و بند از زبان او برداشـته شود و ناشایستی بر زبان براند! کلامِ پاک علاوه بر آنکه از آداب معاشـرت است در قبولی اعمال و مناسک نیز نقش بسزایی دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«الحَجُّ الْمَبْرُور لیس له‌جزاء الّا الجَنّهٔ، فقیل یا رَسُول اللَّه ما برّالحجّ؟ قال طیب الکلام و اطعام الطعام» (۱)

«حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد. پرسیدند: ای رسول خدا! قبولی حج به چیست؟ فرمود: نیکو سخن گفتن و اطعام کردن».

سخن گفتن با دیگران

توجه به ادب سخن در معاشرت و برخورد با دیگران، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا فرهنگ و تربیت شیعه و جایگاه مکتب و منزلت پیشوایان آنها را در نظر دیگران منعکس می‌کند. در روایات اهلبیت به این امر تأکید شده است.

سلیمان بن مهران گویـد: شـرفیاب محضـر امام صادق علیه السـلام شـدم، جماعتی از شـیعه نیز در خدمت آن بزرگوار بودند. در آن حال شنیدم که امام خطاب به آنان چنین فرمود:

«معاشر الشیعهٔ! کونوا لنا زینا ولا تکونوا علینا شیناً، قولوا

۱- محجهٔ البیضاء، ج ۲، ص ۶۹۱

ص: ۹۷

للناس حسناً واحفظوا السنتکم و کفوها عن الفضول و قبیح القول» (۱)

«ای گروه شیعه! زینت ما باشید و سبب بدنامی ما نشوید، با مردم به نیکی سخن بگویید، زبانهایتان را نگهدارید و از حرف بیهوده و کلام زشت باز دارید»

بسیار می‌شود که یک سخن نابجا و نسنجیده می‌تواند فتنه‌ای به پا کند، کینه‌ای را برانگیزد و بهانه‌ای به دست مخالفان بدهد که به استناد آن، درباره شیعه به ناحق داوری کنند و موجب اهانت به دوستان اهلبیت و بدبینی نسبت به رهبرانشان گردد و این گناهی است غیرقابل گذشت.

عثمان بن عیسی گوید: در محضر ابوالحسن علیه السلام بودم مردی از ایشان توصیه‌ای خواست. حضرت فرمود:

«احْفَظ لِسانک تعز وَلاتمکن الناس من قیادک فتذل» (۲)

«زبانت را نگهدار تا عزیز و سربلند باشی، عنان خود به دست مردم نده و آنها را برخود مسلط نکن که ذلیل و خوار گردی».

از اینگونه روایات، که در آداب سخن و معاشرت بسیار است، می‌توان به نقش زبان و زبان‌دان‌ها در معامله و مباحثه و گفتگو با دیگران پی برد که در آموزش حج نقش بسزایی دارد.

به مورد است، همین‌جا به زبان‌دان‌ها و مترجمان و مبلّغان توصیه شود، که آنان نیز حساب شده و سنجیده سخن بگویند، امانت مکتب و مذهب و انقلاب را نگهدارند و با هرکس هر سخنی را نگویند و بدانند بطور حتم افراد مشکوکی هستند که در صدد تخلیه اطلاعات می‌باشند و به شیوه‌ای

۱- وسائل، ج ۸، ص ۵۳۵

۲- وسائل، ج ۸، ص ۵۳۳

ص: ۹۸

مرموز آنان را به بحث می گیرند و بسا چیزها که شایسته گفتن نیست از زبان آنهان بکشند.

آداب مجلس و اخلاق مجالست

اشاره

مجلس و مجالست را آداب و اخلاقی است که توجه به این آداب و اخلاق، فضای جمع را صمیمیت می‌بخشد. در روایات ما رهنمودهای جالبی است در آداب مجالست و حفظ امانت مجلس، که هریک در تربیت اسلامی نقش سازنده دارد، زائران خانه خدا نیز در طول سفر به این اخلاق و آداب نیازمندند. اینک به پاره‌ای از این موارد می‌نگریم:

مکان نشستن

مجلسی که مؤمنان را در برمی گیرد، صدر و ذیل ندارد. امام صادق علیه السلام در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«کانَ رَسُول‌اللَّه اذا دَخَلَ مَنْزِلًا قَعَدَ فی أدنی الْمَجْلِس حِینَ یَدْخُل» (۱)

«پیامبر خدا هرگاه به منزلی وارد می‌شدند در پایین مجلس، همانجا که داخل می‌شدند می‌نشستند».

و نیز می‌فرماید: «این از تواضع است که شخصی جایی بنشیند که دون شأن و شخصیت اوست»؛

(انّ مِنَ التّواضُع أنْ یَجْلِسَ الرَّجُل دوُنَ شَرَفِهِ) (۲)

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۷۴

۲- همان.

ص: ۹۹

از سخن پیامبر آورده‌اند که: «هرگاه گروهی در مجلسی نشسته‌اند، اگر یکی از آنها برادر دینی خود را دعوت کرد و جایی برای او باز نمود، اجابت کند که این احترامی است که وی را بدان گرامی داشته‌اند و اگر برای او جایی باز نکردند، هر جا را که فراخترین یافت، همانجا بنشیند» (۱).

بنابراین، زائران گرامی در اتاق محل سکونت و یا خیمه‌های عرفات و منا و هر جای دیگر، در اندیشه صدر و ذیل مکان و مجلس نباشند و هرجا مناسب بود بنشینند و حتی دیگران را بر خود مقدّم دارند.

احترام به شخصیت دیگران

این مطلب در معاشرت و آداب مجلس اهمیت فراوان دارد. بدیهی است که هر انسانی خواهان ارج نهادن به شخصیت خود است، اما هنگامی دیگران برای کسی حرمت و شخصیت قائل‌اند که به شخصیت آنها احترام گذارد. کسی که برای دیگران احترام قائل نیست نباید انتظار داشته باشد به او احترام کنند. در روایات نیز به توقیر و تعظیم دوستان و یاران مسلمان توصیه شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید پدرم می‌فرمود:

«عظموا أصحابكم و وقّروهم ولا يتهجم بعض عَلى بَعض ولا تضاروا ولا تحاسدوا و ايّاكم والبخل و كُونُوا عِبادَاللَّه المخلصين» (۲)

«دوستانتان را تعظیم کنید و به آنها احترام بگذارید. به روی یکدیگر چهره درهم نکشید. به یکدیگر زیان نرسانید. حسد نورزید. از بخل

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۷۵

۲- همان، ص ۴۰۶

ص: ۱۰۰

بپرهیزید و از بندگان مخلص خدا باشید.»

رعایت این مطلب در خصوص افراد سالمند و کسانی که اهل فضل و کمال می‌باشند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در خصوص حفظ احترام اهل مجلس، در شیوه نشستن و سخن گفتن، از سیره و سخن معصومین علیهم السلام رهنمودهای سودمندی است.

امام صادق علیه السلام درباره اخلاق و آداب نبی گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز در میان یاران خود پاهایش را دراز نمی‌کرد»؛ (

لم یبسط رسول اللّه صلی الله علیه و آله رِجْلَیْه بین اصحابه) (۱).

و نیز لازمه احترام است که هرگاه کسی سخن می‌گوید حرف او را قطع نکنند و در بین سخن او حرف نزنند که این نوعی بی‌حرمتی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ عَرَضَ لأخِیهِ الْمُسْلِمِ الْمُتَکلّم فی حدیثه فکأنّما خدش وجهه» (۲)

«کسی که میان سخن برادر مسلمان وارد شود و سخن او را قطع کند و خود سخن گفتن آغاز نماید، به آن ماند که چهره او را خراش داده است!»

و نیز توصیه امام صادق علیه السلام است که: «هرگاه سه نفر نشسته‌اند، دو نفر از آنها درِگوشی سخن نگویند که این کار ایذاء و بی‌احترامی به فرد سوم است»؛

(قال الصادق علیه السلام: اذا کان القوم ثلاثهً، فلا یتناجی منهم اثنان دون صاحبهما، فانّ ذلک ما یحزنه و یؤذیه) (۳)

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۷۴

۲- همان، ص ۴۷۲

۳- همان.

ص: ۱۰۱

مزاح و تبسم

شوخی کردن و خندیدن اگر در حد اعتدال باشد و همراه با معصیت و غیبت و استهزا و اسائه ادب نباشد، پسندیده است؛ زیرا خستگی و ملالت را از جسم و روح برطرف می‌کند و دلها را شادمانی می‌بخشد. امام باقر علیه السلام فرمود:

«تبسم کردن مؤمن در چهره برادر دینیِ خود، حسنه است و زدودن خاشاك از او حسنه است و خداوند به چیزی مانند شاد کردن مؤمن بندگی نشده است»؛

(تبسم المؤمن فی وجه أخیه حسنهٔ و صرفه القذی عنه حسنهٔ وَ ما عُبداللَّه بِشَیْءٍ بِمِثْل ادخال السرور علی المؤمن) (۱)

«از سخن امام صادق علیه السلام است: «که خداوند مزاح کردن در جمع را در صورتی که سخن زشت گفته نشود، دوست دارد»؛

(انّ اللَّهَ یُحِبّ المداعبهٔ فی الجماعهٔ بلا رفث) (۲)

«در هر حال، افراط در شوخی یا خنده ناپسند است و بسا موجب عواقب نامطلوبی خواهد بود. این مطلب نیز در روایات مورد توجه قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کَثْرهٔ الضِّحْک تُذْهِب بِماءِ الْوَجْه» (۳)

و

«کَثْرهُ الْمِزاح تُذْهِبُ بِماءِ الوجه» (۴)

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۸۳

۲- همان، ص ۴۷۸

۳- وسائل، ج ۸، ص ۴۸۱

۴- وسائل، ج ۸، ص ۴۸۱

ص: ۱۰۲

«خنده و شوخی زیاد، حیا و حیثیت آدمی را می‌برد.»

در مقام جمع میان این روایات، می‌توان گفت که مؤمن باید خنده‌رو و خوش اخلاق باشد. اگر مطایبه کرد زیاده‌روی نکند، در گناه وارد نشود، ادب مجلس را نگهدارد، اوقات را به افراط در خنده و مزاح نگذراند که موجب بطالت عمر شود. در دل دیگران شادی بیافریند، بویژه در سفر که خوش خلقی و خنده‌رویی مطلوبیت بیشتر دارد.

لازم است تأکید شود که زائران گرامی ایام زودگذر حج را غنیمت شمارند و مجالس خود را به ذکر و مسائل شرعی بیارایند و از گفتن و خندیدن که اوقات را ضایع می‌کند بپرهیزند و از قهقهه با صدای بلند، خصوصاً در مساجد و مجامع برحذر باشند که در روایات نکوهش شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«ضِحْکُ الْمُؤمن تبسّم». (۱)

«خنده مؤمن تبسم است».

و نیز فرمود:

«القَهْقهةُ مِن الشّیطان» (۲)

؛ «قهقهه از شیطان است» از افراط در خنده و مزاح بپرهیزید که آثار نامطلوب دارد:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کَثْرةُ الضِّحْک تمیت القلب» (۳)

؛ «خنده زیاد قلب را می‌میراند.»

«کثرة الضحک تمیث الدین کما تمیث المِلْح فی الماء» (۴)

؛ «خنده بسیار، دین را ذوب می‌کند، آنگونه که نمک در آب

۱- وسائل، ج ۸، ص ۴۷۹

۲- همان، ص ۴۸۱

۳- همان، ص ۴۸۱

۴- همان، ص ۴۸۱

ص: ۱۰۳

حل می‌شود.»

توسعه مجلس

از آداب مجالست، توسعه مجلس برای دیگران است. قرآن بر این امر چنین فرمان می‌دهد:

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا قِیلَ لَکُمْ تَفَسَّحُوا فِی الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا یَفْسَحِ اللَّهُ لَکُمْ وَإِذَا قِیلَ انشُزُوا فَانشُزُوا (۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به شما گفته شود در مجلس توسعه دهید، توسعه دهید و چون گفته شود بپاخیزید برخیزید.»

بنابر این بر اهل مجلس است کسی را که وارد می‌شود، جای دهند و نیز شایسته است در نوع نشستن یا استراحت کردن به گونه‌ای عمل کنند که جا برای دیگران تنگ نشود و از صدرنشینی بپرهیزند. همچنین در روایات توصیه شده که اهل مجلس رعایت فاصله را بکنند و برای نشستن در جای مطلوب، عرصه را بر دیگران تنگ نکنند. از سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است:

«ینبغی لِلجُلَساء أنْ یَکُونَ بَیْنَ کُلّ اثْنَیْنِ مِقْدار عظم الذراع لئلا یشق بعضهم عَلی بعض» (۲)

«شایسته است میان افرادی که در مجلس نشسته‌اند به مقدار یک ذراع (استخوان دست) فاصله باشد تا موجب مشقت و زحمت یکدیگرنشوند.»

۱- مجادله: ۱۱

۲- وسائل، ج ۸، ص ۴۰۵

ص: ۱۰۴

رعایت این امر در موارد گرمی هوا و یا سرایت بیماری بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد.

امانت مجلس

از دستورات مهم در آداب و اخلاق مجالست، امانت مجلس است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ضمن وصایایی به ابی‌ذر فرمود:

«یا اباذر المَجالِسُ بِالأمانهٔ وَ افْشائُک سِرّاخیک خیانهٔ فاجتنب ذلک وَ اجْتنب مَجْلس العثرهٔ» (۱)

«ای اباذر، مجلس‌ها امانت است و افشا کردن امانتِ برادرِ دینی خیانت است. پس بپرهیز از این کار، و از مجلسی که آلوده به لغزش‌هاست اجتناب کن.»

امانت مجلس ایجاب می‌کند آنچه که شخص را در مجالست از همسفران دیده، همچون رازی نگهدارد و جای دیگر نقل نکند که موجب عیب و منقصت دیگران شود.

سعدی گوید:

هزار مرتبه سعدی تو را نصیحت کرد که نقل مجلس ما را به محفلی نبری

تخلف از این توصیه مهمّ اخلاقی، در روایات منافی با جوانمردی و متضاد با دینداری شمرده شده است.

حفص بنِ غیاث گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

۱- وسائل، ج ۸، ص ۶۱۷

ص: ۱۰۵

«لِیْسِ مُنِ الْمُروّة انْ یَحْدُث الّرجل بِما یلقی فی سفره من خیرٍ أو شرٍّ» (۱)

«از مروت و جوانمردی دور است که هرگاه کسی در مسافرت از همسفرِ خود، خوب یا بد دید آن را بازگو کند.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

«أدنی ما یَخْرج بِهِ الرّجُل مِنَ الإیمان أن یواخی الرجل علی دینه فیحصی علیه عثراته و زلاته لیعیّره بِهِ یوماًما» (۲)

«نزدیکترین چیزی که مرد به وسیله آن، از ایمـان خارج می‌شود این است که‌بنام دین باکسـی طرح‌برادری بیفکنـد وآنگاه خطاها و لغزش‌های او را شماره کند تا روزی بدینوسیله وی را مورد نکوهش قرار دهد.»

فقه معیشت در سفر

چنـانکه در مقـدمات سـفر آوردیم، تـأمین هزینه، نگهـداری آن و نـوع خرج کردن و غـذا خوردن است. از آداب سـفر است که در روایات به عنوان «فقه معیشت» از آن نام برده شده و در ذیل مواردی را در این خصوص می‌نگریم:

الف- توشه کافی برگرفتن

در روایات، به برداشتن توشه کافی و خوردنی‌های خوب برای مسافر توصیه شده و آن را نشانه شرافت و جوانمردی دانسته‌اند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

۱- من لایحضر، ج ۲، ص ۱۰۸

۲- همان، ص ۵۹۵

ص: ۱۰۶

می‌فرماید:

«مِنْ شَرَفِ الرّجُل أنْ یطیب زاده اذا خَرَجَ فی سَفَرٍ» (۱)

«از شرافت مرد این است که چون به سفر رود، توشه خوب و پاکیزه بردارد.»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«انّ مِنَ الْمُرُوّةِ فی السّفر کَثْرَةُ الزاد و طیبه و بذله لمن کان معک» (۲)

«از نشانه‌های مروت و جوانمردی در سفر، توشه فراوان و مطبوع برداشتن و بذل و بخشش به همسفران است.»

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «به حقّ آن کس که جدّم را به پیامبری برگزید، خداوند بزرگ بنده را بقدر جوانمردی‌اش کمک و یاری را به اندازه خرج کردن می‌رساند.» (۳) ابن اعثم کوفی در منظومه خود گوید:

مِنْ شَرَفِ الإنسان فی الأسْفار تطیبه الزاد مع الاکثار

ولیدع عند الوضع للخوان مَنْ کانَ حاضراً مِنَ الإخوان (۴)

«از شرافت مرد در سفر این است که توشه مطبوع و فراوان بردارد.»

«و چون آن را بر سفره می‌نهد، برادرانی را که حضور دارند دعوت کند.»

و به این مطلب در سفر حج بیشتر توصیه شده است.

در اوصاف امام چهارم علیه السلام آورده‌اند که به مسؤول تدارکات خود توصیه

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۰

۲- الفقیه، ج ۲، ص ۱۹۲

۳- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۷

۴- سفینهٔ البحار، ماده «سفر».

ص: ۱۰۷

می‌فرمود:

«که هر گاه می‌خواهد لوازم و مایحتاج حج خریداری کند در خریدن خشگی نکند.»

«وَ کانَ یَقُول عَلِیّ‌بن‌الحسین لقهرمانه اذا اراد أن یشتری حوائج الحجّ، اشتر ولاتماکس» (۱)

و نیز در احوالات آن حضرت آمده که هر گاه به قصد حج و عمره عازم مکه می‌شدند، از بهترین خوردنی‌ها چون بادام، شیرینی، قاووت ترش و شیرین همراه می‌بردند. (۲) البته سفر زیارت امام حسین علیه السلام از این مورد مستثنی است (۳).

ب- سخاوتمندی در سفر حج

هرچند در سایر موارد زندگی، از ریخت و پاش و خرج کردن زیاد نهی شده، اما در سفر حج و عمره به خرج کردن زیاد ترغیب شده است؛ بدین معنی که در سفر حج سخاوتمندانه باید خرج کرد و از گدامنشی و خشگی پرهیز نمود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«ما مِنْ نَفَقَةٍ أحَبّ الَی اللَّه عَزّوَجلّ مِنْ نَفَقهٔ قصد و یبغض الإسراف الّا فی الحجّ و العمرهٔ فَرَحِمَ اللَّه مؤمنا اکتسب طیبا وانفق من قصدٍ أو قدم فضلًا» (۴)

«پسندیده‌ترین نوع خرج کردن نزد خداوند، اقتصاد و میانه‌روی است و

۱- مکارم الاخلاق، ص ۳۰۵

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۱۰

۳- همان.

۴- وسائل، ج ۸، ص ۳۰۵

ص: ۱۰۸

خدا از اسرافکاری بیزار است، مگر در حج و عمره، خدا بیامرزد بنده‌ای را که مال حلال و پاکیزه کسب کند و با رعایت اعتدال خرج کند و یا به دیگران بذل نماید.»

دو تذکر مهم:

۱- صرفه‌جویی در مصرف آب: دست و دلبازی در مصرف هنگامی است که به اسراف منجر نگردد و مشکل‌آفرین نباشد؛ مثلا مسأله کمبود آب در سرزمین خشک حجاز همواره یکی از مشکلات موسم بوده و به همین دلیل «سقایت حاج» وظیفه مهم متولیان حج بشمار آمده است. در سالهای اخیر هرچند مشکل آب تا حدود زیادی حل شده، اما ازدحام جمعیت و مصرف بالا جداً مشکل‌آفرین است و عمده آب مکه و مدینه به وسیله اتومبیل تأمین می‌شود و آب شهر هرگز کافی نیست و مصرف بی‌رویه موجب قطع مکرر آب می‌شود. لذا به زائران جداً توصیه می‌شود در مصرف آب کاملًا صرفه‌جویی کنند و در وضو و غسل و شست‌وشوی لباس و غیره وضعیت کم‌آبی را درنظر بگیرند و از هدر دادن آب و بازگذاشتن شیر آب و وسوسه‌کاری بپرهیزند که علاوه بر مسؤولیت شرعی، برای خود و دیگران نیز مشکل به وجود خواهند آورد.

۲- مقصود از خروج کردن زیاد، تنها سوغات سفر خریدن نیست، بلکه زائر باید برای رفاه حال خود و خانواده و همراهانش، در طول سفر هزینه کند و از امساك و خشگی بپرهیزد.

گاهی دیده شده که برخی زائران از پرداخت چند ریال سعودی بابت کرایه اتوبوس یا تاکسی جهت رفاه حال خود و خانواده برای رفت و آمد به حَرَم، بخل می‌ورزند و در آفتاب گرم مکه، چند کیلومتر، مشقّتِ پیاده

ص: ۱۰۹

رفتن را تحمل می‌کننـد اما هنگام خرید تلویزیون و دوربین اسـباب بازی و عروسک! و امثال آن دست و دل بازند و در بازگشت به وطن، پـذیرایی‌های مفصل دارنـد که این یک تناقض آشـکار است! زائر بایـد بداند مهمترین کار او در حج و زیارت، اعمال عبادی اوست و آنچه بابت رفت و آمـد به حرم می‌پردازد، طبق روایات جزئی از هزینه حـج است و بهترین مصارف ارز می‌باشد؛ زیرا سایر هزینه‌هـا را سازمان حـج می‌پردازد. بنابراین از اینکه در طول سـفر صـد ریال بابت کرایه حرم رفتن بپردازد هرگز نبایـد سرسـختی و خسّت نشان دهد. مناسب است روحانیان محترم کاروانها زائران را به این امور بیشتر توجه دهند.

حفظ هزینه سفر

دقت در نگهداری پول و خرجی راه، یکی از آداب معیشت سـفر است؛ چنانکه در روایت از قول امام باقر و امام صادق علیه السـلام آمده است:

«مِنْ فِقْه المُسافِرِ حِفْظِ نَفَقَتِهِ» (۱)

«نگهداری هزینه، از فقه سفر است.»

بـدیهی است امکانات سـفر محـدود است و تهی دست شـدن، بویژه در کشور خارجی، برای خود و همراهان مشـکلاتی را به وجود می‌آورد. از این‌رو در روایات، حفظ هزینه سفر «پشتوانه نیرومند» نامیده شده است.

صفـوان جمـال گویـد: خـدمت امـام صـادق علیـه السـلام عرض کردم: من به همراه خـانواده‌ام عزم حـج دارم، پـول خـود را به کمر می‌بندم، این چه صورت دارد؟ امام در پاسخ فرمود: آری، پدرم می‌فرمود:

«مِنْ قوّهْ المسافر حِفْظ نَفَقَتِهِ». (۲)

به همین دلیل است که بستن کمربند، هر چند دوخته باشد، اگر به

۱- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۰۷

۲- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۲

ص: ۱۱۰

صورت همیان جهت نگهـداری پول و لوازم ضـروری انجام گیرد برای مُحرِم اشـکالی نـدارد؛ چنانکه فقها فتوا داده‌اند. در عین حال بایـد توجه داشت که امروزه کمربنـد هم چنـدان وسـیله مطمئنی نیست و گاه شـده در حال احرام یا رمی جمرات آن را پاره کرده و پول زائر را به سرقت برده‌اند.

لـذا زائر نبایـد بیش از حـدّ نیاز پول همراه ببرد بلکه باید پول خود را در جای مطمئنی بگذارد و یا به مدیر کاروان امانت بسپارد. و اصولا راه بازار را از راه حرم جدا کند. اینها را باید روحانی و مدیر، به زائر تذکر دهند.

همگون بودن معیشت

از آداب معیشت سـفر این است که مسـافر بـا کسانی هم‌خرج و هم‌غـذا شود که در سـطح او باشـند. چه، در غیر این صورت ممکن است برای او و همسـفرانش مشکلاتی در اخلاق معاشرت پدید آید و به عزّت و کرامت او لطمه وارد سازد و صفای جمع به تیرگی گراید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«یکره للرجل أنْ یصحب من یتفضل علیه».

«برای مرد ناپسند است با کسانی همسفر شود که بر او برتری دارند»

و نیز می‌فرماید:

«اصحب مثلک»

؛ «تو با امثال خود همسفر شو.» (۱) ابی بصیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاه می‌شود که شخصی با گروهی مرفّه همسـفر می‌شود در حـالی که توان مـالی او به پـایه آنهـا نمی‌رسـد و آنها توشه و خوراک خود را می‌آورنـد در صورتی که او مانند آن را ندارد تا بر سر سفره بگذارد. حضرت فرمود:

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۰۴

ص: ۱۱۱

«ما احِبُّ أنْ یُذِلّ نَفْسَهُ لِیَخْرُجَ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْله» (۱).

«من دوست ندارم که او خود را خوار کند، او باید با امثال خود همسفر شود»

یکی از ویژگیهای حج در حال حاضر برای ایرانیان، همگون بودن معیشت به شکل طبیعی و سازمان یافته است. مسکن، پذیرایی، خوراک، وسیله نقلیه و سایر تدارکات با یک نظام هماهنگ و برابر برای کلیه زائران فراهم می گردد و تبعیضی در تقسیم امکانات وجود ندارد، همه بر سر یک سفره می‌نشینند و یکنوع غذا می‌خورند و در سایر موارد نیز یکسانند. در حالی که کشورهای دیگر چنین نیستند، و از این بابت نیز زائران ما باید سپاسگزار نعمت‌های الهی و قدردان مسؤولان حج و عوامل خدماتی باشند. البته بسیاری از زائران ما از این امتیازات ویژه آگاهی ندارند و چنین می‌پندارند که همه کشورها دارای چنین برنامه منظمی هستند، لذا لازم است در باب ذکر الطاف و نعمتهای الهی و سپاسگزاری از متصدیان امور جهت تأمین کامل رفاه زائران، این نکات در توجیه‌های اخلاقی و به منظور نعمت‌شناسی، به زائر گفته شود که در تقویت روحیه و شکر و سپاس تأثیر بسزا دارد: وَاذْکُروا نِعْمَهَٔ اللَّهِ عَلَیْکُم (۲)

غذا خوردن گروهی

از آداب و سنن سفر، غذا را گروهی خوردن است، چرا که انس همسفران را افزون می‌سازد و لذت غذا خوردن را بیشتر می کند. لذا در

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۰۳

۲- مائده: ۷

ص: ۱۱۲

روایات به این امر توصیه شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«مِنَ السُّنَّةِ اذا خَرَجَ الْقَوْمِ فی سَفَر أنْ یَخْرُجوا نَفَقَتَهُمْ فَانَّ ذلِک اطْیَب لأنْفُسِهِم وَ احْسَنُ لأخْلاقِهِم» (۱)

«یکی از سنت‌ها این است که هر گاه گروهی به سفر می‌روند، توشه خود را بیاورند (و بر سفره بگزارند) که غذا بهتر بر دلهایشان می‌نشیند و در حسن اخلاقشان نیز تأثیر بیشتری دارد.»

رعایت بهداشت

از وظایف بسیار مهم زائران، رعایت بهداشت در بدن و لباس و خوراک و پاکی و پاکیزگی است که هر یک در جای خود اهمیت ویژه دارد.

اما در باب فقه معیشت دو نکته مورد توجه است:

۱- سعی شود در خوردن غذا و آشامیدن آب، از ظرف و لیوان اختصاصی استفاده گردد نه ظروف و قمقمه‌های مشترک. قبل از غذا دست و دهان و صورت را بشوید و پس از غذا نیز از شست‌وشوی دست و دهان و خلال و مسواک غفلت نکند، که زمینه‌های بیماری در فضای سفر فراوان است.

۲- از پرخوری در همه حال، بویژه در ایام مخصوص حج بپرهیزد که علاوه بر عوارض جسمانی و احتمال بیماری، بر روح و آمادگی روحی زائر تأثیر نامطلوب می‌گذارد. بدن را سنگین می‌کند، کسالت می‌آورد و موجب خواب و بی‌حالی می‌شود و در نتیجه حال دعا و توجه را می‌گیرد و در لحظاتی که زائر باید سبک بال در فضای معنویت پرواز کند، اسیر تن

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۰۲

ص: ۱۱۳

و کسالت و سنگینی بدن می‌شود. بنابراین هر مقدار زائر این اصول را رعایت کند جسم و روح او سالم‌تر می‌ماند و از فرصت‌های معنوی و زودگذر حج بهتر بهره می گیرد.

ص: ۱۱۴

بخش سوم: اخلاق و آداب در حرمین

رفتار با دیگر زائران

اشاره

اجتماع کنندگان در حج، ترکیبی هستند از مسلمانان جهان، با ملیّت‌ها و مذاهب گوناگون که هر چند در اصول و مبادیِ دین، دارای وحدت نظرند، اما در مسائل فرعی و آداب و سنن موارد اختلافی دارند.

موارد اختلاف هر چند از دید جامعه بزرگ اسلامی، مانع وحدت و همدلی امت نیست اما در این میان پاره‌ای فرقه‌های تندرو و متحجّر و خشک و افراطی هستند که می‌کوشند اختلافات فرعی را به عامل تفرقه تبدیل کنند و دستمایه کینه امت نسبت به یکدیگر سازند و پیروان مذاهب اسلامی را در جبهه کاذب مشغول و سرگرم نگهدارند که نتیجه آن چیزی جز غفلت از دشمن اصلی مشترک اسلام و مسلمین (استکبار جهانی) نیست؛ مثلًا زیارت اولیای خدا و توسل به آنها را که یک سنت حسنه اسلامی و مستند به روایات فریقین و سنت نبوی و سیره مسلمین است، دستاویز قرار داده و بدان‌وسیله تا سرحد تکفیر مؤمنان پیش می‌روند که

ص: ۱۱۵

نمونه‌های آن را در نوشته‌ها و خطابه‌ها و تبلیغات انحرافی آنها، حتی در مراسم حج، که مظهر وحدت و توحید است، به صورت گسترده‌ای مشاهده می‌کنیم. اینها دانسته و ندانسته به نام اسلام، به دشمنان اسلام خدمت می‌کنند. امپریالیسم و صهیونیسم را خشنود می‌سازند و گروههای مؤمن و مخلص اسلامی را از جمع مسلمین طرد می‌کنند و با تعصب و تحجّر و تنگ نظری عقاید سخیف و باطل خود را بر دیگران تحمیل می‌نمایند که شرح این ماجرا از توان این نوشتار خارج است.

آنچه در اینجا محور سخن است اینکه: در چنین فضایی، زائران ما، که پیروان ائمه علیهم السلام هستند، از بُعد اخلاقی و آداب معاشرت و عمل به شرایع دین و سنن خاتم المرسلین صلی الله علیه و آله، باید بهترین خط مشی و سلوک را داشته باشند و با مواضع حکیمانه و اصولی و با سعه صدر خود، مصالح جهان اسلام را در نظر بگیرند و درگیر مسائل جزیی نشوند و مجال به تفرقه افکن‌ها ندهند.

خوشبختانه سنت و سیره اهلبیت در اینجا نیز وظیفه را مشخص نموده است و از آنجا که تاریخ اسلام پس از عصر رسالت با شرایطی از این قبیل مواجه بوده، بویژه در روزگار اموی و عباسی که عمال خلافت، بیشترین تلاش را در منزوی ساختن اهلبیت پیامبر علیهم السلام و سرکوب شیعیان آنها داشتند و می‌کوشیدند افکار مسلمانان را با تبلیغات مسموم خود آلوده سازند تا بذر نفاق را به ثمر بنشانند و کینه مسلمانان را بر گروهی مظلوم از اهل ایمان برانگیزند، در این اوضاع و احوال ائمه ما، که وارثان وحی بودند، به پیروان خود توصیه‌های حکیمانه لازم را در چگونگی انجام وظایف و آداب و اخلاق داشته‌اند و روایات این موضوع، فصلی را در کتب حدیث تشکیل می‌دهد.

ص: ۱۱۶

شیعه باید اسوه حسنه باشد

در این روایات، از یکسو به شیعیان توصیه شده که چهره عملیِ صالحی از خود نشان دهند و آنگونه که زیبنده یک فرد مؤمن و پیرو اهلبیت است عمل کنند، آداب حسنه را در معاشرت پیش گیرند که این مسؤولیت شیعه بودن است، از سوی دیگر به نوع موضعگیری در برابر مخالفان در گفتار و کردار مسالمت و مماشات، بدانگونه که مصالح اسلام و عموم مسلمین را در بر گیرد، توصیه شده است.

در بخش اول؛ یعنی مسؤولیت شیعه، روایات بسیاری است که بر تقوا و پاکی و عمل صالح و امانت و صدق و تقیّد تام به آداب و سنن شرع مقدس و واجبات و مستحبات و اخلاق و عادات برگرفته از کتاب و سنت و سیره نبوی و عترت علیهم السلام تأکید دارد که از آن میان به ترجمه روایاتی از امام صادق علیه السلام مبادرت می‌کنیم:

زید شحام گوید: امام صادق علیه السلام بر من چنین فرمود: «سلام مرا به کسانی که فرمانبردار ما هستند و به سخن ما گوش فرا می‌دهند برسان و بگو من شما را به تقوای خداوند عزّوجلّ توصیه می‌کنم. در دین خود پرهیزکار باشید و برای خدا جدّ و جهد کنید و در صدق گفتار و ادای امانت و طول سجود و حسن همجواری بکوشید که این رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. امانت را به کسی که شما را امین بشمارد ادا کنید، خواه نیکوکار باشد یا بد کردار؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حتی به باز گرداندن نخ و سوزن دستور می‌دهد. با اقوام خود صله رحم کنید، به تشییع جنازه‌های مسلمین بروید.

بیمارانشان را عیادت کنید. حقوق آنها را بدهید، چرا که: هر گاه مردی از شما در دین خود اهل ورع و پرهیزکاری بود و سخن راست گفت و ادای امانت کرد و با مردم حسن خلق داشت، گویند او جعفری است و این مرا

ص: ۱۱۷

شادمان می‌کند. و گویند این ادب و تربیت جعفر است. و اگر جز این باشد، بلا و ننگ آن دامن مرا خواهد گرفت و گویند این ادب و تربیت جعفر است! به خدا سوگند پدرم برای من حدیث کرد که هرگاه مردی از شیعیان علی علیه السلام در میان قبیله‌ای به‌سر می‌برد، زینت و زیور آن قبیله بود، از همه آنها بهتر امانت داری می‌کرد و در پرداخت حقوق جدّیت بیشتری داشت و از همه راستگوتر بود. مردم ودایع و وصایای خود را نزد او می‌سپردند و او را ضرب المثل امانت داری و راستگویی می‌دانستند.» (۱) و نیز امام صادق علیه السلام خطاب به شیعیان فرمود:

«علیکم بالصلوة فی المساجد و حسن الجوار للناس و اقامة الشهادة و حضور الجنائز انّه لابدّلکم مِنَ النّاس ان احداً لایستغنی عن الناس حیاته و الناس لابدّ لبعضهم من بعض» (۲)

«بر شما باد خواندن نماز در مسجدها و نیک رفتاری با همسایگان و شهادت دادن به حق و حضور در تشییع جنازه‌ها؛ چرا که شما باید با مردم باشید و هیچیک از مردم در زندگی خود از مردم بی‌نیاز نیست و مردم بناچار باید با یکدیگر باشند.»

در امثال این روایات، که از شماره بیرون است و صفات و علایم شیعه و مسؤولیت آنها را بیان می‌کند، به نماز در اوقات مخصوص آن، حضور در مساجد، تلاوت قرآن، تقوا و صلاح، حسن معاشرت و ادای امانت و سایر اعمال نیک توصیه شده است. با توجه به این روایات که در منابع روایی شیعه فراوان است و با عنایت به این دستورالعمل‌ها، شیعه باید

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۹۸ و ۳۹۹

۲- همان ص ۳۹۹

ص: ۱۱۸

مسؤولیت خود را بشناسد و تنها به داشتن نام شیعه و توسل و گریه بسنده نکند، بلکه باید بکوشد صالح‌ترین چهره عملی اسلام را از خود نشان دهد تا زیبنده عنوان مقدس شیعه باشد؛ زیرا شیعه، یعنی پیرو علی و فرزندانش علیهم السلام اطاعت تام از کتاب خدا و سنت نبوی و سیره آن بزرگواران، و این در واژه «شیعه» نهفته است و بدون پیروی و اطاعت از رسول خدا و اوصیای آن حضرت، کسی شایسته نام مبارک «شیعه» نخواهد شد. چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود: «آیا این کافی است که کسی تنها با اظهار محبت و دوستی ما، دعوی تشیّع داشته باشد؟ به خدا قسم شیعه ما نیست مگر کسی که تقوای الهی و اطاعت او را پیشه کند»

و آنگاه به بیان صفات شیعه پرداخته‌اند که از جمله آنهاست: تواضع، خشوع، بسیار یاد خدا کردن، اقامه نماز، نیکی به پدر و مادر تفقد از همسایگان و نیازمندان، قرض دادن، نوازش یتیمان، راستگویی، تلاوت قرآن و نگهداری زبان، جز از خیر و نیکویی.

«أیکتفی مَنْ انْتَحَل التشیّع أن یقول بحبّنا أهل البیت؟ فواللّه ما شیعتنا الّا من اتقی اللّه و اطاعه ...» (۱)

بنابراین، جدا از هر گونه مصلحت اندیشیِ اجتماعی، نفس شیعه بودن مسؤولیت است. کسی که مدّعی ولایت علی علیه السلام و فرزندان اوست؛ یعنی در حقیقت خود را پیرو واقعی اسلام و امت صدیق محمد صلی الله علیه و آله و عامل به قرآن کریم می‌داند، باید این دعوی را در عمل به اثبات رساند. کسی که در برابر امامان سر تسلیم فرود می‌آورد، در مصائب آنها گریه می کند و بر آنان

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴

ص: ۱۱۹

سلام و صلوات می‌فرستد، به بیوت و قبور آنان احترام می‌گذارد، باید آن بزرگواران را که اسوه حسنه اسلامی بودند، در عمل اطاعت کند و بداند که اگر خلاف این عمل نماید روح پاک امامان را آزرده است، علاوه بر آنکه در نظر مخالفان چهره ناصالح از تشیّع ارائه نموده و این در پیشگاه خداوند نکوهیده است.

در وضعیتی که امپریالیسم و صهیونیسم و دست نشاندگان و فریب خوردگان آنها، کشور و ملت ما را زیر رگبار تهمت و افترا گرفته و قشرهایی از مردم ناآگاه به ناحق درباره ما قضاوت می‌کنند و به استناد آنچه از مخالفان شنیده‌اند، ما را مورد هجوم قرار می‌دهند و گروهی متعصب و متحجّر با چشم عداوت به ما می‌نگرند و تریبون‌ها و قلم‌ها را در نبرد متعصبانه و غیر منصفانه علیه ما بکار گرفته‌اند و ... عملکرد نامناسب یا اعمال غیرعادی ما و بی‌توجهی به وظایف دینی و اخلاقی مناسب، در حج و عمره بدترین آثار را بر جای می‌نهد و مهر تأییدی است بر دعوی کسانی که می‌خواهند از کاهی کوهی بسازند و به بهانه پاره‌ای مسائل جزئیِ مورد اختلاف که به ظواهر شرع مربوط است، تیشه بر اصول و عقاید و مبانی فکری شیعه بزنند.

این همان خطری است که در روایات ما بدان اشاره شده و ائمه معصومین در عصر حاکمیت جهل و جور شیعیان را بدان توجه داده و به اتخاذ خطمشی اصولی و صحیح و اخلاق و آداب حسنه و امانت و صدق، با دیگر مسلمانان فرا خوانده‌اند.

عبداللَّه بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«اوصیکم بتقوی اللَّه و لاتحملوا الناس علی اکتافکم فتذلوا انّ اللَّه عزّوجلّ یقول فی کتابه «قولوا للناس حسناً» ثم قال علیه السلام:

ص: ۱۲۰

عودوا مرضاهم و احضروا جنائزهم و اشهدوا لهم و علیهم و صلّوا معهم فی مساجدهم ...» (۱)

شما را سفارش می‌کنم به تقوای خداوند و اینکه مردم را بر دوش خود مسلط نکنید که خوار و ذلیل شوید، خداوند بزرگ می‌فرماید: «با مردم به نیکی سخن بگویید» سپس فرمود: بیمارانشان را عیادت کنید در تشییع جنازه‌هایشان حاضر شوید، به نفع یا ضرر آنها (آنچه حق است) گواهی دهید با آنها در مسجدهایشان نماز بخوانید ...»

در یکی دیگر از وصایای امام صادق علیه السلام به «کثیر بن عقله» چنین آمده است: «تو را به پرهیزکاری و ترس از خداوند و ورع و بندگی و سجده طولانی و ادای امانت و صدق گفتار و حسن مجاورت توصیه می‌کنم که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به این امور مبعوث گردیده است.

با خویشاوندان صله رحم کنید. بیمارانتان را عیادت نمایید و به جنازه‌هایتان حاضر شوید. زینت ما باشید و موجب سرافکندگی ما نشوید.

مردم را با محبت ما آشنا سازید و موجب بغض و کینه آنها نسبت به ما نگردید. دوستی‌ها را به سوی ما بکشانید و دشمنی‌ها را دفع کنید» (۲) معاویهٔ بن وهب می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: ما در میان خود و جمعیت خودمان و با کسانی که هم عقیده ما (یعنی شیعه) نیستند اما با ما معاشرند، چگونه عمل کنیم؟ امام در پاسخ فرمود: «به امامان خود که مقتدای شما هستند بنگرید و هر کاری آنها می‌کنند همان را بکنید، به خدا آنها بیمارانشان را عیادت می‌کنند، به جنازه‌هایشان حاضر می‌شوند، و بر نفع یا ضرر آنها گواهی می‌دهند و امانت را به آنها

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۹۹-/ ۴۰۰

۲- وسائل، ج ۸، ص ۴۰۰

ص: ۱۲۱

ادا می‌کننـد» (۱) این روایـات خـط مشـی شـیعه را در برابر دیگران روشن می‌سـازد تـا عزّت شـیعه پا بر جا بمانـد و مصـلحت عموم مسـلمانان رعـایت شود و تخلّف از این خـط مشـی را موجب ذلت و خواری و بهـانه دادن به دست مخالفـان می‌دانـد که ائمه علیهم السـلام به آن راضـی نیسـتند و با اینهمه اگر از ناحیه مخالفان در زمان حاکمیت آنها نسبت به شیعه ناروایی رخ دهد، شـیعه باید به حکم تقیه و تا آنجا که مصلحت اسلام است تحمل کند و کظم غیظ نماید و بردباری را پیشه سازد.

امام صادق علیه السلام دراین‌باره می‌فرماید:

«کظـم الغیـظ مـن العـدّو فی دولتهـم تقیـهٔ خرم لمـن أخـذ به و تحرز به من التعرض للبلاـء فی الـدنیا و معانـدهٔ الاعـداء فی دولتهم و مماظتهم فی غیر تقیهٔ ترک أمراللّه عزّوجلّ، فجاملوا الناس یسمن ذلک لکم عندهم و لا تعادوهم فتحملوهم علی رقابکم فتذلوا» (۲)

«فرو خوردن خشم در برابر دشـمنان در دولت آنها، تقیه و دوراندیشـی است برای آنکس که بـدان عمل کند و بدینوسـیله از تعرض بلا در دنیا مصون بمانـد و عناد دشـمنانشان را در دولتشان دفع کنـد و درگیر شـدن با آنها بـدون تقیه مخالفت با امر خداوند بزرگ است. پس با مردم سازش و مـدارا کنید تا شـما را در نظر آنان سـنگین جلوه دهد و با آنان دشـمنی نکنید که موجب شود آنها را بر خودتان مسلط نمایید و خوار و ذلیل گردید.»

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۶۳۶؛ وسائل، ج ۸، ص ۳۹۸-/ ۳۹۹

۲- وسائل، ج ۸، ص ۵۲۶-/ ۵۲۵

ص: ۱۲۲

خط مشی اصولی شیعه

ناگفته نماند که استراتژی شیعه در طول تاریخ با تکیه بر مکتب اهلبیت همکاری نکردن با ظلم و ستم و فساد و تجاوز بوده است و به همین دلیل شیعه مظلوم‌ترین فرقه اسلامی در هر زمان بوده است؛ چرا که دست بیعت به ظالمان و غاصبان نداده و غرامت این آزادگی و ستم ستیزی را در زندان‌های مخوف و بر چوبه‌های دار و با شهادت و اسارت پرداخته است.
و اما آنچه در حسن معاشرت و مماشات با مخالفان رسیده، در حقیقت شیوه و تاکتیک عملی را در فضای مخالف ارائه می‌کند و با مواضع اصولی شیعه منافاتی ندارد.

پاسداری کرامت شیعه

در میان جمع میلیونی زائران مسلمان جهان و در اوضاع و احوال کنونی شیعه باید بیشتر از هر زمان چهره صالحی در معاشرت از خود نشان دهد و اعمال و مناسک را به نیکوترین وجه و نظم و وقار به پایان برد تا آبرویی باشد برای کشور و مذهب و انقلاب اسلامی که امروزه مورد توجه دوستان و هجمه دشمنان قرار دارد.
بی‌توجهی نسبت به آنچه گذشت و آنچه خواهد آمد بهانه‌ای است تا دیگران ضعف‌های ما را هر چند که ناچیز باشد، بزرگ کنند و در دید جهانیان به نمایش بگذارند ... زائران باید توجه داشته باشند که دولت جمهوری اسلامی ایران و سازمان حج و بعثه مقام معظم رهبری بیشترین تلاش را در برگزاری حج و عمره، به شیوه‌ای آبرومند دارند و از هر گونه فداکاری مادی و معنوی در این خصوص دریغ نمی‌ورزند و به اعتراف دیگران، بهترین نوع برگزاری و سرویس دهی و خدماتی در حج و عمره،

ص: ۱۲۳

از آنِ ایرانیـان است و این از بی‌انصـافی است که برخی قـدر این نعمت را نشناسـند و بـا بی‌توجهی به وظایف شـرعی و اخلاقی و یا اظهار عجز و نداری به خاطر چند ریال بی‌ارزش در خرید اجناس و چانه زدن‌های زیاد، کرامت خود و کشور را لکه دار کنند.

آداب و وظایف در حرمین

اشاره

مسجد الحرام و مسجد النبی و حرم اهلبیت علیهم السلام آداب و ادعیه و اذکاری دارد که برخی در مناسک و برخی در کتب آداب و ادعیه حرمین آمـده است و البته اینهـا محور بحث مـا نیست. آنچه در اینجـا مورد نظر مـاست لزوم رعـایت شـأن حرمین شـریفین و احـترام و ادب به هنگـام تشـرف و دخـول و خروج و اسـتفاده صـحیح از لحظه‌هـایی است که برای عبـادت و زیـارت در این امـاکن مقـدس اختصـاص داده می‌شود و خود داری از آنچه منـاسب بـا آن حریم پاک نیست و برای زائر ناپسـند و از نگاه دیگران نقص و عیب است.

کسـی که می‌خواهد در این حریم پاک وارد شود، نه تنها از نظر غسل و وضو و طهارت بدن و لباس باید خود را مهیا سازد، بلکه از پاکی درون و صفای نفس نیز باید برخوردار باشد. بداند به کدام سرزمین گام می‌نهد، با چه کسی سخن می‌گوید. کوچکی خود و عظمت صاحبخانه را متذکر باشد. سنن و آداب تشرف را بداند. ادب حضور را نگهدارد. بی‌محابا و بی‌مقدمه وارد نشود. بر در خانه توقف کنـد. اذن دخول بخوانـد و با هر زبان که می‌تواند اجازه ورود بخواهد و وقار و سـکینه و ادب و تمکین با خود همراه ببرد. با تواضع و تعبد و احترام سخن بگوید و شأن و منزلت میزبان

ص: ۱۲۴

را، که خدا و رسول و امامان هستند، با تمام وجود رعایت کند و از آنچه در شأن این حریم کبریایی نیست و شواغل و عوامل غفلت بپرهیزد. به وسوسه‌های شیطانی که معمولًا در طواف و سعی و نماز و ... اتفاق می‌افتد توجه نکند.

آداب مسجدالحرام

زائر گرامی! سیره نبوی و امامان و اولیای خدا را، در آن هنگام که به مسجد الحرام می‌آمدند، بیاد آور که آن بزرگواران دراین لحظات و در این میعادگاه ایمان و عشق چه حالی داشتند و چگونه با حضرت معبود سخن می‌گفتند. در احوالات حضرت باقر العلوم علیه السلام آورده‌اند که چون وارد مسجد الحرام گردید، صدایش به گریه بلند شد و آنقدر گریست که صدای گریه‌اش در مسجد پیچید و اهل مسجد را تحت تأثیر قرار داد. (۱) طاووس یمانی گوید: شبی بر گرد خانه طواف می‌کردم، حضرت زین العابدین را در حال طواف دیدم، آنگاه که پرده خانه کعبه را گرفته بود و این اشعار را می‌خواند:

یا من یجیب دعا المضطر فی الظلم یا کاشف الضرّ و البلوی مع السقم

قد نام و فدک حول البیت قاطبهٔ و أنت وحدک یا قیوم لم تنم

ادعوک ربّ دعاء قد امرت به فارحم بکائی بحقّ البیت و الحرم

۱- منتهی الامال محدث قمی، ج ۲، ص ۶۷۵

ص: ۱۲۵

ان كان عفوك لايرجوه ذوسرف فمن يجود على العاصين بالنعم (۱)

«ای آنکه دعای بیچارگان را در دل شب به اجابت می‌رسانی. ای کسی که پریشانی و مصیبت و درمندی را درمان می‌کنی.

میهمانان تو در پیرامون خانه‌ات خفته‌اند و تنها تویی ای خداوند قیوم که به خواب نمی‌روی

ای آفریدگار من! تو را می‌خوانم چنانکه فرمان داده‌ای، پس به حقّ خانه و حرم بر گریه‌هایم ترحّم کن اگر به عفو تو گنهکار چشم امید نبندد، پس چه کسی هست که به گنهکاران ببخشاید»

معاویهٔ بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

«هرگاه داخل مسجد شدی، با پای برهنه و با سکینه و وقار و خضوع و خشوع وارد شو.»

راوی گفت: خشوع چیست؟ امام فرمود: «آرامش و وقار و طمأنینه و اینکه با تکبّر وارد نشوی»

(اذا دخلت المسجد الحرام فادخله حافیاً عَلَى السكينهٔ و الوقار و الخشوع. وقال: من دخل بخشوع غفرله ان شاء اللَّه.

قلت و ما الخشوع؟ قال: السكينهٔ، لاتدخله بتكبر)

آنگاه فرمود: چون به مسجد داخل شدی درب مسجد توقف کن و بگو:

«السـلام عليك ايّها النّبى و رحمهٔ اللَّه و بركاته، بسم اللَّه و باللَّه و من اللَّه و ماشاء اللَّه و السلام على انبياء اللَّه و السلام على رسول اللَّه و السلام على ابراهيم و الحمدللَّه رب العالمين»

و هنگامیکه به مسجد درآمدی دستهایت را بلند کن و رو به خانه کعبه بایست و بگو:

۱- مستدرک الوسائل ج ۹ ص ۳۵۳

ص: ۱۲۶

«خدایا! در این مقام و در آغاز مناسک خود از تو می‌خواهم توبه‌ام را بپذیری، ازخطاهایم درگذری و بار سنگین گناه رااز دوشم برداری» (۱)همچنین از سیره مبارکه نبوی آورده‌اند که چون در حجهٔ الوداع وارد مسجد الحرام شد، همینکه چشمش به کعبه افتاد، این دعا را خواند:

«اللّهمّ زد بیتک هذا تشریفاً و تعظیماً و تکریماً و مهابةً»

«بار خدایا! این خانه‌ات را شرافت و عظمت و کرامت و مهابت افزون‌تر ببخش.»

آنگاه دست مبارك بلند كرده و با گفتن تکبیر چنین عرض نیاز کرد:

«اللّهمّ أنت السّلام و مِنک السّلام حیّنا ربّنا بالسلام»

«خداوندا! تویی سلام و از تو سلام. ای پروردگار، ما را به سلام و تحیت خود گرامی‌دار.» (۲) زائر گرامی! احوال این بزرگواران را بیاد آور و مقامی را که در آن قرار داری توجه داشته باش و با تضرّع و زاری دامن دوست بگیر و از او بخواه تا دست تو را بگیرد و بگو:

«المسکین ببابک فتصدّق علیه بالجنهٔ» (۳)

«مستمندی و گرفتاری به درگاهت آمده، پس از بهشت برین، او را صدقه‌ای ده.»

به آب توبه از زمزم وضو کن به چشم دل به صاحبخانه رو کن

مواظب باش اینجا کوی یار است ز شوقش جان و دلها بی‌قرار است

۱- تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۰

۲- وحیدالدین خان، حقیقهٔ الحج، ص ۹۲

۳- کافی، ج ۴، ص ۵۳۳

ص: ۱۲۷

چو پروانه به گرد شمع جانان به گاه طوف بگذر از سر و جان

بخواه از قاضی الحاجات، حاجات برون آور ز دل دست مناجات

وظایف زائر

افزون بر انجام مناسک واجب، که زائر در آغاز ورود به مسجد الحرام انجام می‌دهد، وظایف دیگری نیز دارد که نباید از آنها غفلت ورزد. بر زائر است که در یک مراقبت دائمی، فکر و ذهن و فرصت‌های گرانقدر را در این مکان مقدس به کارهای بیهوده مشغول ندارد و بیشتر اوقاتش را به ذکر و فکر، دعا و نماز و طواف و تلاوت قرآن بگذراند.

در روایت آمده است زائر به عدد ایام سال قمری، که ۳۶۰ روز است، طواف کند و اگر آن مقدار ممکن نبود هر قدر که ممکن است طواف نماید. در برخی روایات توصیه شده ۵۲ طواف کند که هر طواف هفت شوط (۱) است. امام چهارم حضرت زین العابدین علیه السلام درباره خواندن قرآن فرمود: «اگر کسی در مکه ختم قرآن کند نمی‌میرد تاآنکه پیامبر خدا را ببیند و جایگاه خود را در بهشت مشاهده کند»؛

(من ختم القرآن بمکهٔ لم یمت حتّی یری رسول اللَّه صلی الله علیه و آله و یری منزله فی الجنهٔ.) (۲)

آیا دریغ نیست چنین فرصتی از دست برود و حسرت آن باقی بماند؟

یا زائر گرامی باید توجّه داشته باشی، نظر کردن به کعبه عبادت است و

۱- تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۷۱

۲- همان ص ۴۶۸؛ فقیه، ج ۲، ص ۱۴۶؛ کافی، ج ۴، ص ۶۱۲

ص: ۱۲۸

کسی که به خانه کعبه نظر کند پیوسته برای او ثواب و حسنه بنویسند و گناهانش را محو سازند تا هنگامی که چشم از خانه برگرداند»؛

(و رُوِیَ أنّ مَنْ نظر الی الکعبهْ لم یزل یُکتب له حسنهْ و یُمْحی عنه سیّئهْ حتّی یصرف ببصره منها) (۱).

به گفته شاعر عرب:

اذا ما رأته العین زال ظلامها و زال عن القلب الکئیب التألم

چو دیده بنگردش ظلمتش زدوده شود چنانکه رنج و غم از قلب رخت بربندد

بنابراین، تا در مسجد نشسته‌ای دیدگانت را به خانه کعبه و آن مناره‌های نور متوجه گردان که این خود عبادت است:

«النظر الَی الکعبهْ عبادهْ»

تا چشم و دلت فروغ و بها گیرد و پشت بر خانه ننشین و با این و آن حرف نزن و خود را به این‌سو و آن‌سو مشغول‌ندار که فرصت بسیار کم است و عمر سفر کوتاه.

آیا زائر گرامی می‌داند که نماز در مسجد الحرام به فرموده امامان معصوم علیه السلام باصد هزارنماز در جای دیگر برابری می‌کند؟!؛

(عن ابی‌عبداللّٰه عن آبائه علیهم السلام «الصلاهْ فی مسجد الحرام تعدل مأهْ ألف صلاهْ») (۲).

بنابراین، از نماز بسیار غفلت نباید کرد، بخصوص در شبهای نورانی مکه و مسجد الحرام و آیا زائر گرامی می‌داند که نماز در مسجد النبی صلی الله علیه و آله در

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۲

۲- کافی، ج ۴، ص ۵۲۴

ص: ۱۲۹

مدینه طیبه، به روایتی معادل هزار نماز و بنا به برخی روایات ده هزار نماز در جای دیگر است؟! (۱)

؛ قال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله فی حدیث: «الصلاهٔ فی مسجد

المدینهٔ عشرهٔ آلاف» و فی حدیث: «تعدل ألف صلاهٔ») (۲).

و علی علیه السلام می‌فرماید: «نماز در حرمین معادل هزار نماز است»؛

(الصلاهٔ فی الحرمین تعدل ألف صلاهٔ) (۳).

بنابراین، از فضیلت چنین نمازی نبایـد خود را محروم کرد و در ایام کوتاه مـدینه نماز مسـجد النبی را از دست نباید داد. و همچنین زیارت رسول اللَّه صـلی الله علیه و آله و ائمه بقیع و فاطمه زهراء علیهم السـلام و سایر بزرگان که هر انـدازه تکرار شود ثواب و اجر مضاعف دارد. پس، از این فرصت‌ها باید اسـتفاده کامل کرد و نباید اوقات خود را به خوابیدن یا گشت و گزار در بازارها و نشستن در پشت درب مغازه‌ها، با آن وضع زننده، به بطالت گذرانید.

خالی کردن مطاف برای دیگران

از آدابی که بایـد زائر در زمانهای ازدحام رعایت کند، این است که اگر طواف واجب خود را انجام داده و نماز طواف را خوانده و می‌خواهـد طواف مسـتحبی بجا آورد و یـا نمـاز مسـتحبی بخوانـد، با فاصـله بیشتری از کعبه طواف کنـد و نماز را در هر نقطه‌ای از مسـجد که خلوت بود، بجا آورد تا آنانکه طواف واجب دارنـد و ضـعفا و زنان و بیماران بتواننـد بـدون مشـکل اعمال خود را انجام دهند.

۱- می‌توان گفت اختلاف درجه ثواب انسان نمازگزار، به پایه معرفت و توجه او بستگی دارد.

۲- الحج فی الکتاب و السنهٔ، ص ۴۷۸ و ۴۷۹

۳- کافی، ج ۴، ص ۲۴۰

ص: ۱۳۰

روایات نیز به این نکته توجه داده و آن را یکی از مصادیق عدل دانسته‌اند که امام عدل برای تحقّق آن اقدام خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«أوّل ما یظهر من القائم من العدل أن ینادی منادیه أن یسلم صاحب النافلة لصاحب الفریضة الحجر الأسود و الطواف» (۱)

«نخستین مورد از عدل که به ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تحقق می‌پذیرد این است که منادی آن حضرت ندا می‌دهد: آنانکه طواف مستحبی دارند، حجرالاسود و مطاف را برای کسانی که طواف فریضه دارند خالی کنند»

استلام حجر

این مشکل در مورد حجرالأسود بیشتر است. هر چند بوسیدن حجرواستلام آن واجب نیست و مستحب است و هر گاه استلام حجر ممکن نباشد اشاره با دست کفایت می کند، چنانکه در روایت آمده که معاویهٔ بن عمار از حضرت صادق علیه السلام پرسید: مردمی به حج می‌آیند و استلام حجر نمی کنند؟ امام فرمود:

«اگر نتوانند خداوند عذرشان را می‌پذیرد»؛

«فان لَمْ یقدر علیه فاللَّه اولی بالعذر» (۲)

و نیز محمد بن عبید خدمت حضرت رضا علیه السلام عرضه می‌دارد: مردم ازدحام می کنند و برای استلام حجر با یکدیگر می‌جنگند! امام می‌فرماید:

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۴۵

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۱۰۳

ص: ۱۳۱

«هرگاه چنین وضعی بود با دست خود اشاره کن»؛

(اذا کان کذلک فأوّم بیدک) (۱).

از این روایات چنین استفاده می‌شود که بوسیدن و استلام حجر مستحب مؤکد است اما در زمانی که ازدحام اجازه نمی‌دهد، نباید به بوسیدن و استلام اصرار ورزید و به اشاره می‌توان اکتفا کرد.

در زمان ائمه که ازدحام به مراتب کمتر از امروز بود، چنین توصیه می‌فرمودند اما امروز که اجتماع میلونی زائران به حج می‌روند اگر بخواهند همه استلام حجر کنند تصوّر کنید چه مشکلی پیش خواهد آمد! بنابراین، توصیه می‌شود که زائران، بویژه زنان و ضعفا از نزدیک شدن به حجر الأسود خودداری کنند که علاوه بر خطر جانی، مشکل شرعی نیز دارد؛ زیرا اصطکاک بدنهای نامحرم شدید است و نه تنها ثواب حاصل نمی‌شود که گاه مرتکب گناه نیز می‌شود.

بنابراین، همانگونه که پیشوایان دستور داده‌اند، به جای استلام حجر به اشاره با دست اکتفا شود.

حضور جدی در نماز جماعت

زائران ما باید مانند مسلمانان سایر کشورها، در مراسم عبادی، بویژه نماز جماعت حاضر شوند و با اعمال غیرعادی موجب وهن مذهب و تنفر دیگران از مکتب حیات بخش اهل بیت نشوند که این خسرانی عظیم و غیرقابل جبران است و روح امامان از آن برائت دارد و بیزار است. ترک کردن مساجد در اوقات اذان و نماز و خروج از صفوف نماز گزاران و

۱- تهذیب، ج ۵، ص ۱۰۳

ص: ۱۳۲

گردش در بازار و خیابان و یا نشستن پشت در مغازه‌ها یا دربِ هتل‌ها و یا به دوش کشیدن کالا و راهیِ منزل شدن در موقعی که سیل جمعیت به سوی مسجد الحرام و مسجد النبی سرازیر است در هیچ وضعیتی صحیح و زیبنده نیست بویژه در محیطی که اعمال شیعه با حساسیت دنبال می‌شود و ناظران آن را به حساب مکتب تشیع می‌گذارند.

زائران ما در جلسات آموزشی قبل از عزیمت، باید بگونه‌ای تربیت شوند و در سفر نیز توجیه گردند که فیض نماز اول وقت در مسجد الحرام و مسجد النبی را با هیچ چیز دیگر عوض نکنند. نمازی که در مسجد الحرام معادل صد هزار و در مسجد النبی معادل یک هزار نماز در جای دیگر است.

آیا محروم ماندن در چنین فیض عظیمی خسارت نیست؟

تفکیک نماز از زیارت

همچنین به زائران باید توصیه شود که هنگام نماز خود را به زیارت بقیع مشغول نسازند و حتی در پشت دیوارهای بقیع به نماز نایستند که در وضعیت کنونی، چهره بسیار نامطلوبی دارد و امامان مظلوم بقیع هرگز رضا نمی‌دهند که شیعه آنها وقت نماز پشت دیوار بقیع به توسل و زیارت یا نماز بایستد و از نماز مسجد النبی محروم بماند و زبان دیگران را به بدگویی بگشاید.

شیعه مدعی پیروی از امامانی است که حتی اگر در میدان جنگ بودند، نماز اوّل وقت را رها نمی‌ساختند که نمونه آن نماز امیرالمؤمنین علیه السلام در صفین و نماز سیدالشهدا علیه السلام در کربلا است، حال چگونه چنین شیعه‌ای نماز در مسجد مدینه را با آنهمه فضیلت جلو چشم آشنا و بیگانه از دست

ص: ۱۳۳

می‌دهد و خود را به زیارت یا بازار و یا اتلاف وقت، پشت مغازه‌ها مشغول می‌دارد و در گوشه و کنار می‌نشیند تا نماز تمام شود و به پرسه زدن در بازار ادامه دهد و ...؟!

مع الأسف بـا وجود تأکیـدهای مکرر و توصیه گروه‌هـای امر به معروف و نهی از منکر و روحانیـان، در جهت امور دینی همه ساله مواردی از این مناظر ناپسند در حرمین مشاهده می‌شود که راه چاره علمی جدّی می‌طلبد.

نکاتی درباره نماز

به زائران گرامی توصیه می‌شود: هنگـامی که به مسجد مشرف می‌شونـد، آداب مسجد را رعـایت کننـد. لباس سنگین و آبرومند بپوشند.

بـا پیژامه و پیراهن کوتاه وارد نشونـد. آرام سخن بگوینـد. با ادب و وقار وارد شونـد. در میان صفوف نماز گزاران حرکت نکننـد. همینکه تکبیرهٔ الاحرامِ نماز گفته شـد، بی‌درنگ، با رعایت نظمِ صفوف، تکبیر بگوینـد و در همه حال جماعت را همراهی کننـد و چون نماز تمام شد قدری توقف کنند که صفوف خلوت شود و نمازهای نافله دیگران به پایان رسد. سپس محلّ نماز را ترک کنند.

اگر نماز فرادی یا نماز زیارت پس از جماعت می‌خوانند قدری تامل کنند و با فاصله زمانی بخوانند.

از قنوت خوانـدن و تجافی در نمـاز، به دلیل تبعیت از جماعت، خودداری نماینـد. در حال نماز به طور دقیق رو به کعبه باشـند. اگر دعا و زیارت می‌خواننـد آرام و آهسته بخواننـد که مزاحم دیگران نشونـد. بطور خلاصه: کاری کنند که انگشت‌نما نشوند. هر چند مسافر در

ص: ۱۳۴

حرمین (به قول جمعی از فقها و در مسجد الحرام و مسجدالنبی به گفته جمعی دیگر)، میان قصر و اتمام مخیر است اما اتمام نماز در مسجدین شریفین افضل از قصر است؛ چنانکه در روایت آمده،

«اتمام الصلوهٔ افضل» (۱).

و امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«کان رَسُول اللَّه یحبّ اکثار الصلاهٔ فی حرمین فاکثر فیهما و اتم» (۲)

«پیامبر خدا نماز بسیار را در حرمین دوست می‌داشت، پس تو نیز نماز بسیار در این دو مکان مقدس بخوان و نمازت را تمام کن» بویژه آنکه نماز شکسته خواندن، نظم جماعت را بر هم می‌زند و در انظار دیگران زننده است. بنابراین، باید به زائران توجه داد که وظیفه خود را در آن مکان مقدس بدانند و عمل کنند.

تذکراتی درباره مسجد النبی و مسجد الحرام

در اینجا مناسب است، علاوه بر آنچه گفتیم، پاره‌ای تذکّرات مختلف در خصوص مسجد النبی و مسجد الحرام به زائران داده شود. مسائلی که لازم است در این دو مکان و برخی دیگر از اماکن مقدس حرمین، مراعات کنیم و آنها را انجام ندهیم:

* خروج از مسجد هنگام نماز.

* اختلاط مرد و زن به هنگام نماز.

۱- کافی، ج ۴، ص ۵۲۴

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۴۲۵

ص: ۱۳۵

* با یکدیگر حرف زدن در زمان اذان و نماز.

* ناهماهنگی در صفوف.

* سجده‌کردن برمهر، کاغذ، حصیروتسبیح و یا پشت دست و امثال آن.

* رعایت نکردن جهت دقیق قبله.

* پشت به خانه کعبه نشستن در مسجد الحرام.

* پشت به ضریح نماز خواندن در مسجد النبی.

* دست تکان دادن هنگام سلام و تکبیرهای آخر نماز.

* عبور کردن از جلو نماز گزاران.

* دراز کردن پا به هنگام قرائت قرآن و دعا.

* نهادن قرآن بر زمین.

* خارج کردن قرآن‌های وقفی از مساجد.

* شکسته خواندن نماز در جماعت، به نحوی که نظم نماز را بر هم بزند.

* با صدای بلند صلوات فرستان.

* با صدای بلند زیارت خواندن.

* با یکدیگر بلند سخن گفتن و خندیدن.

* خوابیدن در مسجد و سر روی پای یکدیگر گذاشتن.

* عکس برداری و فیلم برداری.

* نوشتن یادگاری روی دیوارها.

* بردن اشیای حجیم به مسجد.

* سیگار کشیدن.

* شیون کردن و گریه‌های غیر معمول داشتن.

* لباس نامناسب پوشیدن.

ص: ۱۳۶

* با پیژامه وارد مسجد شدن.

* مشاجره با مأموران حرم.

* نزاع و مجادله کردن.

* با پای کثیف و جوراب بدبو وارد مسجد شدن.

* نماز فرادی در حال جماعت.

* زنجیر کردن دست‌ها هنگام طواف و حلقه زدن در پشت مقام جهت نماز طواف که مخلّ به نماز و طواف دیگران است.

اگر کسانی دعاهای طواف را دسته جمعی می‌خوانند، صدا را آنقدر بلند نکنند که مزاحم دیگران شوند و پشت مقام را برای کسانی که نماز طواف واجب دارند خلوت کنند و ...

تذکراتی در بقیع

به زائران امامان مدفون در بقیع توصیه می‌شود، با توجه به وضعیت ویژه مدینه و حساسیت‌های موجود هنگام زیارت قبور امامان و سایر قبور، موارد ذیل را مورد توجه قرار دهند:

* هنگام دعا و زیارت رو به قبله بنشینند.

* نماز زیارت را در حرم نبوی (مسجد النبی صلی الله علیه و آله) بخوانند.

از مواردی که در زیر می‌آوریم بپرهیزند:

* نماز خواندن در قبرستان.

* برداشتن خاک و سنگ از قبرستان.

* انداختن عریضه بر قبور.

* بستن نخ یا پارچه بر پنجره‌ها (دخیل بستن).

ص: ۱۳۷

* انداختن پول به داخل بقیع یا بر قبور.

* عکس گرفتن و فیلم برداشتن.

* بوسیدن درها و دیوارها.

* سیگار کشیدن.

* خوابیدن پشت بقیع.

* سدّ معبر کردن در مدخل بقیع.

* گریه‌های غیر عادی و بلند و سر و صدا هنگام زیارت.

* استفاده از بلندگو.

* اختلاط زن و مرد هنگام دعا و زیارت.

* انداختن پوست میوه بر زمین.

* پول جمع کردن پس از زیارت و دعا.

* نماز زیارت خواندن پشت دیوار بقیع.

* پشت به حرم پیامبر نشستن هنگام زیارت ائمه بقیع.

موارد فوق را در سایر اماکن مقدسه حرمین مانند قبر حضرت حمزه و مساجد دیگر مدینه و مکه باید مورد توجه قرار داد.

در بازار و خیابان

مواردی را نیز درباره بازار و خیابان، متذکر می‌شویم که لازم است برادران و خواهران زائر حج و عمره از آنها بپرهیزند:

* خرید هنگام نماز.

* تجمع جلو مغازه‌ها وقت نماز.

* خریدن اجناس ممنوعه.

* هیاهو و هیجان زدگی هنگام خرید و هنگام سوار شدن بر اتومبیل‌ها.

ص: ۱۳۸

* فروش پسته و زعفران و انگشتر و تسبیح و غیره توسط زائران.

* چانه زدن زیاد و اظهار فقر هنگام خرید.

* قسم دروغ خوردن و دروغ گفتن.

* بی‌ادبی و مجادله با کسبه.

* پوشیدن پیژامه در بازار و خیابان.

* دست در دست هم نهادن شوهران و همسرانشان.

* تنها بیرون رفتن خانم‌ها.

* استفاده از چادرهای رنگی یا نازك و لباسهای نامناسب و بدحجابی.

* توقّف خانم‌ها در محل‌های نامناسب.

* خرید کردن خانم‌ها به تنهایی و چانه زدن با کسبه و شوخی و خنده با بیگانه.

* انداختن آب دهان در اطراف اماکن مقدسه.

* سیگار کشیدن در اطراف حرم نبوی و مسجد الحرام.

* بی‌توجهی به مقررات رانندگی و عبور از چراغ قرمز برای رانندگان ...

تذکر دیگر آنکه:

صبح‌های جمعه در حرمین، معمولًا امام جماعت سوره سجده می‌خواند مأمومین با شنیدن آیه سجده همراه با امام سجده می‌کنند. در اینجا باید تبعیت کرد و اشکالی به نماز وارد نمی‌شود. نماز جماعت مسجد الحرام به صورت دائره اقامه می‌شود که بهتر است زائران در جهتی بایستند و جماعت بخوانند که پشت سر امام باشند و دقت کنند در نقطه‌ای قرار گیرند که مقدم بر امام نباشند.

ص: ۱۳۹

عمره مفرده

یکی از مستحبات، عمره مفرده است و تکرار آن به

«قصد رجاء»

محدودیت زمانی ندارد، عمره مفرده را می‌توان به قصد نیابت معصومین علیهم السلام و مؤمنین حتّی برای چندین نفر، نیابت کرد. اما از این نکته نباید غفلت ورزید که هر چند عمره مفرده در اصل مستحب است ولی هر گاه کسی برای عمره محرم شد، اتمام آن به وجهِ صحیح مانند مناسک عمره و حج تمتع واجب است وگرنه تبعات و آثار آن بدون کم و کاست باقی می‌ماند.

بنابراین، زائران را در صورتی می‌توانیم به عمره مفرده تشویق کنیم که از صحّت اعمال و نمازشان کاملا مطمئن باشیم، در غیر این صورت بهتر آن است که زائر بجای عمره‌های مکرر، طواف مستحبی کند که مشکلی ندارد و نماز طواف را در هر نقطه‌ای از مسجد الحرام بخواند کافی است و لازم نیست پشت مقام باشد و مزاحم نماز واجب دیگران شود. مخصوصاً به بانوان توصیه می‌شود که نماز طواف خود را در مواقع ازدحام جمعیت، با فاصله بیشتری از مقام و پشت سر مردان بخوانند تا حضورِ قلب بیشتری داشته باشند و مورد اذّیت دیگران یا اهانت مأموران قرار نگیرند.

بی‌توجهی به این تذکرات، چنانکه می‌بینیم، چهره نامطلوبی از ایرانیان نشان می‌دهد که عملًا در برخورد دیگر زائران و مأموران و شرطه حرم مشاهده می‌کنیم.

رعایت مقررات

در این سفر، چه از ناحیه کشور ما و چه از سوی کشور عربستان مقرّراتی وجود دارد که رعایت آنها وظیفه زائر است و برخی بی‌توجهی‌ها

ص: ۱۴۰

در این خصوص، مشکلاتی را ببار می‌آورد؛ مثلًا:

حاضر نشدن به موقع، جهت پرواز یا سوار شدن به اتومبیل. همراه نداشتن مدارک. تأخیر جهت صرف غذا. خرید اجناس سنگین که هواپیمایی غیرمجاز اعلام کرده است. اضافه بار و نداشتن ارز جهت پرداخت آن در فرودگاه جده، بویژه در عمره. زیارت رفتن در لحظه‌های حرکت که موجب ناراحتی دیگران می‌شود. پنهان کردن حمل برای زنان باردار که در سفر مشکلات زیادی ببار می‌آورد. و همراه آوردن چیزهایی که قبلًا آوردن آن ممنوع اعلام شده است.

موارد بالاـ و مانند آن مواردی است به زائر تذکر داده می‌شود و او ملزم به رعایت آنها است. چه، در غیر این صورت کار سفر با مشکل مواجه می‌شود و بسا به اعمال لطمه می‌زند.

ص: ۱۴۱

بخش چهارم: اغتنام فرصت، توديع، ره آورد سفر

اغتنام فرصتهای معنوی حج

برای بیشتر حج‌گزاران توفیق تشرف، به مکه و مدینه، تنها یک بار اتفاق می‌افتد، اما چنانکه خصلت طبیعی آدمی است که هر گاه نعمتی را در اختیار دارد با توهّم اینکه همیشه آن نعمت باقی است، قدردان آن نیست و در صدد بهره‌گیری از آن برنمی‌آید و این نیز از توطئه‌های ابلیس است تا انسان را از برکات عظیم حج محروم سازد و با هر افسون و نیرنگی که شده رنج او را بی‌حاصل کند. لذا زائر باید بهوش باشد و شیطان را طرد کند و به اشتغالات مادی مجال ندهد که قلب او را تسخیر کند. زائر گرامی باید توجه کند که عرفات با آنهمه عظمت و فضیلت، فقط یک روز است و مشعر یک شب و منا سه روز و دو شب و مکه یک یا دو هفته و مدینه کمتر از ده روز و این مواقف میعادگاه اولیاء اللَّه است که حاجیان برای درک آن، آه حسرت می‌کشیدند و دولتی است مستعجل که به سرعت سپری می‌شود و شاید دیگر تکرار نگردد. کدامین غبن و خسارت بالاتر از این که

ص: ۱۴۲

انسان دست خالی از آن مشاهد شریفه و مواقف کریمه مراجعت کند، همانند تشنه‌ای که از لب دریا خشک لب برگردد!

به منظور اغتنام فرصت و بهره‌وری از معنویت حج، که اساس انسان سازی است، نخست باید وارستگی از تعلّقات مادی را تمرین کرد. تذکّر خاطره حضرت ابراهیم و اسماعیل و هاجر که در حج نماد وارستگی هستند، در اینجا بسیار سودمند است و تشریح داستان قربانی اسماعیل و قربانگاه منا درسی است برای حاجیان تا بدانند آن کس که آهنگ دیار یار دارد، باید از اغیار دل برکند. در این داستان هر چند حکمت خداوندی ایجاب کرد، اسماعیل قربان نشود و بماند تا نسلی موحّد از دودمان او پدید آید و شجره پاک رسالت از آن نسل بروید و به ثمر نشیند، اما ابراهیم و اسماعیل در این آزمایشِ بزرگ پیروز شدند. آنها بی‌درنگ سر تسلیم فرود آوردند و خود را برای آن فداکاری آماده ساختند و بدینسان مقصودِ اصلی تحقق یافت. چه، مقصد اصلی، که در علم حق گذشته بود، ذبح اسماعیل نبود بلکه ذبح محبت فرزند و دل از تعلّق غیرخدا تهی کردن بود که این به تمام معنی تحقق یافت و ابراهیم با افکندن فرزند بر خاک منا و نهادن کارد بر گلوی او، تعلّق فرزند را که عمیق‌ترین تعلّقات بود و به طریق اولی سایر علائق را نیز در مسلخ عشق قربان کرد. «همینکه تسلیم شدند و او را با پیشانی بر زمین افکند، وی را ندا دادیم: هان ای ابراهیم! آن رؤیا را تصدیق کردی، آری نیکو کاران را اینچنین پاداش دهیم»؛

(فلما اسلما و تله للجبین و نادیناه أن یا ابراهیم قد صدّقت الرؤیا انّا کذلک نجزی المحسنین)؛ (۱)

۱- الصافات: ۱۰۳-/ ۱۰۶

ص: ۱۴۳

این داستان بلندای قلّه فداکاری را به نمایش می‌گذارد. پدر پیری را نشان می‌دهد که در واپسین روزهای زندگی خود، فرزند جوانش را در زیر آفتاب سوزان منا آن سرزمین خاموش اما پر غوغا، روی خاک‌های داغ افکنده، تا میان سر و بدنش جدایی بیفکند. نه پدر را تردیدی است و نه فرزند را امتناعی. هر دو تسلیم محض‌اند، اما تنها این کارد است که نمی‌برد؛ چرا که خلیل فرمانش می‌دهد و جلیل نهیش می‌کند و قربانی به تأخیر می‌افتد و ابراهیم خشمگین کارد را به سویی می‌افکند تا خدایش اطمینان می‌دهد که دیگر بس است، شما کار خود را کردید ما نیز پذیرفتیم و اینک قربانی دیگر به فدیه اسماعیل می‌رسد و کار خاتمه پیدا می‌کند و سنت قربانی جاودانه می‌شود و نام ذبیح بر اسماعیل می‌ماند؛ چرا که در حقیقت او ذبیح است، ذبیحی که با اراده خود پذیرای قربان شدن گردید.

زائر گرامی! تو که رهپوی ابراهیم خلیل هستی، تأمل کن که رهروان قبله عشق در سرزمین آرزوها (منا) چگونه عمل کردند و همچنانکه در اعمال و مناسک به آنها تأسی جسته‌ای، در این کار نیز پیروی کن، آنچه را جز خداست از دل بیرون بریز. محبت‌های مجازی را قربان کن. محشر را بیاد آور که مال و اولاد سودی ندارد و تنها قلب سلیم از تو می‌خواهند و بس

؛ «یوم لاینفع مالٌ و لابنون الّا مَن أتی اللَّه بِقلبٍ سلیم» (۱)

قلبی که بی‌غل و غش باشد، آلوده به شرک و هواً نباشد، بل معمور به ایمان و محبت حقیقی و آکنده از مهر خدایی باشد. تلاش کن با چنین قلبی آهنگ کوی دوست کنی و چون ابراهیم در جلب رضای محبوب، سر از پا نشناسی، فانی فی‌اللَّه شوی تا باقی باللَّه گردی که سفر حج سفر از خود به

۱- شعراء: ۸۸ و ۸۹

ص: ۱۴۴

خدا و از اغیار به سوی یار است. اگر توانستی چنین حالتی را در خود پدید آوری سراپا نور می‌شوی به گفته حافظ:

دست از مس وجود چو مردان ره شوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

از پای تا سرت، همه نور خدا شود در راه ذوالجلال چو بی‌پا و سر شوی

گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد باللَّه کز آفتاب فلک خوبتر شوی

و اینجاست که می‌توانی از سفر به سوی حق بهره‌گیری و با توشه‌ای وافر به میان خلق باز گردی؛ چرا که «حج سفر از خلق به حق و از حق به خلق، همراه با حق» است.

در چنین وضعی، دیگر از رذیلت‌های اخلاقی اثری نمی‌ماند و همه فضیلت می‌شود و غرض نهایی حج که رنگ خدایی گرفتن است تحقق می‌پذیرد.

بنابراین، بر آموزش دهندگان است که عرفان حج و سیر و سلوک الی‌اللَّه را که اصل اساسی این عبادت است، برای زائران بیان کنند و همراه احکام و مناسک، معارف حج را نیز آموزش دهند تا قلب‌ها را، و نه تنها قالب‌ها را، به حق متوجه سازند و در یک مراقبت دائمی، بر این مطلب تأکید ورزند تا زائر خانه خدا خالی نرود و خالی برگردد و از عرفان و معنویت و فضیلت‌ها پر شده باشد.

در چنین صورتی است که زائر فرصت‌های گرانقدر را در حرمین شریفین به کارهای بیهوده مادی مشغول نمی‌دارد و عمده اوقاتش را به

ص: ۱۴۵

ذکر و فکر و نماز و دعا و قرآن و زیارت و عبادت سپری می کند و از آداب حرمین غفلت نمی‌ورزد.

تمرین عطوفت و رأفت

اشاره

چنانکه در مباحث اجتماعی حج تبیین شده، تحکیم روابط مسلمانان و پرورش روح نوع دوستی و چاره اندیشی دردها و مشکلات جهان اسلام یکی از اهداف محوری حج است.

حج اگر آنگونه که شایسته است تحقق پذیرد، علاوه بر آنکه روح را در فضای معنویت و تکامل اخلاقی و عرفانی سیر و سلوک می‌دهد، روحیه انساندوستی را عمق می‌بخشد و در روابط عاطفی میان مسلمانان و پرورش رأفت و رحمت اسلامی و مواسات و ایثار، نقش مؤثر ایفا می کند.

و اگر حج گزار با چنین ارمغان معنوی باز گردد، آثار آن در همه جوانب حیات وی متبلور خواهد بود. با توجه به این نکته حساس اجتماعی است که در روایات اهلبیت علیهم السلام اعمال خیر و قضای حوائج مؤمنان و محرومان، با حج و عمره در کفه سنجش نهاده می‌شود تا اهل ایمان، بویژه حج گزاران توجه کنند که ثواب و پاداش را تنها در حج و عمره نجویند بلکه باید به فکر اعمال صالحی نیز باشند که پاداش آن کمتر از حج و عمره نیست و بلکه گاه پاداش مضاعفی برای آنها دارد و آن تلاش در جهت رفع گرفتاری مؤمنان و درمان دردمندان و خدمت به نیازمندان جامعه است. به مثل معروف گاه می‌شود که حج در کنار خانه انسان است و او توفیق درک آن را ندارد.

ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «اگر من یک حج

ص: ۱۴۶

بجا آورم بیشتر دوست دارم تا بنـده‌ای آزاد کنم و تا ده بنده بر شـمرد و همچنان بر آن افزود تا به هفتاد بنده رسـید سپس فرمود: و اگر خاندانی را از مسلمانان سرپرستی نمایم، گرسنگانشان را سیر کنم، برهنگانشان را بپوشانم و آنان را از اظهار نیازمندی بین مردم بی‌نیاز سازم، نزد من پسـندیده‌تر است تا اینکه بطور مکرر حـج‌گزارم و تا ده حج و سـپس تا هفتاد حج برشـمرد. (۱) مشمعل اسدی گوید: سالی به حج مشرف شدم، پس از بازگشت، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، امام از ثواب حج برای من سخن گفت و پاداشـی که خداوند در دنیا و آخرت برای حج‌گزار قرار داده است. سپس فرمود: «آیا خبر دهم تو را به چیزی که ثواب آن بیشتر از اینهاست؟ عرض کردم: بفرمایید. فرمود:

«بر آوردن حاجت مؤمن از حج‌های مکرّر برتر و افضل است و تا ده حج را برشمرد.»

«لقضاء حاجة امرءٍ مؤمن، أفضل مِنْ حَجّةٍ وَ حَجَّةٍ و حَجّةٍ حتی عَدَّ عشر حججٍ» (۲)

و در روایت دیگر از آن حضرت است:

«قضاء حاجة المؤمن أفضل مِن طَوافٍ وَ طَوافٍ وَ طَوافٍ حتّی عدّ عشراً» (۳)

این روایات که نظیر بسیار دارد، برای اهمیت پاداش خدمات انسانی، کافی است. اینها هشدار به کسانی است که همه ساله برای حج و عمره مبالغی هزینه می‌کنند اما اگر امر خیر و خدمت انسانی پیش آید، تعلل و

۱- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۵

۲- بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳

۳- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۴

ص: ۱۴۷

بخل می‌ورزنـد و شانه از زیر بار مسؤولیت خالی می‌کننـد، در حالی که اگر کسـی در پی جلب رضای خـدا و ثواب آخرت باشـد، بایـد بدانـد که ثواب را فقـط به حـج و عمره نمی‌دهنـد که گـاهی از روی دلخواه و تمایل نفسانی انجام می‌گیرد و اگر چنین زائری راست می‌گوید چرا یکسال هزینه سفر خود را به مصرف یتیمان و مستضعفان و دردمندان نمی‌رساند و سیر و سفر را چون با خواسته دل او موافق است بر آنهـا ترجیـح می‌دهـد؟ و گـاه در یـک سـال بارها به سـفرهای زیارتی و سـیاحتی می‌رود و برای دیـد و بازدید سفرهایش ریخت و پاش می‌کند اما اگر یک خانواده آبرومندی را ببیند که برای اجاره خانه یا ازدواج پسر و دخترشان در سختی و عسرت باشد اینجا دست کرمش گشوده نیست!

این است که در برخی اعمـال، که صـورت شـرعی دارد، بایـد تردیـد کرد و به خداونـد دروغ نگفت، که او بر زوایـای دل انسـان‌ها آگاهی دارد. در اینجا مناسب است به ذکر داستانی بپردازیم و سخن را به پایان بریم.

یک داستان آموزنده

«شخصـی بنام عبـدالجبار مسـتوفی حج می‌رفت. او هزار دینار زر همراه داشت، روزی از کوچه‌ای در کوفه می‌گذشت به طور اتفاق به خرابه‌ای رسید، زنی را دید که در آنجا چیزی را جستجو می‌کرد و بدنبال متاعی بود، ناگاه در گوشه‌ای مرغ مرده‌ای دید و آن را زیر چادر گرفت و از آن خرابه دور شـد. عبـدالجبار با خود گفت: این زن احتیاج دارد و فقیر است، باید ببینم وضع او چگونه است. بدنبال او رفت تا اینکه زن داخل خانه‌ای شد.

کودکانش پیش او جمع شدنـد و گفتند: ای مادر! برای ما چه آورده‌ای که از گرسـنگی هلاک شدیم؟ زن گفت: مرغی آورده‌ام تا برای شما بریان کنم!

ص: ۱۴۸

عبدالجبار چون این را شنید گریست و از همسایگان آن زن احوالش را پرسید. گفتند زن عبداللّه بن زید علوی است. شوهرش را حَجّاج کشته و کودکانش را یتیم کرده است. مروت خاندان رسالت، وی را نمی‌گذارد که از کسی چیزی طلب کند. عبدالجبار با خود گفت: اگر حج خواهی کرد، حجّ تو این است. آن هزار دینار را از میان باز کرد و به آن خانه رفت و کیسه زر را به آن زن داد و برگشت و خودش در آن سال در کوفه ماند و به سقایی مشغول شد. چون حاجیان مراجعت کردند و به کوفه نزدیک شدند مردمان به استقبال آنها رفتند، عبدالجبار نیز رفت. چون نزدیک قافله رسید، شتر سواری، جلو آمد و بر وی سلام کرد و گفت: ای عبدالجبار! از آن روز که در عرفات ده هزار دینار به من سپردی تو را می‌جویم، زر خود را بستان، و ده هزار دینار به وی داد و ناپدید شد. آوازی برآمد که ای عبدالجبار! هزار دینار در راه مابذل کردی ده هزار دینار فرستادیم و فرشته‌ای را به صورت تو خلق کردیم تا از برایت هر ساله حج‌گزارد تا زنده باشی که برای بندگانم معلوم شود که رنج هیچ نیکوکاری به درگاه ما ضایع نیست» (۱) غرض از نگارش این سطور پایین آوردن منزلت حج نیست. چه، در روایت آمده است که اگر کسی هم وزن کوه ابوقبیس طلا داشته باشد و در راه خدا انفاق کند جای حج را نخواهد گرفت، همچنین در تکرار حج سفارشات مؤکّدی است و خانه خدا نباید خالی بماند و شعار بلند آوازه حج باید جاودانه باشد، هدف یادآوری این نکته مهم است که یک بعدی نباید نگریست و راه افراط و تفریط نباید پیمود که حج جایی دارد و

۱- رحیم کارگر، داستان‌ها و حکایتهای حج، ص ۳۹ و ۴۰، از کتاب مصابیح القلوب و چند منبع دیگر.

ص: ۱۴۹

خدمت به بندگان نیازمند خدا جایی و هر یک نباید دیگری را نفی کند و از هیچکدام نباید غفلت ورزید.

دعا و نیابت برای دیگران

در همین راستا و پیوند عاطفی با دیگر مسلمانان، بر زائر است همانگونه که در روایت تأکید شده، دعاهای خود را تعمیم دهد و مؤمنان را دعا کند و در اعمال مستحبی چون طواف، عمره مفرده و حج مستحبی، برای دیگران نیابت کند. چه این کار نه تنها از ثواب عمل وی نمی‌کاهد بلکه سبب آن می‌شود که عملش مقبول و دعایش مستجاب گردد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر هزار نفر را در حج خود شریک سازی برای هر یک از آنها یک حج خواهد بود، بدون آنکه از حج تو چیزی کسر شود»؛

«لواشرکت ألفاً فی حجّتک لکان لکلّ واحدٍ حجةً مِنْ غَیْر أنْ تنقص حجتک شیئاً» (۱)

علی‌بن ابراهیم از پدرش (ابراهیم بن هاشم) نقل می‌کند که عبداللّه جندب را در موقف (عرفات) دیدم، حالتی بهتر از حالت او ندیده بودم.

دست‌ها به آسمان برداشته یکسره اشک بر چهره‌اش جاری بود و بر زمین می‌ریخت. همینکه مردم متفرق شدند گفتم: ای ابامحمد! موقفی بهتر از موقف تو هرگز ندیده بودم.

در پاسخ گفت: به خدا جز برای برادرانم دعا نکردم؛ زیرا حضرت موسی بن جعفر علیه السلام مرا خبر داد که اگر کسی پشت سر برادرش دعا کند وی را از جانب عرش ندا دهند که:

۱- کافی، ج ۴، ص ۳۱۶

ص: ۱۵۰

«صد هزار برابر آنچه خواستی برای تو باد»؛

(ولک مأهٔ ألف ضعف مثله)

و من دوست نداشتم که صد هزار تضمین شده را رها کنم و به دعا برای خود بپردازم که نمی‌دانم آیا به اجابت می‌رسد یا نه؟! آری در دعا نیز مردم مقدم‌اند.

بنـابراین حـج‌گزار بایـد از حصـار فردیت خـارج شود و به دریـای انسان‌هـا بپیونـدد تا خود نیز در این دریا از فیض ربوبی برخوردار گردد.

وداع با حرمین

اشاره

برای زائر خانه خدا، از آن هنگام که آهنگ بازگشت به وطن دارد تا رسیدن به خانه، آدابی است؛ از جمله:

تودیع با حرمین:

مسـتحب است که زائر برای آخرین بـار طواف وداع کنـد و از خـانه خـدا بیرون آیـد و نیز با زیارت وداع حرم نبوی و جنـهٔ البقیع را ترک گویـد و همانگونه که در ادعیه و زیارات آمـده، از خداونـد بخواهد که آن را آخرین زیارت او قرار ندهد؛ چرا که تعلّق قلب به خدا و رسول و ائمه هدی علیهم السلام و اماکن مقدسه و مشاهد مشرفه از لوازم ایمان و محبت است

(مَنْ أحبّ شیئاً احَبّ آثاره)

و هم عامل هدایت و تربیت، و این تعلّق و وابستگی باید جاودانه باشد.

وداع با کعبه معظمه

معاویهٔ بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه

ص: ۱۵۱

خواستی از مکه خارج شوی، با خانه خدا وداع کن و هفت شوط طواف بنما و اگر توانستی حجرالأسود و رکن یمانی را در هر شوط استلام کن و اگر نتوانی از حجر آغاز و بدانجا ختم می‌کنی و اگر نتوانستی طواف کنی رخصت داری. آنگاه به مستجار برو و همان کار کن که روز ورود نمودی.

سپس از خداوند برای خود طلب خیر کن و پس از استلام حجر شکم را بر خانه کعبه بچسبان و حمد و ثنای الهی بگو و بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرست و بگو:

«... أللّهمّ لاتَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَیْتِک»

؛ «خدایا! این را آخرین دیدار من با خانه‌ات قرار نده.»

بعد از آن، به زمزم برو و آب بنوش و بیرون بیا و بگو:

«آئبون تائبون عابدون، لربّنا حامدون الی ربّنا راغبون راجعون»

«بازگشت کنندگانیم و توجه کنندگان و پرستندگان و ستایشگران اوییم به خداوندگارمان راغبیم و به سوی او رجوع کنندگانیم.»

معاویهٔبن عمار می‌گوید: امام صادق علیه السلام بدینگونه با کعبه وداع کرد و چون خواست از مسجد الحرام خارج شود، درِ مسجد خود را بر زمین افکند و سجده طولانی نمود و آنگاه برخاست و خارج شد. (۱) و نیز از سخنان آن حضرت است که چون وداع خانه کنی، دست خود را بر در بگذار و بگو:

«المِسْکِینُ بِبابِکَ فَتَصدّق علیه بِالجَنّهٔ» (۲)

«بیچاره‌ای بر درگاه تو است، او را با بهشت صدقه بده.»

۱- تهذیب، ج ۵، ص ۲۸۰

۲- همان، ۲۸۲

ص: ۱۵۲

و نیز توصیه شده که زائر هنگام وداع قصد بازگشت کند و این را از خداوند بخواهد. از سخن امام صادق علیه السلام است که: «هر کس از مکه بازگردد، در حالی که قصد حج سال آینده را داشته باشد عمرش افزون شود.»

(مَنْ رَجَعَ مِنْ مَکّهُ وَ هُوَ یَنْوی الْحَجّ مِنْ قابِل، زِیدَ فی عُمْرِهِ) (۱).

همچنین در روایات نکوهش شده است از اینکه کسی حج کند و قصد بازگشت مجدد نداشته باشد. محمد بن ابی‌حمزه از قول امام معصوم آورده است که: «هرگاه کسی از مکه خارج شود و قصد مراجعت نداشته باشد، اجلش فرا رسد و عذابش نزدیک گردد.» (۲) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یزید بن معاویه (لعنهٔ اللّه علیهما) حج کرد و در بازگشت شعری گفت بدین مضمون:

هنگامی که به کوه ثافل (بین مکه و شام) رسیدیم، از آن پس هرگز برای حج و عمره تا زنده‌ایم رجوع نخواهیم کرد.

اذا جعلنا ثافلا یمیناً فلا نعود بعده سنینا

للحج و العمرهٔ ما بقینا

به دنبال این سخن، خداوند عمرش را کوتاه کرد و مرگش را قبل از موعد رسانید.

(فنقص اللّه مِنْ عُمْرِهِ وَ أماته قَبْلَ اجَلِهِ) (۳)

اینگونه سخنان از یزید و خاندانش غیر منتظره نیست. چه آنان

۱- تهذیب، ج ۵، ص ۲۸۱

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۲۸۱

۳- همان، ج ۴، ص ۴۴۴

ص: ۱۵۳

منافقانی بودند کفر پیشه که حج برایشان مفهوم نداشت. او به مجلس شراب و غنا و قمار و لهو و میمون بازی و ولگردی وابستگی بیشتری داشت تا چیز دیگر و روح خبیث او با اسلام و حج بیگانه بود.

سوغات سفر

اشاره

ازآداب‌ومستحبات سفر، آوردن‌هدیه برای‌نزدیکان‌است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«اذا سافَرَ أحْدَکُمْ فَلْیأتِ أهْلَه بِما تَیَسّر وَلَوْ بِحَجرٍ ...» (۱)

این حدیث تأکید بر این است که مسافر دست خالی نیاید و چیزی به عنوان سوغات، هر چند کم‌بها، بیاورد آنگاه حضرت داستان حضرت ابراهیم را نقل کرد که هر گاه به دیدار اقوامش می‌رفت و در بازگشت چیزی نداشت به خانه بیاورد، برای آرامش روح ساره همسرش مقداری ریگ در خورجین مرکبش می‌ریخت و بدین حال داخل می‌شد و آن را در کناری می‌نهاد و به نماز می‌ایستاد. چون ساره می‌آمد و خورجین را باز می‌کرد، می‌دید داخل آن پر از آرد است! آن را خمیر می‌کرد و نان می‌پخت و ابراهیم را صدا می‌زد که بیاید و تناول کند.

ابراهیم علیه السلام به ساره می‌گفت: این نان از کجاست؟ ساره پاسخ می‌داد از آن آردی که در خورجین آورده بودی. آنگاه ابراهیم سر به آسمان برداشته، و می‌گفت: «بار خدایا! گواهی می‌دهم که تویی خلیل و دوست بنده خود»

(أشْهَدُ أنّکَ الخَلِیل)

.(۲)

۱- تهذیب، ج ۵، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

۲- تهذیب، ج ۵، ص ۳۳۷ و ۳۳۸.

ص: ۱۵۴

هدیه حج:

علاوه بر آنچه در باب سوغات سفر دیدیم، در خصوص هدیه حج توصیه‌های ویژه‌ای است. در روایت آمده است که: «هدیه حج از هزینه‌های حج است»،

(هديةُ الحجّ مِنْ نفقةُ الحجّ) (۱)

، (هديةُ الحج من

الحج) (۲)

یعنی آنچه زائر به عنوان هدایای حج می‌آورد جزو هزینه‌های حج محسوب می‌شود. بنابراین پاداش معنوی دارد.

مناسب است هدایای حج و زیارت چیزی باشد که مناظر و مشاهد متبرکه را یاد آورد و هنگام عبادت و ذکر نیز به کار آید و خاطره حج و زیارت را تجدید کند.

و نیز در هدایای حج، فقرا، یتیمان و مستمندان را نباید فراموش کرد که ثواب افزون‌تری خواهد داشت.

گفتنی است که حج یک سفر معنوی است و بهترین سوغات این سفر، طهارت روح برای خود و دعا و زیارتِ نیابت برای مسلمین است، اما پسندیده و بلکه مستحب است که زائر برای خانواده و یا دوستان نزدیک خود هدیه بیاورد.

باید گفت که سوغات سفر آوردن باید به شیوه معقول و بقدر ممکن باشد و نباید به شکلی باشد که زائر از برکات معنوی حج محروم و یا

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۸۰؛ فقیه، ج ۲، ص ۲۲۵

۲- همان.

ص: ۱۵۵

کم‌بهره شود و اوقات گرانبها را به جای عبادت و زیارت صرف خرید سوغات کند.

آداب زمزم

زمزم، نماد جوشش چشمه امید و آب حیات در کویر انقطاع و حریم پارسایی و از خود گذشتگی است.

در روایت به نوشیدن آب زمزم و نیز هدیه دادنِ آن، سفارش شده است؛ از جمله در کتاب

«محجّهٔ البیضاء»

روایت کرده که هر کس آب زمزم بنوشد، از بیماری شفا یابد.

(وَ رُوِیَ من روی ماء زمزم احدث له به شفاء و صرف عنه داء) (۱).

در ادعیه نیز آمده است که چون آب زمزم نوشیدی، علم نافع و سلامت و عافیت از خداوند طلب کن. در خصوص هدیه دادن آب زمزم نیز روایتی است که پیامبر اکرم آنگاه که در مدینه بود، می‌خواست که آب زمزم برایش هدیه آورند؛

«وَ کان رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله یَسْتَهدی ماء زمزم و هو بالمدینهٔ» (۲)

حاجی! از مهمانی خدا چه آوردی؟

در روایت است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با دو حوله یمانی محرم شدند و همان را کفن خود قرار دادند (۳) شاید این عمل رسول خدا رمزی باشد از این که زائر خانه خدا باید برای آخرت خود کاری کند و چیزی بیاورد. البته نه فقط لباس آخرت و حوله یمانی، که تهیه کردن آن سهل است، بلکه

۱- محجهٔ البیضاء فیض کاشانی، ج ۲، ص ۱۵۴

۲- همان.

۳- بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۴۰

ص: ۱۵۶

لباس تقوا و عمل صالح که ذخیره حقیقی آخرت است؛

«انّ خیر الزّاد التقوی»

حج و عمره بازارند اما نه بازار دنیا، بلکه بازار آخرت. در این بازار باید در اندیشه سفر آخرت بود، چنانکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«الحَجّ و العمرهٔ سوقان من اسواق الآخرهٔ اللازم لهما من اضیاف اللَّه عزّوجلّ ان ابقاه ابقاه و لاذنب له و ان اماته أدخَلَه الجنّهٔ» (۱)

«حج و عمره دو بازارند از بازارهای آخرت، کسی که ملازم آن دو باشد، در زمره میهمانان خداوند است، اگر او را زنده بدارد گناهش بخشد و اگر بمیراند به بهشت جای دهد.»

بنابراین، آنچه حاجی به عنوان سوغات و هدیه برای دیگران می‌آورد.

سوغات واقعی نیست او برای خود باید چیزی ارزشمند و ماندگار بیاورد و آن آمرزش گناه و تحصیل بهشت است و این را به ارزانی نمی‌دهند و برای هر کس فراهم نمی‌شود. در این بازار معنوی باید چنین کالایی را خریداری کرد و بهای آن نیت خالص، عمل صالح، قلب سلیم و تحوّل روحی و مال حلال است. اثر چنین تحوّلی را باید دیگران در سیمای ظاهری و سیرت و سیره عملی زائر ببینند. زائر در فکر این نباشد که پس از اعمال با صورت و لباس آراسته جلو دوربین استقبال کنندگان ظاهر گردد و آنچه کمتر در سیمایش دیده می‌شود همان معنویت حج و رنگ و بوی مدینه و گرد عرفات و مشعر و منا باشد! چنین زائری در صحنه زندگی و معاشرت با مردم نیز نشانه‌ای از حج نخواهد داشت و تنها نامش را سنگین کرده و غرورش را افزون تر! باید به خدا پناه برد، ان شاءاللَّه که زائران ما

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۳

ص: ۱۵۷

اینگونه نباشند و گرنه از حج تنها سیاحتی باقی می‌ماند و بس که جای دیگر نیز میسر بود.

باری، حج نورانیت خاص دارد و این نورانیت را زائر، باید حفظ کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الحاج لایزال علیه نور الحج ما لم یذنب» (۱)

«حج‌گزار همواره نوانیت حج را با خود دارد، مادامی که مرتکب گناه نشود.»

آری گناه نور ایمان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و ظلمات مادیت را بر قلب سایه افکن می‌سازد.

بازگشت به وطن

از جمله آداب حج، مربوط به بازگشت مسافر است. همچنانکه پسندیده است، زائر قبل از عزیمت خود به دیگران اعلام کند و با آنان تودیع نماید، در بازگشت نیز حقّ زائر است که دیگران به دیدن او بشتابند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«حقّ المسلم علی المسلم اذا أراد سَفَراً أنْ یُعلم اخوانه و حقّ علی اخوانِهِ اذا قدم أن یأتوه» (۲)

«حق مسلمان برگردن مسلمان این است که هر گاه قصد سفر دارد،

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۵۵

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۳۷

ص: ۱۵۸

برادرانش را مطلع سازد و بر برادران اوست که چون از سفر بازگردد به دیدنش بیایند»

بدیهی است که در سفر حج و عمره، این دیدار ارزش معنوی و پاداش اخروی دارد، تا بدانجا که در برخی روایات به عنوان واجب از آن یاد شده است. حضرت علی‌بن الحسین علیهما السلام می‌فرماید:

«ای کسانی که موفق به حج نشده‌اید، هنگامی که حاجیان می‌آیند، به استقبال آنها بشتابید و با آنان مصافحه کنید و قدرشان را بزرگ شمارید که این بر شما واجب است، تا در اجر و ثواب شریک آنان باشید.»؛

(یا مَعْشَر مَنْ لَمْ یَحِجّ! اسْتَبْشِرُوا بالحاجّ اذا قدموا فصا فحوهم و عظموهم فانّ ذلک یجب علیکم تشارکوهم فی الأجر) (۱)

و نیز امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«وقّروا الحاج و المعتمر فانّ ذلک واجب علیکم»؛ (۲)

«زائر حج و عمره را احترام کنید که این بر شما واجب است.» همچنین امام صادق علیه السلام به دیدار و مصافحه و و معانقه حجاج بیت اللّه هنگامی که از گرد راه می‌رسند توصیه فرموده است:

«مَنْ عانَقَ حاجّاً بغبار کأنّما استلم الْحَجَر» (۳)

«اگر کسی با حج‌گزاری که از گرد راه می‌رسد، معانقه کند، گویی حجرالأسود را استلام نموده است».

و نیز امام صادق علیه السلام از جد بزرگوار خود حضرت سیدالساجدین علیه السلام نقل فرموده است که: «بر زائر حج و عمره سبقت گیرید و مصافحه کنید، پیش از آنکه به گناه آلوده شوند»؛

(بادِرُوا بِالسَّلام عَلَی الحاجّ و المعتمر و

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۶۴

۲- وسائل، ج ۸، ص ۳۳۷

۳- همان، ۳۲۸

ص: ۱۵۹

مصافحتهم مِنْ قبل أن تخالطهم الذّنوب) (۱)

از این روایات استفاده می‌شود که زائر حرمین شریفین از مقام و منزلت والا برخوردار است؛ چرا که مهمان خداوند بزرگ بوده و یک سفر روحانی پیموده و با بذل مال و رنج تن ره‌توشه‌ای معنوی تحصیل کرده است و لذا زیارت او و مصافحه با او و سلام بر او، حقی است بر گردن دیگران.

بعلاوه چنانکه دیدیم، از نظر ثواب، دیدار زائر خانه خدا با همان گرد و غبار سفر به مثابه زیارت و استلام حجر و مشارکت در ثواب حج و زیارت اوست.

زائر باید خود این قدر و منزلت را بداند و بشناسد، و آن حالت معنوی را که به دست آورده، با گناه از دست ندهد و همچنین در بازگشت به وطن، صورتی را که به خانه کعبه تبرک شده و گرد منا و عرفات و بقیع و مدینه را با خود دارد و دیگران می‌خواهند بدان تبرک جویند، از سیمای زائر خانه خدا خارج نسازد. چه، ره‌آورد واقعی این سفر چنانکه مکرر گفته‌ایم، همانا منوّر شدن به نور ایمان و اتصاف به سیرت صالحین است که برای حج‌گزار می‌ماند و در دنیا و قبر و برزخ و آخرت او را همراهی می‌کند.

با توفیق خداوند

۱- وسائل، ج ۸، ص ۳۲۷

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».